

پیکار دانشجو

ارگان سازمان دانشجویان جنبه ملو ایران

استقرار حکومت قانونی هدف جنبه ملو ایرانست

بهماه ۵ روال

فروردین ۱۳۴۳

پاسخ پیشرای ملت بتبریک نوروزی کمیته سازمان دانشجویان جنبه ملو ایران

احمد آباد اول فروردین ماه ۱۳۴۳

در این شماره

- ۱- جنبه ملو و روش مبارزه
 - ۲- ترور در دانشگاه
 - ۳- ملاحظاتی درباره کنفرانس اکافه
 - ۴- نامه سرگشاده به رئیس دیرانمالی کشور
 - ۵- گذشته و آینده دانشگاه
 - ۶- سازمان رهبری جوانان - منزله دانش جدید دستگاه استبداد را تعطیل کنید
 - ۷- دانشجویان دانشگاه خراسان آزاد می فروری
- هدیه بن قید شرط سران جمعیت نهضت آزادی ایران هستند *

کمیته محترم سازمان دانشجویان جنبه ملو ایران نامه محترم مورخ ۲۹ اسفند عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید که این هیئت محترم گماکان مسائل مربوط بملت ایران را در نظر گرفته و تعطیل ننموده است و این جدیت که نشان میدهد موجب نهایت امیدواری است و این جانب بسهم خود موفقیت شما دانشجویان عزیز را در آزادی و استقلال ایران خرافهانم و امیدوارم که موفق شوید و روزی تبریکات خود را در این زمینه بشما تقدیم کنم و بیش از این تصدیق نمیدهم و از خدا خرافهانم که سالهای بسبار در کمال صحت و خوشی بگذرانید و باین اعیاد نایل گردید *

دکتر محمد صدق

تبریک و تحننید عم

چشن نوروز همواره نزد ایرانیان با مفهوم دگرگونی و تحول و غلبه ریشتری و راستی بر تانگی و دروغ همراه بوده است برای نسل معاصر ایران نیز نوروز با خاطره افتخار آیزی در آبیخته است " زبوا در روز بیست و نهم اسفند ماه سال یکم هزار و سیصد و بیست و نه به رهبری صدق بزرگ صنعت نفت در سراسر کشور ملو شد و این پیروزی درخشان بر آن سنت کهن جلوه ای نمود *

در آغاز سال نو بایاد آوری خاطرات شورانگیز آنهمه پیروزی که بهره وری از نتایجش برای مدت ناچرا مردانه بهیوته اجمال نهاد شده است برای همه زنان و مردان آزاده ایران به روزی و شادمانی آرزو میکنیم و خرافهانیم که سال نو سال آزادی و آبادی ایران باشد آرزو مندیم درین سال صدق رهبر عالی قدر زندانی خود را در جمع خوشباز ببینیم و گوش فرمان وی را باطنین مردانه صدای او جنگ بو امانی را که برضد استعمار را استبداد شروع کرده ایم با شیر و شوق و بو با دانه ادامه دهیم و مبارزه از را که آفلزش بانام وی برده است بنام او را با نظارت مستقیم او بصورت پیروزی برسانیم *

کیفیات و شرایط اختصاصات مبارزاتی جبهه ملی و روش مبارزه (۲) ایران

"استقبال که از شماره گذشته پیام دانشجو بعمل آمد گفت و شنود و بحث و مذاکره ای که راجع به محتویات آن شماره و خصوصاً درباره روش مبارزه جبهه ملی در گرفت صیبن آن بود که هنوز آتش شور و شوق مبارزه در دل مبارزان رو به خاموشی نگذاشته راگر خاکستر صبر و انتظار از روی آتش آن برداشته شود خرمن هستی حیات حاکمه فاسد را خواهد سرخست و بر صفحات درخشان تاریخ حیات این ملت ورق زرین دیگری خواهد افزود و مادامیکه غرور و سرافرازی ازین همه عنایت به پیام دانشجو و مبارزه دانشجویان برپایه اندیشه ای که مایه آن استقبال عمر و پیشنهادهای ایشانست بر سر آن هستیم که بحث درباره روش مبارزه جبهه ملی و اختصاصات و کیفیات آنرا با در نظر گرفتن اوضاع و احوال موجود ادامه دهیم"

جز برای روشنفکرانی که بامید وزارت و وکالت بهر پستری تن میدهند و هنوز اعتقاد دارند با بنظر رانمود میکنند که استعمار و استعمار نو بکمک استبداد داخلی میتواند سلطنت را بهشت برون کند و به یکباره در عرض چند روز همه قبود و مناسبات کهنه را به روابط "نوپا" تبدیل سازد برای همه کس از کوچک و بزرگ از مردم گرسنه و برهنه ای که در گوشه و کنار برنی از صحراها و کشورهای رختی مانند حیوانات بچرا میرند و برای زنا و زنا و سراسر سلطنت که اصلاحات ارضی بدون نقشه و برنامه نابسامانی و پریشانی بیشتر برآورد آنان بامرفان آزرده است و برای کارگران گرسنه و فرسوده آبادانی که بظاهر از چنگال انگلیسها خلاص شده و بدست نوکران ایرانی آنها همچنان استثمار میشوند و وقتی بحد کافی از آنها تار کشیده شد بخاطر رعایت منافع بینگان و بمنظور تعطیل پالایشگاه آبادان استخراج میشوند برای دانشجویانی که در زیر شلاق رجاله هائی چون جهانشاه صالح قرار دارند و پیشه و رانی که هر روز و هر شب از شهرداری و هرزن و ... رنج میکشند و بازرگانانی که مقررات اقتضاد و خلق الساعه زندگی آنها را تباه میکند و ارمندانی که از برکت نام و تقصیت آنها دیگران بوزارت و وکالت میرسند و آنها همانطور گرسنه میمانند همه و همه میدانند که ازین طرف راه نیست در استبداد متکی به استعمار در دهانها را در ختن و بزرگ سر نیزه اصلاحات قلبی ب مردم تحویل دادن در سانسور مطبوعات و آزادی کثی و در فحشا و فساد مطلق راه نجاتی وجود ندارد. این فکر در ملت ما هر روز از روز پیش بیشتر قوت میگیرد که استعمار و استبداد و دشمن خارجی و داخلی سعادت ملت ایران و توسعه و ترقی آنها هستند.

در اوضاع و احوالی که ملت های زجر کشیده از فساد و فقر ناشی از حکومت های استبدادی را بسته با استعمار جهان می آیند چنانچه نیروی جانشین در برابر این نیروی انحرافی نباید خواه ناخواه چشم اند به نیگنگان میدانند و بدین نحو تعیین سرنوشت چنین ملت های استعمار زده از که فاند رهبری متحرک و واقع بین قاطع باشند بدست سیاستمداران می افتد که از لندن یا مسکو یا واشنگتن دستبر میگیرند و پسر واضح است که تنها وجود نارضایتی یا حالت عصیان بدون نقشه و برنامه صحیح مثر ثمر نیست و سیاست جبهه ملی نیز در همین است که ناراحتی ها و نارضایتی های ملت را متولذ و مجسم کند و خشم و خروش مردم را بمرحله تصمیم راسخ رسانده نیروی آنها برای درهم کوفتن قبا و آهن منو استبداد و برانداختن ساط استعمار شکل ببخشد جبهه ملی در تاریخ نهضت ملی ایران برهبری مصدق بزرگ در حساس ترین لحظات مبارزات ملی بوجود آمد تجدید فصالت جبهه ملی نیز در کیفیات و اوضاع و احوالی نظیر گذشته انجام شد ملت خشمگین جهان آمده از فساد و ظلم و فقر و جهال از غلامی و دلقگو که همه زائیده دیکتاتوری بود به ندای جبهه ملی پاسخ داد و آنرا بعنوان نیروی جانشین برسمیت شناخت جبهه ملی بهین دلیل اصیل ترین نیروی است که در ایران وظیفه دارد مردم را در جهت بدست آوردن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی از دست رفته شان رهبری کند و تنها بحث و گفتگو در این باره کافی نیست سؤالی که پیش میآید اینست که برای آنکه جبهه ملی رهبری مردم بقیه در صفحه ۵

دکتر مصدق مظهر ملت ایران لوحش و اسارت وی نشانه جبهه سراسر اسارت ملت
کهنسال ایران است

α

تور در دانشگاه

جهان‌شاه صالح در رئیس خود فروخته و تحمیل دانشگاه هم چنان به نوکری ادامه میدهد. دانشگاه ما را بزدان
 مبدل کرده و از بودجه های سوی و علوی ترکران چماق بدست برای سرکوبی دانشجو را اجیر نموده است دانشگاه که
 باید مرکز علمی و فرهنگی و پایگاه آزادی و آزاد فکری باشد در نظر این نوکر دلقق وسیله است برای چپاول و غارت
 امثال ملت و در هم ریختن کلیه مبانی فکری و آزادیخواهی که دانشگاه سالیان دراز در حفظ آن به جد کوشیده است
 جهان‌شاه صالح غنم می‌خراهد دانشگاهیان ترکران حلقه بگوش را باشند می‌خراهد استادان دانشجو را سارت کنند
 و ناظر غارت بیت المال ملت ادامه حکمت استبدادی و نفوذ نمانان بر انداز استعمار در ایران باشند استادان دانشجو
 که به راه مصدق وفادارند ازین همه زور و قلدری که به دستور اجانب برای ازبایدن آزادی در دانشگاه اعمال میشود
 نهرا سوده اند. هم اکنون بسیاری از دیستان دانشجویی ما در زندان بسر می‌برند. جمعی دیگر بدستور رئیس تحصیلی
 دانشگاه بسر بازی برده شده اند. اما مبارزه مترقی نشده و ادامه دارد. اگر آزادی و کثی و نوکری پیش از این ادامه
 یابد مبارزه را در این حد نگه نخراییم داشت و از استادان آزاد و دانشجو را در خواست خراشیم کرد که باین رجاله
 آنچه ان که در خورا است پاسخ دهند.

"عده کرده بردیم تا آن حد که ممکن باشد سیما ی پیام را دگرگون کنیم
 و بجای زنده بادها مرده بادها ی بی معنی و پیشتازیها و عقوبت
 نشینیهای پر معنی که خوشبختانه سازمان دانشجو را هیچگاه دچار
 آن نبوده است اندکی هم به آنچه در گوشه و کنار مملکت میگذرد توجه
 کنیم و اینک گامی در این راه"

ملاحظات در باره کنفرانس ساکافه تهران

مقدمه: استعمار خصم استعمار نریبندی مسائل را از راه توجیه و تبیین علمی بکشوهای مستعمره و نیمه مستعمره
 و تحت تسلط نامرئی استعمار می قبلا ند از جمله این مسائل مفهوم ذلت و خواری و بدبختی و طل شرق است که بایان
 علمی برای جمعی از روشنفکران بو ماه و بیچاره این قیبل کشورها که خیلی زود خلعت روشنفکری را با قبا و وگالت و
 وزارت عوض میکنند) گفته میشود فضادی کشورها ی استعماری هنگامی که جهان را از لحاظ اقتصاد و (اجتماعی اجتماع)
 تقسیم کردند در مفهوم "کشورها ی عقب مانده" و "کشورها ی جلا افتاده و پیشرفته" را عنوان نمودند اندک و این ندانند
 و کشورهای چشم هم چشم ها ی بین المللی و آزادخواهی سالنی موجب شد که این اصطلاح را در نور حیثات کشورها
 ترسعه نیافته و کمتر ترسعه یافته را در برابر کشورها ی ترسعه یافته بگذارند و روشنفکران مفسر کتابها ی فرنگی را در بحال
 کنند. اما واقعیت جز اینست. ملل شرق روزگاری که از مفهوم ترسعه و ترقی نزد بربرها ی فرنگی خبر و نشانی نبود
 دارا تمدن و فرهنگ در غشان بودند و هنیز هم اگر در مقابل جنایات و فجایع اقتصاد و اجتماع استعمار را ن
 ایستاده اند شاید علتش را بتیان در اساس محکم و متین تمدن و فرهنگ قدیشان جستجو کرد و در هر حال اگر بر اساس
 مناسبات غیر اصلی بین المللی در وضع کنونی قرار گرفته اند نه خود عقب مانده اند (بدین معنی که در ذات آنها
 چنین عیب وجود دارد) و نه اینکه خود موجب عدم ترسعه یا کم ترسعه یافتن نمیشند.

واقع امر اینست که آنها را با تمام مسائل ممکن عقب نگه داشته اند و بنا بر این تزییح ما تا پیدا کردن اصطلاح بهتر
 که این مفهوم را برساند کلمه "عقب نگه داشته شده" را درین مقاله و مقالات دیگر بعنوان صفت برای کشورهای
 که قربانی استعمار و استعمار نراند بنار نخراییم برد ما باین مفهوم و اصطلاح به خصوص از این نظر اهمیت میدهم
 که این کلمه استعمار را بعنوان علت و عامل عدم ترسعه تا حدی (از لحاظ مفهوم) مصرف میکنند و روح مبارزه با آنان
 در ملت ما خصوصاً روشنفکران زنده تر میکند این ملتها ی شرق را این امری هانیستند که عقب مانده اند بدلیل آنکه

زاتاً بدبختند و هوش و استعداد ندارند این استعمار و استعمار تو و عمال داخلی و خارجی، هستند که ملت‌ها را عقب‌نگه میدارند و بنابراین باید بآنها پیکار کرد.
در باره کنفرانس کافی

نمایندگان کشورهای آسیا و خارجه در فوراً حضور ناظران از امریکا - انگلستان اتحاد شوروی و اغلب کشورهای بزرگ صنعتی در شبه ۱۲ / اسفند در تهران تشکیل جلسه دادند صرفنظر از تشریفات در این اجلاس در واقع و موضوع مورد بحث قرار گرفت:

- ۱- اهمیت نقش تولید کالاها و مشابه وارداتی در توسعه اقتصاد آسیا و خارجه و در واقع و متوجه کردن مواد خام اولیه.
- ۲- بررسی شرایط توسعه اقتصاد و موجود در این منطقه.

در مورد مواد خام و اولیه صادراتی اظهار نظر نمایندگان بعضی از کشورهای بشرح زیر بود:

"مهمترین مسأله عدم وجود ثبات در قیمت‌ها و بازارهای مواد اولیه است و بطوریکه میدانیم صادرات اصلی کشورهای در حال توسعه نیز همین مواد است"

"تنوع صادرات و جلوگیری از واردات از راه تولید مشابه کالاهای وارداتی بخواه خودکف فراوانی به توسعه همکاری بین‌المللی خواهد نمود"

"تنزل قیمت مواد خام و اولیه بملقصد یا بکشورهای در حال توسعه خساراتی وارد میسازد و باین بوسه قیمت‌ها را بخاطر نفع کشورهای صنعتی میباشد"

"تولید مواد غذایی و کسری موثر زنده پرداختهای کشورهای در حال توسعه حقایق تلخ است"

"در حال حاضر شرایط و اوضاع تجارت بین‌المللی به ضرر کشورهای منطقه آکافه است"

نتیجه ملین نکته اساسی است که آسیا و خارجه در قسمت از منطقه وسیع عقب‌نگاه داشته شده آسیا، افریقا و امریکا و لاتین را تشکیل میدهد کشاورزی و مناسبات کهنه و حلکیت فئودالیسم همراه با تسلط استعمار به بدترین نحو مانع هر نوع بسط و توسعه اقتصادی است گذشته از چند کشور درین مناطق که در جهت صنعتی شدن گامهایی بر میدارند بقیه با مسائل کهنه و عقب‌مانده محصولات کشاورزی و مواد خام تولید میکنند پنبه برای سودان و مصر شکر برای کوبا کف برای پاکستان قهوه برای برزیل - کائوچو و قلع برای مالزی نفت برای ایران - کویت، عراق و عربستان و ونزوئلا کالای اصلی صادراتی است بعدین ترتیب رقم بزرگ درآمد ارزی کشورهای عقب‌نگاه داشته شده را همین یک یا دو رقم کالای صادراتی تشکیل میدهد و بنابراین اقتصاد این کشورها وابسته به درآمدی است که از یک نوع ماده خام و اولیه بدست میآورند ترقی و تنزل قیمت‌های مواد اولیه مستقیماً بر روی درآمد مردم و در نتیجه زندگی آنان تاثیر عظیم حیلتی بجا گذاشته و کشورهای عقب‌نگاه داشته شده را بزائده کشورهای بزرگ صنعتی تبدیل کرده است و بهمین مناسبت است که کشورهای استعماری حکمت‌ها و توکر کشورهای عقب‌نگاه داشته را حمایت میکنند تا آنها هرچه بیشتر به ضرر ملت‌های خود و بِنفع این کشورها این وابستگی اقتصاد را تقویت کنند و آشکار است که این کشورها و وابسته با اقتصاد کشورهای پیشرفته صنعتی از نظر سیاسی و در تمام زمینه‌ها و اجتماعاً اجباراً زیر تسلط و نفوذ کشورهای صنعتی قرار دارند و در نتیجه کشورهای صنعتی بصورت آقا و ارباب کشورهای عقب‌نگاه داشته شده درآمد دارند.

باید دید این تسلط اقتصاد چگونه است و چطور حفظ میشود؟ بلیه در شماره آینده

"... مل شرق بیدار شده اند و زنجیرهای استعماری را بک بعد از دیگری از دست و پای خود بر میدارند ... ما بخاطر یک معامله تجاری و کم و زیاد کردن عایدات خود نفت را علو نکرده ایم استقلال ما در صورت ادعاه عملیات

کمپانی سابق برای همیشه خدشه دار برد ...
از نطق دکتر محمد مصدق در دانشگاه قاهره
شبه ۲ آذر ۱۳۳۰

را در مبارزات بدست داشته باشد چه باید بکند؟ در اینجا اول باید دید مقصود از جبهه چیست؟ اما در شماره های گذشته در این باره صحبت کردیم و در شماره های آینده نیز بتفصیل از جبهه علمی و شکل سازمانی که باید داشته باشد گفتگو میکنیم در اینجا باختصار اضافه میکنیم جبهه علمی ایران ترکیب هم آهنگ و شکل یافته از نیروها و احزاب علمی است که در شرائط و اوضاع و احوال کنونی ایران برای هدف مقدس و بزرگ "آزادی و استقلال ایران" پیکار میکنند این پیکارمدام و پیگیر است احتمال طویل بودن آن نیز هست اما در این پیکار صبر و انتظار را مقام و منزلت نیست روش های مبارزه ممکن است تغییر کند گاهی بشکل مثبت و زمانی بصورت منفی در آید اما تحمل دستگاه استبداد با سکوت در مقابل اربابان استعمارگران در این مبارزه جای ندارد خلاصه جبهه علمی موجود ارتباطی وسیع است که همه ملت را در بر میگیرد و طبعا چنین سازمان اجتماعی و سیاسی را نمیتوان در اطاقهای دو بسته و دو گریه های پنج زشش نفری خلاصه کرد و آنها را منفی نمود و در عین حال صعوبت از مبارزه علنی کرد و رقتی قبول کردیم که جبهه علمی متعلق به همه ملت است منطقا قبول خواهیم کرد که باید مدافع و حامی حقوق و منافع همه گریه های اجتماعی باشد و نیروی جبهه علمی نیروی ملت است بنا بر این بطور قانونی و علنی میتوانند و باید که پاسدار حقوق ملت باشند اما نباید فراموش کرد که قانونی و علنی بودن خود هدف نیست بلکه اساس کار مبارزه اصیل جبهه علمی را بدست آوردن آزادی و استقلال تشکیل میدهد

در مکتبهای متعددی که در چند روز اخیر از پیشروی ملت بدست پیرانش رسیده است "استقامت در راه کسب آزادی و استقلال ایران" گوسزد شده و این مؤید همین فکر است که مبارزه باید در کادر بسیار وسیع برای آزادی و استقلال ایران ادامه یابد و میخواهیم آزادی بدست آوریم و به همین دلیل با دیکتاتوری با قلدوری با استبداد در جنگ خواهیم بود

استقلال ایران اعم از استقلال اقتصادی اجتماعی سیاسی مورد توجه است و به همین دلیل با استعمار و استعمار نوکس استقلال ملتها را از میان ببرد و نیز با اعمال داخلی آنها پیکار خواهیم کرد

اما برای آنکه در این مبارزه علمی موفق شویم باید همه ملت که از لحاظ نظری داخل در تصرف جبهه علمی هستند عملا نیز مبارزه کشیده شوند و باید طبقات و افراد مختلف ملت اعم از کشاورز و کارگر همیشه در فرهنگ کارند و ملت دانشجو زن و مرد همه و همه جبهه علمی را مدافع منافع خود بدانند

دفاع از منافع گریه های مختلف در نادر مصالح علمی و هدایت کشاورزان برای خروج از وضع نابسامان فعلی و حمایت کارگران در برابر بیکاری و صنعتگران و پیشه وران و بازرگانان در مقابل مقررات اقتصادی خلق الساعه که بدست استعمار نو و برای استفاده هژم استبداد تنظیم میشود و بالاخره پاسداری منافع علمی اصیل تمدن و فرهنگ ایران و تطبیق آن با مقتضیات و شرائط تمدن واقعی جهانی جز برنامه مبارزه واقعی جبهه علمی قرار ندارد

حکومتی متکی با استعمار در ایران کاری از پیش نبرده و نخواهد بود این حکومت بجای آنکه منافع ملت را در نظر بگیرد پسود بیگانگان و بسود بازارهای جهانی عمل میکنند مقررات اقتصادی مخصوصا در جهت مطامع استعمارگران تهیه و تدوین میشود فقر و جهل و مسکنت ملت نتیجه برنامه های مبتنی بر سر نیت اقتصادی سیاسی فرهنگی دولتهاست این فقر و جهل شیوازه نظام اقتصادی ایران را فوسیده کرده و از جهت دیگر حیات اجتماعی ملت را تهدید میکند سر ظن یاس و بدبینی و بیچارگی و آوارگی و در هم ریختن اساس زندگی در شهر و روستا همه و فایده انقلاب و اصلاحات چند سال اخیر حکومتها ز غلامان نانه زاد رجان نظر است

سقوط اینگونه حکومتها از لحاظ معنوی و جنبه بین المللی ادامه حیات آنها را غیر ممکن کرده است و مانورهای از قبیل حزب ستازیها و تفویض کابینه ها که بصورت جایجا کردن مهره های بازی در آمده است این پن بست دستگاه استبدادی

نیوان را از بین نخواهد بود

دانشجویان دانشگاه که همواره دفاع از حقوق و آزادی های کلیه ملت ایران را وظیفه خود دانسته اند فشارهای غیر قانونی و وحشیانه نسبت به جامعه و طبقات را بشدت محکم میکنند و آزادی بدین قید شروط حضور آیه آله خمینی پیشروی شیعیان جهان را خاستارند

تلفظ صحیح کلمات

نامه سرگشاده زیر از طرف مسئولین
دا نشجویان جبهه ملی ایران در مورد
اخراج و بسربازی بردن دانشجویان
خطاب بریاست دیوان عالی کشور
نویخته شده است.

و هیئت محترم دیوان عالی کشور

رونوشت دادستان شهرستان تهران
رونوشت دادستان کل کشور

آقای رئیس هیئت عالی با توجه به مستدیکه بر آن تکیه زده اید قاعده " بیخیز از هر کس و بهتر از هر کس
میدانید که قوام و دوام بنا جامعه و میزان استحکام یا تزلزل مبانی اساسی آن بر عدالتخواهی و عدالتگستری
استوار است. بخوبی واقفید که نهضت و انقلاب سر دولت با درخواست ایجاد عدالتخانه آغاز شد یعنی آنچه
بود و باید بماند بر همه چیز بلعد.

و باز بهتر از هر کس بقیام و موقعیت خود و دستگامی که در راس آن قاعده " و امولا " بعنوان حاکم مطلق قیام
دارید آگاهید. خوب میدانید اگر هنوز امیدی وجود دارد به قوه قضائیه است و به عدالتخواهی و عدالتگستری
که با جسم و روح ما سر بایست عجب باشد این امید هنوز در ما از میان نرفته است. ما که هر همه جا
کشور آوار ظلم و تیرامی را بصیان میبینیم. هنوز در دادگستری مقاومت های دلهرانده ای را در برابر زود و
قلدری در برابر ظالمان و اعمال خلاف روده و قانون مشاهده میکنیم و اینها موجب آنست که به یکباره
ما بوس نشویم و در اینکه استعمار و استبداد روح و جسم همه افراد ملت ما را بتمامی زیون و ذلیل کرده است
اندکی تردید کنیم. و بمناسبت همین امید است که در عین ترس از اینکه این یک امید هم نقی بر آب شود
این شکوایید را بصورتان تقدیم میکنیم. آرزو مندیم که در هر یک از کلیات آن با عنایت خاص آنطور که در شایع
سند نشستی نظیر شامت نظر کنید و خارج از هر گونه حب و بیض کوشی نمائید. عذالت اجرا شود.

آقای رئیس - مدتی است فرهنگ بخصوص در قسمت فعالیت های دانشگاهی ملمبه اغراض و افکار بی اساس قرار
گرفته است. تعلیمات عالی بر خلاف نص صریح ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که میگوید:
" هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. " آرزوی عالی باید باشد برابری و تساوی کامل بسروی
همه باز باشد تا همه بنا با استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند. " انحصاری طبقات متمم و مرفه
اجتماع ما گردیده است. استقلال علمی و فرهنگی دانشگاه مورد تجاوز و تخطی قرار گرفته و اصالت و ارزش
علم و فضیلت دستخوش نظر است شخصی واقع شده است.

آقای رئیس - کوشش گردانندگان فعلی دانشگاه بر اینست که آنها که دردهای اجتماع را حس میکنند آنهاست
که از میان طبقات محروم برخاسته اند بدانگاه نیایند و برای آنکه هرگونه اظهار ناراضی از بیچارگی ها
و بدبختی ها و ظلم ما را در حلقوم آنهاست که پیروز این مقرر است فزون و سطاشی بدانگاه آمده اند خفسه
کنند و دانشگاه را بگورستان بدل کنند - مقررات دیگری را نیز در باره آنان اعمال و اجرا میکنند که
ناقض کلیه اصول اساسی و حقوق مکتوبات است.

آقای رئیس: اگر باین نظر که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است و ما بدان اعتقاد راسخ داریم
معتقد باشیم که: " هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور را ملانست که از دامن عقاید خود
بیسم و اضطرابی نداشته باشد " باید این موضوع را تعقیب کنید که بچه مناسبت دانشگاه تبدیل به دخمه
و حشتناکی شده است که هیچ کس حق اظهار عقیده و نظر در محوطه آن ندارد مگر نه اینست که بر طبق بند ۲ ماده ۲۶

اعلامیه حقوق بشری: "آموزش و پرورش باید طوری ددا پت شود که شخصیت انسانی هر کس را بخدا کمل برسد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند."

آیا دانشگاهی که متصدیان آن بالاترین توهین ها را بدانشجویان میکنند میتواند شخصیت افراد را بمرحله کمال برسد برساند آیا جناب عالی در مورد نقض کنندگان این اصول تا کنون اندیشه ای کرده اید؟

آقای رئیس: متصدیان فعلی دانشگاهی نه تنها حق آزادی بیان را از دانشجویان سلب کرده اند بلکه آنان را بجرم عقابندی که حتی اظهار نکرده اند مورد اهانت قرار میدهند.

آقای رئیس - شما بعنوان رئیس قوه قضائیه کشور باید بدانید که حق استفاده از فرهنگ و تعلیم و تربیت را از دانشجویان سلب کرده اند. شما باید بدانید که بکوچکترین بهانه ای دانشجویان آزاده دانشگاه را از دانشگاه اخراج میکنند و اخراج آنان را به دستگاههای انتظامی گزارش میدهند و از آنها میخواهند که این اخراج شدگان را بسر بازی ببرند.

آقای رئیس: در هیچ جای دنیا این چنین بی حساب و کتاب بر طبق مقررات من در آوردی حق مکتب دانشجویان را از آنان سلب نمیکند ما بدینوسیله اعلام جرم میکنیم و شما را که باید حافظ عدالت باشید بکمکم میطلبیم شما که رئیس قوه ای هستید که بر طبق اصل هفتاد و یکم متمم قانون اساسی فراموش شده "....." مرجع رسمی تظلمات عمومی "....." هستید.

آقای رئیس: بسیاری از دوستان ما را بدون جهت از دانشکده ها اخراج کردند - بسیاری از آنان پسران در بدری ها بوسیله ما موران انتظامی بطور غیر قانونی بازداشت و بسر بازی برده شده اند برخی نیز که دارای معافی بوده اند بزندان کشیده شده اند.

در مورد بعضی نیز روشهای قرون وسطائی گرویشی را بکار برده اند پدر و برادر یکی از دوستان ما را بزندان بردند تا برادر دیگر خود را مصرف کند. آخرین دوست دانشجویی ما که در سال پنجم دانشکده پزشکی بتحصیل اشتغال داشته است آنچنان با عجله دستگیر کردند که حتی هنگام رسیدگی بیرونده نظام وظیفه امر حکم اخراج از دانشگاه در پرونده وی موجود نبود و نظام وظیفه مجبور شد گواهی ما موران سازمان امنیست را بجای حکم اخراج بپذیرد.

هم اکنون آقایان باسداد ارفخ زاده دانشجوی آرشیبکت و احمد آل ابراهیم - بعقوب سیگاری متجدد و محمود سید علی عسگری - سید عبدالله کابلی - هوشنگ مهران دانشجویان دانشکده کشاورزی و احسان فیلسوف و رضا انصاری دانشجویان دانشکده فنی و محمد یوسف کلکتی دانشجوی علوم و انگشتی و فریدون تقی زاده دانشجویان دانشکده پزشکی و شکرالله پاکتراد دانشجوی حقوق بعنوان تنبیه بسر بازی فرستاده شده اند و آقایان برلبان دانشجوی پزشکی ضیائی دانشجوی حقوق - قنادیان دانشجوی داروسازی و مهرابی و مقدس زاده و مهدوی و نراقی دانشجویان دانشکده فنی در حدود چهار ماه است که در زندان بسر میبرند.

آقای رئیس: جناب عالی بعنوان بالاترین فرد عالترین مرجع قضائی کشور موظفید از شرف و حیثیت فرد و اجتماع و منافع این مردو حمایت کنید. بی احترامی بفرود توهین بمقام و موقعیت دانشجو در دانشگاه رواج کامل دارد و متصدیان اداره دانشگاه میخواهند با دانشجویان مانند بردگان رفتار کنند میخواهند آنها را بجاسوسی علیه یکدیگر وادارند موقعیت و مقام بشری را در آنان تنزل دهند و انحطاط اخلاقی را بیشتر از پیش نمایند درست است که موفقی نمیشوند اما هر لحظه عصبانیت تر از لحظه پیش میشوند و در هر لحظه فرد یا افرادی را که مقدم بر دیگرانند با آنان اعتراض میکنند اخراج مینمایند.

آقای رئیس: شما موظفید از کسانیکه در این شرایط با درون و نبرنگ در جنت هستند بخاطر عدالت دفاع کنید همچنین اگر خود را موظف بحفظ حیثیت اجتماع و موسسات آن بدانید باید با این مسئله حتما توجه بفرمائید که در این جریان سر بازی را بعنوان تنبیه علیه دانشجویان بکار میبرند جناب عالی بخوبی میدانید که انجام

وظیفه را بصورت تنبیه در آوردن و جمعی را بوسیله آن مرعوب کردن حد اقل اشتباهی است که قرین خیانت است بخصوص اگر اینکار غلط نسبت بمفهوم سربازی انجام پذیرد توالی فساد آن بیش از آن حد است که قابل ذکر باشد آقای وشمیس : با تشکر از اینهمه حوصله که برای خواندن این اعلام جرم نسبت بمقتصدیان کنونی دانشگاه بخرج داده اید در پایان تذکار این نکته را بجا میدانم که مملکت ما در حال حاضر مراحل حساسی را میگذراند. این مرحله را باید باز شناخت و توجه کرد اگر فکر و روی جوانان بیش از این آزوده شود اگر جوانان دانشگاه را بعنوان مظهر حکمرانی مملکت تلقی کنند و در آنجا بجای حق و عدالت ببدادگری و بجای منصفی زور و قلدری و بجای ادب بیشرمی و بی ادبی را حاکم ببینند آها دیگر خواهند توانست بیپیزی دل ببندند و احترام بگذارند؟ آها بر طبق بندت ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اگر بگویند "هر کس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد و تکامل شخصیت او را مبسر سازد" بناسیاسی متهم نخواهند شد؟

این نکته را بعنوان یک تذکر و یک اعلام خطر بشما که حافظ حقوق ملت ایران و ناظر اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر هستید میگوئیم. امیدواریم این نامه شما را پاندمیشه قمر و برد خطرات این وضع را در نظر آن جناب مجسم کند و شما را براهی که خیر و صلاح مملکت در آنست هدایت نماید.

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

گذشته و آینده دانشگاه

و اینک در آرمان نهفته ز نو
جان میگردد هنری لائیک فلو

بدنبال کودتای ۲۸ مرداد و پس از در هم شکستن و پراکندگی کلبه احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی ایران که توسط تکیه گاههای داخلی استعمار عملی گردید هر گونه اظهار حیاتی از طرف ملت و نیز هرگونه تظاهراتی علیه حکومت کودتای استبدادی متکی باستعمار خاموش شد تا اینکه بالاخره اعتصاب عظیم خونین و هفتاد هزار نفری کارگران محروم کوره پزخانه ای اطراف تهران - گرده " سکوت را شکست و پس از آن اعتصاب همه بنامید " را نندگان تا کسی بجای تهران که با موفقیت نیز بیابان رسید ضربت دیگری بود که بر ریشه خفقان کشور وارد آمد ولی بجز همین دو انمکاس خشم آلود - که وجه امتیازشان وسعت و کثرت آن میباشد - شما بدتان گفت که اعتراضات دیگری که دارای اعتباری در همین سطح بوده باشند - دیده نشد تا اینکه اعتصاب مظفرانده دانشگاه آموزشان سخن پابخت را پر کرد و بدنبال این تظاهرات موفقیت آمیز محور مبارزات ملی مبین ما بفرهنگ (مقصود آن قسمتهای آموزشی کشور است که شامل دانشگاه - معلمین و دانش آموزان میباشد) منتقل گردید و از این پس سراسر کشور میدان مبارزات خستگی ناپذیر و مداوم این مراکز علمی علیه مظالم این دستگاه حاکمه ضد ملی گردید.

ولی متاسفانه شکل غیر قابل تأملی که تا بحال رهبری جبهه ملی بخود گرفته است - اجازه بهره برداری صحیح و مفیدی را بنفع نیروهای ملی از جبهه سلب نمود چنانکه جبهه ملی نتوانست فولاد مبارزات ضد استعماری ملت ایران را در کوره مستعد و شعله ور اعتصاب عظیم معلمین سرخ نموده و شکل مناسبی بآن بدهد. بجای اینکه رهبری جبهه ملی نقش پیش قراول و هدایت کننده معلمین را عمده دار شود بملکت سستی نمود اجازه داد تا درخششها پرچم را بدست گرفته و در نتیجه جریان را محدود و منحرف نمایند.

با اینکه محور مبارزات ضد استعماری ملت ایران بطور کلی در این چند سال اخیر بفرهنگ منتقل شده است ولی نقش عمده آنرا دانشگاه تحمل نموده و در واقع سنای پر فروغ دانشکده های سراسر کشور و خصوصاً دانشگاه تهران و دانشسرای عالی و پلی تکنیک در سالهای اخیر بیش از حد توقع از خود درخشندگی نشان داده است.

هر چند که دو اعتصاب بزرگ کارگران کوره بزرگخانه و رانندگان ناگس ها در گبر اگیر دوران خفقان بعد از تسلط جابرازه کودتای ۲۸ مرداد مانند فریاد درد آلود و خشمگینی بود که تهران را بیدار کرد معذالک از آنجا شبکه هردوی آنها جنبه صنفی داشتند صحبتتر است که گفته شود: بالاخره این افتخار نصب دانشگاه شد که توانست با متبذک خود در تابستان ۳۹ بخهای ضخیم سیاست گورستانی حکومت کودتا را بشکند.

همراه با این متبذک که متاسفانه رهبران فعلی جبهه ملی از روی عدم بصیرت سیاسی با تشکیل آن مخالفت نموده و در برگذاری آن نیز حاضر نشدند دانشگاه تهران چهره "جسور پیشرو و تسلیم ناپذیر خود را رسماً" بملت ایران و همه جهان پنهان نشان داد و از آن پس دانشگاه تهران بمحور حوادث و مبارزات سیاسی کشور تبدیل شد. بدیهی است هر اندازه دانشگاه بیشتر بار مسئولیت مبارزات ملی را بر دوش میگرفت بهمان نسبت نیز دستگاه حاکمه ایران بیشتر برای خورد کردن و درهم شکستن وحدت و تضییع قوای آن تلاش میکرد که بدبختانه ضعف کفیی رهبری نیز کمکهای سنگین با این دستگاه مینمود. با اینهمه دانشگاه تهران لحظه بلحظه آگاهتر و دقیقتر و سمجتر گشته و برای مقابله با هرگونه مبارزه ای چه در جهت کوبیدن هرچه بیشتر حکومت متکی با استعمار ایران و چه در جهت نفی انحرافات و ضعفهای درونی نهضت آمادگی بیشتری یافته است.

و اکنون در سیمای درد کشیده و مبارز دانشگاه خطوط و علامات امیدوار کننده تری دیده میشود. دانشگاه بسمت بزرگترین اصالت تاریخی خود قدم بر میدارد - دانشگاه مبرود تا با شهادت و هوشیاری پرچمدار مبارزات ملی شده و در رهبری نهضت ملی شرکت نماید. رهبری غیر اصولی جبهه ملی بجای اینکه از دانشگاه بعنوان مرکزی جهت تربیت کادر ای گرداننده نهضت استفاده نماید و پیوسته بکوشد تا خود را بنیروهای وسیع ملت نزدیک ساخته و با بمیدان کشیدن هرچه بیشتر مردم جهت بکاپیکار مرگ و زندگی ملی دستگاه حاکمه نوگر استعمار را همراه با اربابان استعمارگر خود مجبور بعقب نشینی و شکست نماید. دانشگاه را بعنوان پیکانه تکیه گاه اصولی و کافی نهضت ارزیابی نمود و هر چند که با وصف این روی خوش بدانشگاه نیز نشان ندادند معذالک یا باز کردن همه بارهای نهضت بدوش دانشجویان از دو جهت بظلمت رفت یکی از لحاظ خسته کردن نیروهای روشنفکری که میدیدند در خارج از محیط خود جو از زنده ای ایجاد نمیشود و دیگری از این جهت که با مصرفی کردن دانشگاه بعنوان تنها تکیه گاه نهضت کلبه این مخاسبه صحیح را بدشمن مبداد تا نیروهای شیطانی خود را پراکنده نموده و با همه قوا برای درهم شکستن و بی اثر نمودن این نیروی محدود بکوشد و چنانکه دیدیم دستگاه استبداد توسط نیروهای اهریمنی خود حتی دست بیورشها و قشون کشی های پی در پی علیه دانشگاه زد تا شاید این سنگر را نیز از صحنه خارج سازد ولی شهادت و ایمان دانشجویان بعنوان عظیم ترین سدها آنچنان در برابر دشمنان ملت در خورد کننده ترین شرایط استقامت نمود.

امّا امروز دانشگاه با تکیه بتجربیات دردناک این چند سال اخیر با فراست بیشتری قدم برمیدارد و با علم با اینکه رسالت تاریخی دانشگاه در این نیست که بعنوان نیروی ای عمده نهضت عرض و اندام نماید بلکه در اینست که بتواند کادرهای لازم را جهت ارتباط با کثیرترین نیروهای دردمند کشور و هدایت آگاهانه آنها بنهضت تحویل دهد میکوشد تا گامهای اصولی و مفیدی را برای خارج کردن جبهه از بحران فعلی و ایجاد بک محیط مبارز ۵ ساله برآورد.

و برای این منظور و برای اینکه در رد پای اشتباهات گذشته قدم گذاشته نشود لازم است که دانشگاه از هم اکنون تسلط سیاسی و جرات را جانشین سن و ساز و خویشاوندی نماید. نان قرض دادن را ملغی نموده و بجای آن افشا گوئی را بنشانند از بیان اشکالات درونی خود نهراسند و با اظهار آنها در رفشان بکوشد خود را مافوق ملت ندانسته و با این حساب احمقانه که مردم میبایستی دست بسینه در مقابل پرچمدار و رهبری ایستاده و بدون اظهار نظری تنها میبایستی منتظر فرامین آنها باشند خود را از نیروهای حقیقی نهضت جدا نمائند. همانطوریکه شبهه "هر رهبری فرتوت است جدا ننماید" شمار ای مبهم و بی کشر و شمارهای را که برای تفسیر

آنها صد عالیشان استدلالات همراه با صدها دایره المعارف زم است بدور ریخته و بجای آنها شعارها و ساده و قابل لمس شعارهای که ساده ترین دشمنان بسادگی و غصه ترین کاروان با دلپذیری آنها درک نمایند اعلم نماید بجای اتکال بذهنیات بایستی برزندی عملی و در دنیا مردم تکید نمود آنها نه مردم و اشرف تن نه مردم لندن و نه مردم مسکو بلکه مردم پرهنه و گورته که نوشته و کنار این سرزمین انباشته از پذیرش میبوند و میبوند دانشگاه تنها با تکیه برزندی دردمند این علمترین ارتشهای ملرو فنا تا پذیر و با تداوم مداوم جهت پر ردا نندن بگزند انسان برای - موجودات مفلوک و زجر کشیده است که میتواند رسالت تاریخی خود را که جورانه آغاز کرده است تا امانه بیا یا برساند.

سازمان رهبری جوانان

مزبله دانشی جدید دانشگاه را تعریف میکنند

جوانی دوره ای از زندگی است که در عصر انقلاب از با مفهوم و مصداق دست آویز در ماندن آن و به چارگان همیشه حاکم شده است - مدتی است عوام فریبی های بی شرمانه بنام جوانان و برای جوانان صورت میبرد و چند پستدایه های مهربانتر از مادر ادعای رهبری و هدایت و ارشاد جوانان را هم بر داعیه ها میبندد آنه خود افزودنشانند و از بودجه علمی و سربو دست امپای انتظامی دودودم راه انداخته و سازمان برای رهبری جوانان برداخته اند در کتب سازمان رهبری باشاه مرکزی جوانانی هم علم کرده اند اداره شعبه با زیرها و غلا فکارها و ترویج فساد اخلاقی آن تا چند روز پیش در دست رهبری که از این لحاظ بسیار توانا است سربرده شده بود اکنون این مزبله را بدین روی تحویل داده اند - از این روی بگویی به ماهیت این دم و دستگاه توجه کند و آلت های فعل و به چارگان آنه که دنبالش پولی بوده اند یا بخاطر ترهات و ابای از رهبر باطل وی قبلی دور هم جمع شده یا از مزج و مزج باشاهی استفاده میکرده و با خر مساده دانشی را که اول خورده بودند بدنبال کار اصلی شان فرستند و این دکان بی رونقی (از لحاظ افراد با شرف و تقوی) را یکسره تعالیس کنند اول از عواصب و خیم مزبله ها که در همه جای دنیا از جمله کشورهای غربی سابقه دارد و پای بسیاری از رجال راهم بمیان کشیده در آن خواهد بود و نتیجه هنر نماشیهای رهبری مزبله دار قبلی هم بوی تعفن میگیرد - در این بار سخن را سر بسته میروئیم تا چه قبول کنند و به در نظر آید.

دانشجویان دانشگاه خواستار آزادی فردی و بدون قید و

و شرایط سران جمعیت نهضت آزادی ایران هستند

حاکمه سران و اعضای دلیر جمعیت نهضت آزادی ایران حضرت آیت الله العظمی جلاب آقا مهندس بازرگان اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران و آنها دکتر حاجی استاد دانشگاه بزرگوار و ارزنده دانشگاه آقای مهندس حاجی و دکتر شهبانی و آذیان علی با یابی و حکمی و عدالت منش در دادگاه غیر صالح و فرمایشی تجدید نظر نظامی ادامه دارد - در روز ۲۸ اسفند آنها دکتر حاجی بمناسبت روز ملی شدن صنعت نفت از مبارزات ملت ایران - بر رهبری مصدق بزد یاد کرد - دانشجویان دانشگاه این محاکمه غیر قانونی و فرمایشی را بشدت محکوم میکنند و اعلام عدم صلاحیت و متوقف ساختن این خیمه شب بازبهارا همراه با آزادی قوری و بدون قید و شرایط سران و اعضای جمعیت نهضت آزادی ایران و دوستان فداکار جبهه ملی را خواستارند.

دروغ بدانشجویانی که بدستور رژیم خون فروخته و تحمیلی دانشگاه بزنندان و سربازان بوده شده اند.

مسئول کارگزاران دشمنان پیروز است

"جبهه ملی مرکز اعزباب واجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی واستقلال ایران ندارند"

از نامه جناب آقای دکتر صدق

شماره اخیر پیام دانشجو که حاوی دو نامه از پیشوای ملت جناب آقای دکتر محمد صدق بود بعد از انتشار بزودی نایاب شد خواست طبقات مختلف مردم نسبت به آگاهی از مضمون نامه ها اداره کنندگان پیام دانشجو را بر آن داشت که به تکثیر فوری آن اقدام کنند.

جبهه ملی در آستانه تحول از لحاظ هدف - شمار - تشکیلات

هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران بمناسبت فرا رسیدن نوروز نامه مفصلی متضمن تبریک سال نو و گزارش فعالیت های سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا برای پیشوای ملت جناب آقای دکتر صدق فرستاده بودند که پیشوای ملت این نامه را به تفصیل پاسخ گفتند.

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران نیز ضمن ارسال دو شماره اخیر پیام دانشجو برای پیشوای ملت از ایشان درخواست کردند که چنانچه صلاح بدانند نظریات خود را در باب تشکیلات جبهه ملی و روش مبارزه ای که پیام دانشجو باید تبلیغ کند ابلاغ نمایند. پیشوای ملت در پاسخ این نامه نظریات خود را بتفصیل مرقوم فرموده اند. ما برای آگاهی ملت ایران از نظریات پیشوای خود به ترتیب متن پاسخ جناب آقای دکتر صدق را به هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران و نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران را به پیشوای و جواب ایشان را درج می کنیم.

ملت ایران ملاحظه خواهند کرد که پیشوای ملت با روشن بینی جبهه ملی را در آستانه تحولی بزرگ که میتواند آنرا شایسته نام و زین تاریخی خود سازد قرار داده است.

۱ - نامه جناب آقای دکتر صدق به هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران
احمدآباد ۳ فروردین ماه ۱۳۴۳
هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

نامه ی مورخ ۱۴ اسفند عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید گرچه عیدی برای ما نیست که تبریک عرض کنم با این حال از این عید سیاسی که در دسترس ما قرار داده اند باید استفاده کنیم و هرچه هست گفته شود از رنج و غصه ای که داریم قدری بکاهیم اینکه مرقوم شده است جواب نامه ی آن هیئت محترم را عرض ننموده ام از این جانب چنین خلاف ادبی سر نزده و ممکن است بجهاتی معروضه بمتصد نرسیده است و اکنون رونوشتی از آن جواب تهیه شده که ارسال میشود و یقین دارم رفع سوء تفاهم خواهد شد نامه را هرکس داده جواب گرفته است جای بسی تشکر است که آن هیئت محترم از جریان کار در سازمانهای اروپائی جبهه ملی که اطلاعاتی نداشتیم این جانب را مستحضر فرموده اند و با اینکه از پیام ۳ دیماه ۱۳۴۱ این جانب با اولین کنگره جبهه ملی ایران بوسیله نوار مستحضر شده اید در صدور انحلال احزاب بر آمده و هرکجا که موفق شده اید نتیجه ی خوبی از آن گرفته اید که بنده تصور میکنم کار خوبی نشده مگر اینکه از مخالفین باشند و غیر از این جبهه ملی حزب نیست که با مرامهای زیاد بتواند افرادی را از نظر توجه بمرام دور خود جمع کند جبهه ملی را باید مرکز احزاب کشور دانست که همه بیک اصل معتقد باشند و آن آزادی و استقلال مملکت است. چنانچه احزاب واجتماعات در جبهه شرکت نکنند جبهه همان میشود که اکنون شده است و پشتیبان جبهه همان چند نفری خواهند بود که جبهه برای تشکیل شورا انتخاب نموده است جبهه نباید در صلاحیت احزاب و اجتماعات بحث کند و چنانچه دولت از روی غرض حزب یا جمعیتی را منحل نمود انوقت است که جبهه میبایست از آن دفاع کند بنا بر این هر يك از احزاب واجتماعات می توانند نمایند خود را برای شرکت در انجام وظایف روانه ی جبهه کنند و جبهه او را بپذیرد و چنانچه با صلاحیت آن نماینده موافق نباشد اعزام نماینده ی دیگری را از آن حزب یا جمعیت تناضا کند چنانچه بمرامنامه يك حزبی مراجعه شود ملاحظه فرمایید فرمود که علل بی شماری باعث موجودیت آن شده و غیر از این افراد حاضر نمی شوند در يك اجتماع شرکت کنند و در صورت انحلال دیگر مرامی نیست که باعث تجمع شود و هواخواهان جبهه همان عده ای هستند که جبهه از نظر سابقه و اشنائی انتخاب کرده و قادر نیستند يك قدم در راه دفاع بر دارند.

بیشرفت این جانب در سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روی این اصل بود که نسبت بمرام و مسلک احزاب هیچ نظری نداشتیم و سلاح ما منحصراً جمع آوری افراد بود که همگی معتقد بیک اصل بودند و لزماً استقلال ایران دفاع می کردند و روز سی ام تیر ۱۳۳۱ ثابت کردند که مدافعین حقیقی مملکتند.

نظر باینکه پیام این جانب با اولین کنگره جبهه ملی ایران ممکن است در دسترس آقایان محترم نباشد نسخه دومی که از آن هست تقدیم و عرض میکنم این جانب هیچوقت نمی خواستم در این زندان که از همه جا بی غیرم در امور جبهه دخالت کنم از این جانب خواستند پیامی فرستادم ولی بان ترتیب اثر ندادند و جبهه را بصورتی در آوردند که قادر به هیچ عملی نیست و این انشعابی که بوقوع پیوسته و سبب گردید عده ای تحت تصدیب قرار گرفتند نتیجه ی عملیات جبهه است چنانچه نسبت با احزاب بیک طریق عمل میکردند و از هر حزبی يك نماینده می پذیرفتند حزب مزبور هم يك

نماینده میفرستاد و این اختلافت روی نمی داد .

و اما راجع بتعیین رهبر که یکی از خواسته های اثنایان است چنانچه در حیات این جانب این کار بشود کسی اطاعت نخواهد نمود و برای بعد از حیات هم شغل رهبری موروثی نیست که کسی برای بعد از حیات خود رهبر تعیین کند تعیین رهبر از حقوق بلا تردید ملت ایران است که هر کس را شایسته دانست عملاً رهبر کند یعنی اطاعت نماید بنا بر این هر کس بوطن عزیز خود خدمت نمود عملاً رهبر است .

راجع بعکسی که ارسال فرموده اید نظریات آن هیئت محترم را تأیید میکنم و باستحضار میرسانم که کاری برخلاف حقیقت نشده و حقیقت این بود که عموم هموطنان از بیانات این جانب مطلع شوند بنا بر این آن را نه روی یک عکس بلکه روی بسیاری از عکسها می توان قرار داد که هموطنان عزیز عموماً مطلع شوند و آن را عملی کنند . در مرقومه مطالب دیگری هم بود که چون در زندان بسر میبرم و غیر از خانواده خود با کسی حق ملاقات ندارم از انجام آن معذورم و در خاتمه توفیق اثنایان محترم را در خدمت با ایران وطن عزیزم از خدا خواهانم .

دکتر محمد مهدی

نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران بجناب آقای دکتر مهدی

تهران ۱۹ فروردین ماه ۱۳۴۳

کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران افتخار دارد که دوشماره اخیر نشریه پیام دانشجویان سازمان را به پیوست حضور پیشوای ملت تقدیم کند . سازمان دانشجویان با این نتیجه رسیده است که ازادی و استقلال ایران آنطور که مورد نظر پیشواست تنها با تعطیل نکردن مبارزه و کوشش و فعالیت مستمر و مداوم بدست خواهد آمد و با تدبیر سبک و روش پیام دانشجویان سعی کرده است که باین فکر تحقیق بپردازد .

اینک از حضور پیشوا استدعا دارد که چنانچه صلاح میدانند نظرات خود را در مورد مقالات مندرجه و راه و روش را که در باره تشکیلات و نحوه مبارزه پیام دانشجویان بابت تبلیغ کند به سازمان دانشجویان ابلاغ فرمایند .

نامه پیشوای ملت در پاسخ نامه سازمان دانشجویان

احمدآباد ۲۸ فروردین ماه ۱۳۴۳

کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه مورخ ۱۹ فروردین عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید اینک مرقوم فرموده اید نظریات خود را در باره تشکیلات و نحوه مبارزات بان سازمان محترم عرضه کنم قبلاً لازم است مقدمه ای از آنچه در راه ابتدای هدف ملت ایران بکار رفته است بنویسم و بعد نظریات خود را در باب تشکیلاتی که بتواند از این هدف دفاع کند اظهار نمایم .

اکنون شرحی راجع بنمایندگان دوره ی ۱۷ تقنینیه عرض میکنم که گفته میشد ۴۰ نفر از آنها که اکثریت داشتند با دولت موافق و ۳۵ نفر دیگر مخالف دولت بودند و چون عده ی نمایندگان مجلس طبق قانون انتخابات که در دسترس نیست بیش از این بود لازم است در این باره توضیحاتی داده شود که چرا در مجلس بیش از ۷۵ نفر وارد نشدند نظر باینکه قبل از خاتمه انتخابات این جانب برای دفاع از حقوق ملت ایران در دیوان بین المللی لاهه حاضر شوم و میخواستند در غیاب این جانب در هر محل که انتخابات میشد بلوا و غوغا بر پا کنند و این کار سبب شود که حواس این جانب متوجه انتخابات گردد و نتوانم وظایف خود را در دیوان بین المللی انجام دهم انتخاب بقیه نمایندگان را موکول بمراجعت کردم و بعد هم انتخاباتی نشد و ملت ایران هم از این عمل که در خیر مملکت شده بود اظهار عدم رضایت نکرد چونکه میدانستند داشتن نماینده در مجلس به از این است که نماینده در مجلس باشد و بضرر مملکت رأی بدهد .

این اکثریت و اقلیتی که در مجلس تشکیل شده بود تا چندی بوالایف خود عمل میکرد انتخابات رئیس مجلس که بیش آمد عده ای منحرف شدند و اکثریت از دست رفت و بعد خواستند از آن استفاده کنند و طبق مقررات قانون اساسی دولت را استیضاح کنند و از کار بیندازند و نشه این بود که یکی از مخالفین دولت را برای نظارت در کار اسکناس انتخاب کنند و او که به بانک ملی رفت گزارشی بر علیه دولت بدهد و ثابت کند که دولت برخلاف قانون ۳۰۰ ملیون تومان از نشر اسکناس سوء استفاده نموده است و چون دولت آن نماینده را برای اجرای قانون در بانک دعوت ننمود دولت را استیضاح کردند و دولت نگرانی نداشت که در نتیجه ی استیضاح حیثیاتش از دست برود چونکه متجاوز از ۲۵۰ ملیون از این وجه برای اجرت کارگران معادن نفت بکار رفته بود و دولت نمی توانست بعلت نبودن عواید نفت آنها را گرسنه بگذارد که اغتشاش کنند و مخالفین بگویند ملت ایران قادر نیست معادن نفت خود را اداره نماید و بقیه وجه مزبور هم صرف مخارجی از همین قبیل شده بود نگرانی از این جهت بود که دولت را استیضاح کنند و هدف ملت ایران از بین برود این بود که طبق یکی از مواد ائین نامه مجلس تصمیم گرفتیم مدت یکماه در جواب استیضاح تأخیر شود و در مجلس حاضر نشویم و چون این کار یک نتیجه ی قطعی نداشت و بعد از یک ماه باز دولت میبایست در مجلس حاضر و عزل شود چنین بنظر رسید که تکلیف دولت را ملت ایران بوسیله ی رفتارندم معلوم کند اگر ملت با بقیه ی دولت موافق نبود به ابتدای مجلس رأی بدهد و دولت از کار خارج شود نظر باینکه توسل بفراندم نشه ای را که

بر علیه دولت ترسیم شده بود خنثی میکرد رئیس مجلس نزد من آمد و تقاضا نمود از این کار صرف نظر کنم و من هیچ جوابی نداشتم غیر از اینکه بگویم بمجلسی که از خود نمکری ندارد هرگز نمیروم بنابراین به بروم گذشته از اینکه باید جواب استیضاح را بدهم و عزل شوم هدف ملت ایران را هم باید از مجلس بخانه خود ببرم و در آنجا با خود دفن کنم و چون مذاکرات به نتیجه نرسید رئیس مجلس رفت و بلافاصله دستور اجرای فرمانم داده شد و همه دیدند که ملت ایران با چه اکثریت تریب با تفاق دولت را تثبیت کرد نظر به اینکه راه دیگری برای عزل دولت نبود بدستخط شاهنشاه متوسل شدند که این جانب حاضر شدم از همه چیز خود بگذرم و در راه آزادی و استقلال وطن عزیزم از هر گونه فداکاری خودداری نکنم .

اکنون بسیار خوشوقتم که این فداکاری بی اثر نبود و شما جوانان و بصمیت های وطن پرست در راه آزادی و استقلال ایران از هر گونه فداکاری دریغ ننموده و از همه چیز خود گذشته اید برای اینکه هدف ملت ایران را حفظ کنید ولی باید دانست که با اساسنامه فعلی این هدف روز بروز ضعیف تر میشود تا کار بجائی رسد که آن را فراموش کنند و از آن جز اسم پییزی باقی نگذارند .

و اما اینکه مرتوم فرموده اید نظریات خود را در باره ی تشکیلات و نحوه مبارزات عرض کنم راجع بتشکیلات چون از حدود مطالعه خارج نیست میتوانم نظریاتی بدهم ولی راجع بنحوه مبارزات از این جانب که در زندان بسر میبرم کاری ساخته نیست چونکه مبارزه هر آن صورتی درمی آید که رهبر جبهه باید تجدید نظر کند وانی غفلت ننماید و تعیین نحوه مبارزه از وظایف هیئت اجرائیه و آن کسی است که برای رهبری انتخاب میشود .

اکنون اجازه میخواهم که عرض کنم شما دانشجویان عزیز جزئی از افراد مملکتید و نمی توانید بتنهائی کاری مفیدی انجام دهید مگر اینکه با سایر تشکیلات مملکتی همکاری کنید و این کار با اساس نامه ای که برای جبهه ملی تنظیم شده به پیچیده صورت نخواهد گرفت اساس نامه باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته ای که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند در تصمیمات جبهه ملی شرکت کنند و نمایندگان مزبور نظریات جبهه را با اطلاع موکلین خود برسانند و انجام آن را بخواهند .

هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد و هیچوقت حاضرند بی خود از مرام خود دست بکشند و تشکیلات خود را منظر نماید صلاح جبهه ملی هم در این است که کار هر کدام دیگران نداشته باشد نقطه اجرای مرام خود را تأمین نماید بنا بر این تصریحی که می توان از جبهه ملی نمود این است ((جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند)) این مرام پییزی نیست که یک عده ی قلیل و هر قدر صاحب فکر بتوانند در تمام مملکت آن را اجراء نمایند بلکه مجری این مرام باید ملت ایران باشد گذاردن یک عده ای در خان و عدم پذیرش آن بهر عنوان که باشد برخلاف مصالح مملکت است .

اکنون نظریات خود را برای تشکیل یک جبهه ملی عرض میکنم و تمنا دارم هر گونه اصلاحاتی که لازم است و از نظر این بانوب دور مانده در آن بفرمائید .

(۱) برای تشکیل جبهه یک هیئت موسس لازم است که در یک جلسه حاضر شوند و از هر یک از احزاب و اجتماعات و دستجات که تشکیلاتی دارند تقاضا کنند که برای تشکیل جبهه دو یا سه نفر از اعضای خود را انتخاب کنند و به هیئت موسس معرفی نمایند .

(۲) نمایندگان احزاب و اجتماعات و دستجات جبهه ملی را برای مدت یکسال تشکیل میدهند و بنابراین به فردی از افراد جبهه راجع بصلاحت یکی از اعضا اعتراض کند جبهه ملی با رأی مخفی و اکثریت آراء اظهار نظر میکند و این اعتراض ممکن است در تمام مدت سال داده شود و بشرحی که گذشت بموقع اجراء در آید .

(۳) جبهه ملی هیئتی را بنام هیئت اجرائی از زنان جبهه برای مخفی و با اکثریت آراء انتخاب می کند که تصمیمات جبهه را بموقع اجراء گذارند و هیئت مزبور نیز یک نفر را از بین خود برای اجرای تصمیمات انتخاب خواهد نمود .

در خاتمه لازم است که عرض کنم از هیئت موسس یک یا دو نفر که مورد اعتماد عموم باشند باید دعوت کنند این دعوت کنندگان و دعوت شدگان هر قدر بیشتر مورد اعتماد جامعه باشند ملت ایران بجبهه بیشتر معتقد میشود و سبب خواهد شد که ملت ایران در تحصیل آزادی و استقلال دچار مشکلاتی نشود و آن را هر چه زودتر بدست آورد .

این بود نظریات این هموطن گرفتار شما که باستیاضا رسید دیگر پییزی ندارم که عرض کنم جز اینکه توفیق شما جوانان از خود گذشته و دوستان عزیزم را از خدا بخواهم .

پیام دانشجو

ارگان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

«جبهه ملی مرکز احزاب اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند»
از نامه جناب آقای دکتر مصدق

خرداد ماه ۱۳۴۳

بها : ۵ ریال

آن گرد شتابنده که بر دامن صحراست
گوید چه نشینی کهسواران همه رفتند
گر نادره ممدوم شود هیچ عجب نیست
کز کاخ هنر نادره کاران همه رفتند
اسوس که افسانه سرا یان همه خفتند
اندوه که اندوه گساران همه رفتند
فریاد که گنجینه طرازان ممانی
گنجینه سپردند بیاران همه رفتند
باد ایمنی ارزانی شیران شکاری
کز شومی ما شیرشکاران همه رفتند



در سوگ نهر

- در این شماره :
- ۱ - در سوگ نهر
 - ۲ - کارنامه سه ماه حکومت روشنفکران
 - ۳ - با احترام شهرمانان کرپلا
 - ۴ - ایران باید صنعتی شود
 - ۵ - فقر سیاه
 - ۶ - چند خبر و سایر مطالب

در سوگ نهر و سیمای درخشان نهر ما چه میتوان گفت کدام کلمه و جمله‌ای را میتوان یافت تا بیان کننده اندوه جانگزا و افسوس و درین دو ستداران خضائل و فضائل انسانی باشد . نهر از آغاز جوانی با سر پرشور و دل پرورد همه آنچه را داشت صادقانه و خالصانه در راه منافع وطن خویش و بهبود وضع زندگانی مردم میهنش فدا کرده . نهر قدم بگذارم کوی بکوی زندان بزدان همراه و هم‌راهی گانندی و دیگر مردان آزاده‌هنگام در راه آزادی و استقلال هندوستان فداکاری کرد و پس از پیروزی آزادگان هندی بوسیله ملت بزرگ هند بپاس

قدردانی از وی که آن چنان دلیرانه کوشیده بود برای ساختن هند نو برگزیده شد انتخاب مردی بزرگ از جانب ملتی بزرگ بود برای کاری بزرگ و نهر همانسان که در مبارزه بر ضد استعمار روشن‌رأی و تیزبین و برنیده و

دلیر و کوشا بود بهنگام ساختن هند نو نیز شجاعت بی مانند خود را با درایت و آزادی را با خرد و تدبیر همزمان ساخت و هندوستانی بنا کرد که بی شک از لحاظ ساختن و سازمان دادن پس از طی دوران مبارزه با استعمار سرمنش بسیاری از ملل استعمار زده آزاد شده قرار گرفته و باید قرار گیرد. نهر و بمنوان سیاستمداری دلیر و پیش کسوت در شرق و غرب جهان پر آشوب کنونی همچون فرشته رحمت مورد احترام و ستایش بوده. تذکراتش که با بی پروائی خاص در مذاکرات وی عشوان میشد راهبر و راهنمای بسیاری از سیاستمداران روشن دل و واقع بین بوده. افسوس که همه از اینهمه روشن بینی سودن جستند و روح بزرگ او را که از سر خیرخواهی این و آن را متوجه اشتباهاتشان میساخت با رها کرده ساختند.

اکنون نهر در میان مردم دنیا نیست غم بزرگ درگذشت وی بر سینه همه آزادگان جهان سنگینی می کند مردم بسیاری در گوشه و کنار جهان از مرگ وی به تلخی گریستند اما هیچکس و هیچ ملتی فقدان این بزرگ مرد را همچون ملت هند احساس نمی کند. هندوستان سرزمین مردان بزرگ است گاندی مکتبی بنیاد گذارده که نهر و ابوالکلام آزاد سردار پاتل در آن سالها شاگردی کرده و بمقام استادی رسیدند. و مسلم است شاگردان در این مکتب همان راه را با همان جد و جهد خواستند اما نمی توان درگذشت نهر را برای هند تأسف بار و چهران نا پذیر ندانست. با اینهمه بیگمان ما در تنها ملت بزرگ هند است که با شکیبائی بی مانند خود میتواند این مصیبت را تحمل کند و با روشن رأی و کوشندگی در راه تحقق آرمانهای نهری بزرگ همچنان استوار پیش برود.

کارنامه سه ماه حکومت روشنفکران !!!

به مسخره گرفتن ملتها و هدر دادن فرصت های تاریخی آنان از بزرگترین خیانتها و اشتباهات و یا گناهانی است که قابل فراموشی نیست تاریخ این سیاهکاری را نه بر تبیه کاران حرفه ای و نه به ساده لوحان و ساده دلانی که در طامس لفظنده حلقه بازیهای جمعی کهنه کار در سیاست می اندازند می بخشد. و اینك تاریخ کشور ما شاهد یکی از این صحنه های دردناك است. پیش از آنکه روشنفکران دولتی باشوکت و شکوه فراوان به عرصه سیاست قدم بگذارند اینجا و آنجا در کرناها دمیده بودند که جمعی روشنفکر جوان فعال صاحب تز و برنامه پاك و منزه دارای فکر مشترك و اهل کار دسته جمعی بیدان خواهند آمد و ایران را رشك بهشت برین خواهند کرد.

بیچاره رئیس بیسواد فعلی دانشگاه شیراز نه از این ادعاها داشت و نه اصولا اهل حرف بود سابقه پدرش خانی و سپس ارادت پیشگی بود و فرزند خلف وی خانزادگی و خانه زادی را از وی بارت برده همه جا بنوکری افتد و میکرد و کاری بکار دنیا و سیاست نداشت.

آقایان آمدند اما معلوم شد که اجازه نیافته اند همه تیم را بیآورند یا آنکه تیمشان ناقص بوده است در هر حال این اولین شکست برنامه دادند اما سراسر آن کلیات بود و اینکه باید بشود باید فعالیت کرد باید ساخت یعنی يك رشته باید و يك رشته نباید که در کتابهای اخلاقی موجود در کتابخانه های بزرگ پدران برخی از همین آقایان قسمتی از این بایدها و نبایدها گنجانده شده است. بعد هم راه فراری برای بایدها و نبایدها پیدا کردند که این کارها فرصت و زمان می خواهد از حالا تا صبح قیامت. و این شکست دوم.

در برنامه از همه چیز سخن گفتند جز از آزادی های فردی و اجتماعی و خصوصا آزادی مطبوعات و اجتماعات البته باید توجه داشت که این بی مهری عمدی بوده است و از روی کمال دقت زیرا ساختن زیر بنای اقتصادی را بآینده ای دور و دراز حواله کرد و تا آن روز فرصت زیاد است اما مسأله آزادی مطبوعات و آزادی اجتماعات را نمی شود با وعده و وعید حل و فصل کرد یا باید بمطبوعاتش که بر اثر سانسور شدید به تشویق هرزگی و جنایت مشغولند آزادی داد که در نتیجه بجای خیر قتل حرف می خواهند نوشت یا وزارت اطلاعات درست کرد و

سانسور را علمی تر برقرار نمود و البته يك دولت علمی راه دوم را بر می گزینند و چنین کرد یا آنکه بـمـردم باید گفت مملکت يك حزبی است و همه باید طرفدار انقلاب سفید باشند یا آنکه به مردم آزادی داد و در آن صورت انتقادات و ایرادها را چه باید کرد روشنفکری دولتی اقتضا می کند که ذهن ها دوخته باشد و این شکست سوم پیش از عمل .

و اما در عمل در برنامه روشنفکران دولتی از زیربنای اقتصادی سالم و از بودجه بندی صحیح و از این که کار مردم را باید بمردم واگذار کرد صحبت شده است . بودجه سالم و بدون نقص همان بودجه ای بود که پیش از عید به تصویب مجلس رسید و قسمتی از نتایج درخشان آنرا در مقاله گذشته پیام دانشجوی مشاهده کردید . کار مردم هم با داستان هند و شکر به مردم واگذار گردید بدین ترتیب که قسمتی از سرمایه مردم متوجه خرید و فروش يك كالای مصرفی شد و طبعا از سرمایه گذاری احتمالی در صنایع اساسی و کلیدی و یا لایه اقل ایجاد کارخانه برای همین كالاهای مصرفی جلوگیری بعمل آمد . مسلما روشنفکران دولتی با آمار و ارقام ثابت خواهند کرد که این امر قسمت دیگر از برنامه که تشویق سرمایه گذاری است منافاتی ندارد . ضمنا با آزاد کردن ورود هند و شکر و در نتیجه گران شدن آن قدمی در رفاه حال مردم که جزو برنامه است برداشته شد بدین معنی که مردم شهرستانها و خصوصا دهات که هندو شکر ضروری ترین كالای مورد نیازشان از تهیه آن بهیمت گزاف عاجز میمانند و این خود قدمی مؤثر است . دنباله همین قسمت نیز با گرانی طاهر برای نان و گوشت و میوه تکمیل شده است و اگر توفیق خدمتگزاری بیشتر فراهم شود برنامه فعلی ادامه خواهد یافت .

در عمل مطبوعات مورد توجه سرپرست روشنفکران دولتی قرار گرفته است و از مطبوعات که درست نظیر مجلس منتخب کنگره آزاد زنان و آزاد مردان (که رئیسش با اتهام دزدی و سوء استفاده در توقیف بسر میبرد) از دولت حمایت می کنند تشکر میشود . تشویق و تعریف از مطبوعات با وضع اسف بار کنونی شان تنها از سرپرست هیأت روشنفکران دولتی ساخته است . مطبوعات خصوصا در ماههای اخیر گرفتار بی مطلبی و نوعی رخوت و بیچارگی شده اند از يك طرف باید مقدار زیادی از اخبار غالبی را که بوسیله دستگاههای انتظامی و اطلاعاتی میرسد بچاپ برسانند و از طرف دیگر حق ندارند کوچکترین خبری یا مقاله ای که نشانده ای از زنده بودن و آزاد زیستن در آن باشد درج کنند . اما بجای آنکه به ننگ تن در ندهند خود را بدامن نزال اخبار جنایتها و اعمال منافی اخلاقی افکنند و شرح حال روسپیان و اعمال و رفتار باندهای وحشتناکی را که بر رهبری و همکاری رجال در راه سون دادن رچه بیشتر مردم بطرف فساد کوشش می کنند بچاپ میرسانند . با اینهمه مطبوعات کم و بیش توجه کرده اند که وظیفه آنان بعنوان رکن چهارم مشروطیت نقل عیش و عشرتها و جنایتها و منحرف ساختن جوانان و تخدیر اعصاب پیرمردان نیست توجه کرده اند که پول و وقت جمعی از آنان و تمام استعداد جمعی دیگر در خدمت زر و زور و شهوت درآمده است از این مطلب بجان آمده اند اما جرات دم زدن ندارند رئیس دولت که این ناراحتی را حس کرده است سروسخت آنان رفته بقصد فریب دادن آنان از ایشان تجلیل می کند .

عملیات مششع روشنفکران دولتی درین حد متوقف نشده است بر سرله مأموران وزارت اطلاعات در خارجه جوانان را با ایران فرا می خوانند و برای پیشگیری از اینکه مبادا جوانان سرنوشت سران نهضت آزادی را که در خارجه تحصیل کرده اند یا دانشجویان نهضت و دانشجویان عضو سازمان دانشجویان که در ایران تیترو دکتوری و درجه گرفته اند و در زندان بسر میبرند در نظر آورند با آنها وعده میدهند که در ظرف چند سال آینده مانند خود ایشان وزیر خواهند شد . اما رئیس هیأت روشنفکران دولتی توجه ندارد که مردم میدانند ایشان و بیشتر اعضای تیمشان خان و خانزاده و بزرگ و بزرگزاده هستند برخی از آنها هم عضو سازمانهای تأمیننی بوده و شاید هنوز هم باشند و بعضی هم نان ساده لوحی و ساده دلی یا زیرکی بیش از حد خود را می خورند و این صفات در دانشجویان آزاده ایران که در اروپا و امریکا تحصیل می کنند جمع نیست .

در مورد اصلاحات ارضی هم که کم کم به سرو صدای فزاینده با پس و پیش کردن مرتب مواد مربوط باجرای اصلاحات ارضی خاتمه میدهند .

کارخانه های دولتی را هم که کسی نخریده است کارخانه های ملی هم که در ضرر خود کارگران را سهیم کرده اند در نتیجه نوسازی ایران بدست تیم ایران نوین بمرحله پایان خود نزدیک میشود پایانی غم انگیز و دردناک پایانی که هیچکس حتی بدبین ترین افراد نمیتوانست فرا رسیدن آنرا باین زودی پیش بینی کند پایانی که منتهمی بورشکستگی بزرگی شد که خصوصا از لحاظ اخلاقی نتایج سوء آن سهمناک تر از شکست های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برنامه های آنهاست .

شکست نسل جوان هیأت حاکمه شکست ساده دلان و ساده لوحانی است که گول حقه بازها و شارلاتانها را خورده اند شکستی است که درعین پراورزش بودن از لحاظ تجربه اندوزی ملت یکبار دیگر هسستی از عمر و فرصت گرانبهای ملتی را بهدر داده است .

باحترام بهرمانان کربلا

ماه محرم هر سال پیروان و دوستان ارادتمندان امام حسین بن علی علیه السلام و یاران آزاده اش را در اندوهی عمیق همراه با احترامی شگرف فرومیبرد . در برابر فداکاری بیمانند و شجاعت این شجاعترین شجاعان جهان و اصحاب وفادار و از جان گذشته وی نه تنها شیمیان او سرتعظیم باستانش میسایند بلکه هر آزاده ای که درین دنیا با فساد و ظلم و فقر و جهل در پیکار است والاترین مراتب احترام خویش را نثار راه این شهید راه حقیقت می کند .

واقعه کربلا از وقایعی است که بروشنی بیان کننده جزک استی ناپذیر حق و عدالت و تقوی و فضیلت علیه تباهی و بیدادگری و دروغ و نیرنگ است . حسین بن علی علیه السلام مظهر تقوی و شجاعت و نماینده نیروی یسزدانی نتیجه پیکار با نیروی اهریمنی یزید رهبر و قائد حزب مفتخوار و بی ایمان و فاسد و مستبد اموی را بمنسوان درسی برای همه آزاد مردان جهان در تاریخ پیکارهای دلیرانه بجای گذاشت . امام حسین با شهرمانی خود خصوصا این مطلب را خاطر نشان ساخت که بامردم نامردمی چون یزید و اعوان و انصارش جنگ اجتناب ناپذیر است . مردمی که در فساد غوطه ورنند بنام اسلام عوامفریبی می کنند و حکومت مینمایند اما تمالیم اسلامی را بمسخره میگیرند بر مسلمانان از ترس قیام علیه آنها در همه جا جاسوس میگذارند و اجازه اجتماع و انتقاد بهمیچکس نمی دهند و محیط پر رعب وهراس و ترور بوجود میآورند - در مقابل این مردم صبر و سکوت جا ئز نیست .

یزید و یزیدیهها در سال اول حکومت خود واقعه کربلا را بوجود آوردند و در دو سال دیگر این حکومت ننگین در مدینه قتل عام کردند و سپس کعبه خانه خدا را خراب نمودند و در آنجا به فسق و فجور پرداختند . حسین بن علی با این تباهاکار مردانه پیکار کرد و نشان داد که هر چند درین پیکار نیروها نامساوی باشد جنگ حتمی است و از آن گزیری نیست زیرا یا باید زنده ماند و مرگ فضیلت و تقوی را بچشم دید دید که همه مظاهر انسانیت و مبانی اخلاقی را بگور می کنند و دم بر نیارود و یا باید صلا ی آزادی و آزادگی در داد و شهید شد و با خون نهال آزادی و عدالت و فضیلت و تقوی را ابیاری کرد . حسین بن علی (ع) تنها برای دینداران پیشوایان بود بدیگران نیز توجه داشت و بانها هم راه و رسم زندگی آموخت از آنها خواست و بدیشان هشدار داد که : " ای مردم اگر دین ندارید و معتقد باخرت نیستید در دنیای خود آزاد و آزاده باشید " بدین ترتیب حسین بن علی (ع) رهبری است آزاده برای همه آزادگان جهان .

در برابر این همه عظمت جز با احترام سرخم کردن و آرزوی پیروی حسین بن علی (ع) را نمودن و در راه هدف وی بجان کوشیدن کار دیگری از دوستداران حق و عدالت و آزادی شایسته و سزاوار نیست .

پانزده خرداد

کشتار دستجمعی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را محکوم می‌کنیم و به روان پاک هموطنان بی دفاع و بی سلاح خود که درین کشتار جان خود را از کف داده‌اند درود می‌فرستیم .

کشتار دستجمعی بر طبق عهدنامه ای که در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی ملل متحد بتصویب رسید از طرف کلیه ملل متمدن جهان محکوم گردید . تنظیم کنندگان عهدنامه "ژنوسید" یا کشتار دستجمعی را چنین تعریف کرده‌اند : " اعمالی که بمنظور نابودی تمامی یا قسمتی از یک گروه ملی یا نژادی یا مذهبی و بوسیله کشتار افراد یا معلول کردن جسمی یا دماغی آنان انجام می‌یابد ... " این تعریف منظور اعمال هیأت حاکمه در کشتار مردم بی دفاع در پانزدهم خرداد است که بوسیله ملل متمدن محکوم شده است .

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران طی اعلامیه جداگانه‌ای مراتب انزجار خود را نسبت باین کشتار دستجمعی مردم بیگناه شدیداً اعلام نموده است .

ایران باید صنعتی شود

تبدیل جامعه عقب نگه‌داشته شده ایران بیک جامعه مترقی و محو مصائب و مفاسد ناشی از این عدم توسعه عمدی فقط با بسط و توسعه همه جانبه و سریع صنایع ممکن است و بس .

برای آنکه پیشرفت سریع جوامع تأثیرات سوء خود را که خواست استعمار و استبداد داخلی است بیش از این بر جامعه ما تحمیل نکند تولید صنعتی باید با سرعت رشد و بسط یابد و نیز تولید کشاورزی با وسایل قدیمی بمنظور هماهنگی با صنایع باید با محو مناسبات کهنه و قدیمی بدل بتولید زراعی متناسب امروز گردد .

بسیاری از کشورهای که تحت رژیم استعمار بوده‌اند پس از آزادی با فراهم کردن شرایط رشد و توسعه و با بکار انداختن مساعی عظیم ملت بساختمان اصولی جامعه خود پرداخته‌اند در میان مللی که خود را از بنده استعمار رها ساخته‌اند نمونه‌هایی نظیر هند فراوان است که بعلمت سرنوشت کم و بیش مشابه تاریخی با ما میتوان از تجارب با ارزش آنها برای خاتمه دادن باین وضع اسفبار و صنعتی کردن کشور استفاده کرد . این کشورها که تا دیروز فقط صادر کننده یک یا دو نوع ماده خام معدنی و کشاورزی بوده‌اند امروز بصادرکنندگان کالا های صنعتی بدل شده‌اند . این کشورها در واقع نقطه حرکت خود را برای ایجاد یک اقتصاد سالم از صنعتی کردن آغاز کرده‌اند . کشورهای عقب نگه‌داشته شده دیگر نیز با کوشش همه جانبه و با بکارگرفتن همه امکانات و با استفاده از همه نیروها و بررسی تجارب تاریخی کشورهای درحال ساختمان باید راه خود را باین سمت باز کنند .

رشد و بسط تولید جدید صنعتی کالاهای تازه ای فراهم می‌آورد طبعا این کالاها نیازمند بازار فروش است و در درجه اول این بازار در داخل مملکت وجود دارد در نتیجه سطح مصرف ترقی می‌کند .

تولید تازه ده ها هزار نفر کارگر و کارشناس را بکار خواهد گرفت و بدنبال آن شرایط بسط و توسعه زندگانی همه افراد را فراهم خواهد ساخت به برکت تولید فقر کشف شده جامعه که بصورت بزرگترین عامل ضد حرکت درآمد است از میان خواهد رفت .

فقر همچون سنگ بر پای ملت بسته شده است تا زمانیکه این سنگ را از پیمان جدا نسازیم نمیتوانیم

براحتی و سرعت حرکت کنیم رشد و بسط صنایع با حرکت و عمل خود جامعه را بتلاش و امیدوار و امید و شوق بزندگی ایجاد می کند .

تولید تازه با ایجاد شرائط نو بزندگی غم انگیز و نفرت آوری که دامنگیر ماست پایان خواهد داد و همراهِ با رشد و وسعت خود موجبات بسط فرهنگ عمومی و رشد اجتماعی و سیاسی افراد را فراهم خواهد ساخت .
جامعه فعال و متحرک و تولید علمی نیازمند افراد سالم و فعال و جدی و پرکار است بنا بر این بعنوان شرط لازم و حتمی تولید صنعتی بهداشت توسعه خواهد یافت .

تولید تازه صنعتی با بکار گرفتن همه نیروهای فعال جامعه محیط و شرائط کم و بیش مناسبی برای امروز و ظهور و پرورش استعداد های درخشان پدید خواهد آورد .

شهرهای مختلف جامعه ای که از برکت تولید صنعتی رونق و فعالیت داشته باشند و هر روز با بسط تولید کارخانه و بنگاه تازه ای آغاز کار کنند قابلیت پذیرش روستائیان را داشته و با آزادی آنها کمک خواهد کرد شهرهای کشورهای عقب نگه داشته شده ایران بعلت فقدان صنایع و عدم رشد و توسعه اقتصادی دهقانان تولید کنند و را بمصرف کنندگان بی مصرفی بدل کرده است .

مفاسد گوناگون ناشی از بیکاری و فقر و در مجموع عدم توسعه عمده جامعه را به پست ترین فسادها و منجلا بها کنانده است شهر بدون کار و کارخانه مانند باطلاهی است که روستائیان را بتدریج در خود فرومی کشد .
تولید نو صنعتی طبعا با تولید کهنه کشاورزی و با مناسبات پوسیده ارباب و رعیتی و معتقدات خرافاتی توافق و سازگاری ندارد درین بیکار سرانجام کهنه به نو و افسون بعلم و عقب ماندگی برشد و پیشرفت و ترقی بدل میشود شهرهای صنعتی با پذیرش قسمتی از روستائیان در رشته های مختلف تولیدی میتواند به آزادی انسان و زندگی بهتر ایشان کمک کند با رونق و بسط صنایع در شهر گور مناسبات و روابط غلط ارباب و رعیتی در روستاها کنده میشود . هر گامی که صنایع بسوی رشد و حرکت بردارند این مناسبات و روابط فئودالی قدمهایی بعقب بر خواهد داشت .

در چنین اوضاع و احوالی که ما درگیر آن هستیم تقویت صنایع و تضعیف روابط و مناسبات ناشی از زندگی غیر صنعتی نه تنها لازم است بلکه مخالفت با همه نیروها و عواملی که بطریقی مانع رشد و بسط و توسعه صنایع هستند امری ضروری و اجتناب ناپذیر است .

رشد و بسط تولید صنعتی خود بخود موجب تقویت و نیرومندی نیروهای ملی شده و روابط آنها را استحکام می بخشد . هر اندازه تولید رشد کند و استوار گردد بهمان نسبت نیروهای ملی از نظر کمی تقویت شده و باریشه های عمیق تری مستحکم خواهد شد .

رشد و تقویت تولید صنعتی و نیرومندی نیروهای ملی موجب تزلزل و ضعف نیروهای ارتجاعی میگردد و مبارزه را بزودی بسود جامعه و آزادی مردم و سرکوبی قدرتهای غیر ملی پایان خواهد داد .

فقر - گرسنگی - بیکاری - استثمار و حشایانه فساد و تباهی از مظاهر جوامع عقب نگه داشته شده است . بی شخصیتی بی حسی و افکار صوفیانه و یاس کشنده از عواقب عدم توسعه عمده است که با مساعی خائنانه کسانیکه از حفظ وضع موجود استفاده می کنند ایجاد شده و ادامه دارد .

تولید صنعتی آن چنان جریان عظیم و قدرتمند و شورانگیزی ایجاد می کند که بر روی تمام شئون مختلف زندگی تأثیر نموده و بموازات حرکت خود حرکت و بسط آن شئون را بدنبال داشته و آنها را هماهنگ خواهد ساخت .

وظیفه همه نیروهای ملی است که آگاهانه با مساعی همه جانبه و بطور خستگی ناپذیر خواستار رشد و بسط وسیع و سریع تولید صنعتی باشند و توجه داشته باشند که بدون مبانی محکم اقتصادی رشد يك ملت ممکن نخواهد بود .

بهمین دلیل است که استعمار بكمك عمال داخلی خود که حکومت استبداد است از توسعه صنایع جلوگیری می کند بنا براین کوشش در راه صنعتی کردن واقعی ایران مبارزه با استعمار و استبداد را در بر داشته و به آزادی و استقلال ایران کمک خواهد کرد .

یک نمونه از موفقیت های درخشان انقلابات و اصلاحات

((فقر سیاه))

" پدري که دختر ۱۰ ساله اش را جهت گرفتن اجازه ازدواج به اداره پزشکی قانونی آورده بود التماس کنان به پزشك میگفت :

- آقای دکتر خواهش می کنم اجازه بدهید دخترم ازدواج کند چون خرج زندگی زیاد است و نمیتوانم زندگی او را تأمین نمایم . "

" مرد دیگری که بدختر ۹ ساله اش اجازه ازدواج داده نشد بود اظهار میداشت : انقلاب اجازه بدهید دخترم را عقد کنند تا بتوانم پول مهریه اش را که داماد تصدیر کرده است بگیرم و برای بچه های دیگرم لباس بخرم . "

" ... اداره پزشکی قانونی تهران هر روز ناظر مردم ایرانی است که می خواهند دختران نابالغ خود را شوهر بدهند . "

... کافی است توجه کنید که در ماه گذشتہ زالدین ۲۵۳ پیشتر به ۲۳ و ۲۶ ساله برای گرفتن گواهینامه ازدواج به اداره پزشکی قانونی مراجعه کرده اند . "

روزنامه کیهان شماره ۲۲۵۱ صفحه ۱۰

این خیر و صدمه گزارش روزانه از صحنه های دردناک تو از این صحنه که بهات ما نسوز شدید مطبوعات اجازه انتشارش داده نمی شود اعلام و رشکستگی و سقوط اخلاقی - اقتصادی - اجتماعی حکومتها می است که متصدی انقلاب و اصلاح هستند اعلام فقر مزمن و سیاهی است که دامنگیر همه اشرف ملت ما شده است تا جائیکه مردان غیور ایرانی برای آنکه جگرگوشگان خود را از گرسنگی مطلق نجات دهند به بیرون کردن غیر مستقیم دختران خود سال خویش متوسل می شوند .

کارگران ما در اثر سهمین شدن در سوز کارخانه ها ... و بیرون آمدن ما در اثر توسعه اقتصادی و نهفانان ما در اثر صاحب زمین شدن و بقیه افراد در اثر رفع بحران آن چنان گرفتار فقر شده اند که فقط و فقط به علت عدم قدرت در تأمین زندگی جگرگوشه خود و عدم قدرت خرید لباس برای فرزندان برهنه خود آنها را ۹ ساله و ۱۰ ساله میخوانند شوهر دهند . این فقر سیاه نتیجه انقلاب های بی در پی سالهای اخیر و ثمره توسعه اقتصادی کنونی است و هنوز اول کار است .

اخیراً

((بزرگداشت نهر))

در گذشت نهر رهبر ملت بزرگ هند موجب تپش و تأسف عمومی آزادبخواهان ایران گردید نظر باینکه تشکیل هرگونه اجتماعی جز بوسیله طرفداران استبداد ممنوع است تنها طریق برای ادای احترام به نهری فقید و عرض تسلیم به ملت بزرگ هند امضای دفتر یادبود در صبح روزهای پنجشنبه و جمعه هفتم و هشتم خردادماه در محل

درد به دانشجویانی که بدستور جهان مشاء صالح به عنوان نماینده به سرآزی برده شده اند

سفارت هند بود درین دو روز شخصیت های ملی و افراد اعضای احزاب و سازمانهای وابسته به جبهه ملی و دانشجویان دانشگاه در محل سفارت حضور یافتند و بعنوان ادای احترام به شاگرد مکتب گاندی و سازنده هندی و همدردی با مردم هند دفتر یاد بود را امضاء کردند .

اعضای کمیته سازمان دانشجویان هم با مداد جمعه هشتم خردادماه بنمایندگی ازجانب سازمان برای بزرگداشت این رادمرد فقید دفتر مذکور را امضاء و بمهر سازمان مهور نمودند .

محاكمه سران و اعضای جمعیت نهضت آزادی

همانطور که انتظار میرفت استبداد یکبار دیگر خود را صالح برای رسیدگی به جرم آزادیخواهی دانست و بنا بر آن دادگاه فرمایشی نظامی در محاکمه سران و اعضای فداکار جمعیت نهضت آزادی ایران رأی به صلاحیت خود داد و وارد ماهیت شد . اکنون سران دلیر و اعضای فداکار نهضت بجرم صراحت و آزادیخواهی و مخالفت با استبداد محاکمه می شوند . مهندس بازرگان استاد دانشمند و آزاده مشغول بیان ادعای نامرئوس خود علیه استبداد است .

از بحث در ماهیت هم آزادگان و آزادیخواهان پیش از بحث در صلاحیت و رأی که دادگاه در آن باره در انتظارند ندارند . در مملکت ما آزادیخواهی از دولت فاسد و مستبد محکوم است و هر کس دم از آزادی بزند باید زیر شلاق استبداد جان بسپارد . اما مستبدان باید بدانند که دوران زورگویی و قلدری در دنیا باختر رسیده و در آینده ای که چندان دور نخواهد بود حکومت حق و عدالت جانشین حکومت استبدادی خواهد شد . این هشدار را ما به متصدیان و گردانندگان حکومت استبداد نمی دهیم آنها راه خود را انتخاب کرده اند . این تذکره به نوکران بی جیره و مواجب حکومت فاسد است که از فساد طرفی نمی بندند و بطور مجانی تن به ننگ نوکری داده اند .

ادامه توقیف غیر قانونی دانشجویان

درست شش ماه تمام از توقیف غیر قانونی دانشجویان دلیر و آزاده دانشگاه آملیان ؛ برلیان - نرانی - مهدوی - معراجی - مقدس زاده - فنادیان - باتهام برگزاری مراسم یاد بود شهیدان دانشگاه در ۱۶ آذر ۳۲ میگذرد .

شش ماه دیگر از عمر با ارزش جوانان ما فقط بخاطر خوش آمد جهان شاه صالح رئیس تحصیلی دانشگاه تلف شده است . ما نمیدانیم خدمت بی شخصیتها تا چه حد موثر است که درازای آن عمر و زندگی جوانان بهیچ شمرده میشود . تلف شدن عمر جوانانی که خود را آماده تحمل همه سختی کرده اند در تاریخ مبارزات ملت ها اهمیت ندارد مهم آنست که دلگکان و بی ابروها اندیشه کنند که آیا تحمل عواطف و قیامت های خود را نیز خواهند داشت یا نه آئینده نزدیک از آن ماست و در آن زمان به حسابها آنطور که باید و شاید رسیدگی خواهد شد .

((ادامه برنامه تنبیه دانشجویان بوسیله هیأت حاکمه))

عده ای از دانشجویان در یکسال گذشته از طرف دستگاه حاکمه استبدادی بازداشت شده و برخی از آنها در دادگاههای فرمایشی نظامی محکومیت یافته اند .

آملیان مفیدی دانشجوی پزشکی - ضیائی دانشجوی حقوق - بسته نگار دانشجوی حقوق - حاج سیدجوادی دانشجوی علوم - یوسفی دانشجوی دانشسرا - نیک صفت دانشجوی علوم همچنان در زندان بسر میبرند . آملیان آزادی دانشجوی دانشسرا و شیخ الاسلامی دانشجوی دانشگاه ملی در دادگاه فرمایشی نظامی محکوم شده اند و ماهیست که در زندان بسر میبرند .

آقای اردلان دانشجوی دانشکده علوم نیز اخیرا در یکی دیگر از همین دادگاههای فرمایشی بطور خلیق الساعه

حیاتی اهمیت میبشود. درآمد سالیانه نفت ما با وجود کلیه کم و کاستیها به بیش از ۳۰۰ میلیون دلار بالغ شده است. اگر دولت ایران در سال ۱۹۵۷ تصمیم باحداث کارخانه ذوب آهن گرفته بود و سالیانه ۵۰ میلیون دلار بدین منظور می پرداخت - هم اکنون با ۳۰۰ میلیون دلار اندوخته شش سال يك کارخانه پولاد بظرفیت ۳ میلیون تن در میهن ما احداث گشته بود. تحت این شرایط نه از کشوری قرض گرفته بودیم و نه زیر وامهای کمرشکن و استقلال بر باد ده کمر خم کرده بودیم.

کشورهای ژاپن و هند و مصر مدتها است که کارخانه های ذوب آهن خود را ساخته اند و در حال حاضر هر ساله ظرفیت آنها را بالا میبرند. اندونزی - سیلان - پاکستان - لبنان نیز هر يك بدین منظور قراردادهائی با کشورهای مختلف بسته و در حال ساختمان کارخانه های ذوب آهن خود میباشند. وطن ما با وجود آنکه در ردیف ممالک عقب نگه داشته قرار دارد دارای منابع عظیم زیر زمینی است که میتواند در تحول صنعتی آن نقش موثری بازی کنند.

جدول زیر نموداری از میزان روزافزون واردات پولاد ایران است :

سال	۱۹۵۳	۱۹۵۴	۱۹۵۵	۱۹۵۶	۱۹۵۷	۱۹۶۰
مقدار (بهزار تن)	۵۹/۸	۷۷/۱		۱۱۲/۶	۱۷۰	۴۰۰

با توجه باین نکته که دولت ایران در سال ۱۹۵۷ تصمیم باحداث کارخانه های بظرفیت ۳۰۰ هزارتن گرفته بود اگر سال ۱۹۶۱ را سال پایان ساختمان این کارخانه فرض کنیم این نکته بنظر میرسد که دولت وقت از محاسبه و پیش بینی احتیاجات پولاد خود نیز عاجز بوده است. با ورود ۱۷۰ هزار تن پولاد در سال ۱۹۵۷ و ۴۰۰ هزارتن در سال ۱۹۶۰ ایران بخوبی میتواند کارخانه های بگنجایش وسیعی که جوابگوی احتیاجات زمان باشد داشته باشد. مقصود از ایجاد کارخانه ذوب آهن تنها ساختن چند کوره كوچك و ذوب روزی چند تن شمش و خرده آهن نیست بلکه بپا ساختن آنچنان موزه قابل ملاحظه عظیمی است که بتواند بزودی جلوی واردات پولاد را گرفته و با ساختن لوله ها در راه کانالیزه کردن و لوله کشی شهرها و بالاخره با ساختن ماشین آلات کشاورزی و غیره انقلابی در نظام تولیدی ایران بوجود آورد. ولی حکومت استبدادی حافظ منافع استثمارگران بوده و هیچگاه نخواهد توانست منشأ تحولی شود. منافع استثمارگران با خواستها و آرمانهای ملتها تضادی بس شگرف دارد و دولتهای دست نشانده استثمار در ایران منافع انحصاری های خارجی را بر مصالح ملت ایران ترجیح میدهند و قدمی برخلاف منافع آنان بر نخواهند داشت. تنها يك دولت آزاد و مستقل میتواند باین آرزوی ملت ما جامه عمل بپوشاند.

(نقل و اقتباس از " دانشجو " چاپ امریکا)

پس از پنجاه سال مطالعه و تجربه باین نتیجه رسیدیم که جز با تأمین آزادی و استقلال ممکن نیست ملت ایران بر مشکلاتی که در راه سعادت و عظمت خود دارد غلبه کند. برای نیل باین منظور تا آنجا که توانستم کوشیدم. راست است که می خواهند سرنوشت من و خانواده ام را درس عبوت دیگران کنند ولی من مطمئنم که نهضت ملت ایران خاموش شدنی نیست و هرگز فراموش نمی کنند که سرنوشت افراد در مقابل حیات و استقلال ملل بی ارچ و بی ارزش است.

تنها آرزویم اینست که ملت ایران اهمیت نهضت ملی خود را بخوبی درك کند و بهیچ صورت از تمسب راه پر افتخاری که رفته است دست نکشد.

از سخنان دکتر مصدق پیشوای ملت در دادگاه فرمایشی نظامی

دکتر مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت وی نشانه حبس و اسارت ملت کهنسال ایران است

پیام دانشجو

«جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و استجایی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرا می جز آزادی و استقلال ایران ندارند.»

از نامه جناب آقای دکتر مصدق

ارگان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
تیر ماه ۱۳۴۳

بها : ۵ ریال

جبهه ملی در آستانه تحول (۲)

شورای مرکزی جبهه ملی ایران پس از قرائت دو نامه جناب آقای دکتر مصدق که در شماره اردی بهشت ماه نشریه پیام دانشجو منتشر گردید - نامه مفصلی حاوی نظریات خود به حضور پیشوا تقدیم کرد معظّم له این نامه را به تفصیل پاسخ گفتند و نظریات خود را که در دو نامه قبل امراز داشته بودند با توضیح بیشتر تأکید فرمودند و از اعضای شورای خواستند که به نظریات ایشان که در جهت مصالح ملت ایران است توجه کنند و ترتیبی اتخاذ نمایند که جبهه مؤثر شود و از حالت رکود بدرآید. شورای در پاسخ با این نامه نظریات خود را در مورد برخی از ایرادات پیشوا تشریح کرده در این هنگام جناب آقای دکتر مصدق نامه شورای را برای برخی از سازمانها و احزابی که با رویه ی شورای مخالف بودند و اصلاح اساسنامه را بسیار ضروری دانسته و میدانند ارسال فرمودند تا نظریات خود را به عرض معظّم له برسانند.

سازمان دانشجویان به محض ملاحظای نامه فوق الذکر آن را بدقت مورد مطالعه قرار داد و پاسخ تفصیلی خود را حضور پیشوا تقدیم کرد.

جناب آقای دکتر مصدق نامه دیگری خطاب بشورای جبهه ملی مرحوم فرمودند و در نوشت جوابهای سازمان دانشجویان و احزاب را نیز ضمیمه نامه خود کردند. درین نامه پیشوا بشورای جبهه ملی که خود را در مورد تشکیلات و سازمان جبهه ملی صاحب صلاحیت میدانست تکلیف کردند که نظر خود را راجع به عقیده پیشوا نفیاً یا اثباتاً اعلام کنند و بدنبال این نامه پیشوای ملت ایران بعنوان کوشش نهائی ملی نامندای

بتاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۳۴۳ از جناب آقای الهیار صالح خواستند که در رفع تردید و تزلزل اعضای شورا، جبهه ملی در مورد اصلاح اساسنامه پیشقدم شوند و تأکید فرمودند که: «...کناره جوشی جناب صالحی از کار جبهه ملی موجب یأس مردم است و اشخاصی مثل جناب صالحی باید موجب امیدواری باشند نه اینکه عده بیشماری را مأیوس فرمایند - يك رجل سهاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی بايست خودداری کند. برای خیر جامعه يك اساسنامه ای که مورد قبول عموم باشد تنظیم بشود و يك عده مخالف را با این عمل پسندیدند. امیدوار بود خدمت به وطن مهیا فرمائید...» با اكمال تأمل جناب آقای صالح بعدم مسؤولیت و ناتوانی جسمی متعذر شدند و در عین حال نظر شورای را که متضمن رد پیشنهادهای پیشوا در مورد آوردن جبهه ملی از حالت يك جمعیت محدود و در بسته بود تأیید کردند.

بدنبال این نامه پیشوا متن چند نامه اخیر را همراه با نامه مفصلی برای سازمان دانشجویان جبهه ملی

در این شماره :
یادآوری
شماره تیرماه نشریه پیام دانشجو
بمناسبت اهدایی که انتشار نامه های
پیشوا در بردارد اندکی زودتر منتشر
میشود و نظر به کمی جا درج مقالات
و مطالب دیگر بشماوه آینده موکول
میگردد.

ملی فرستادند .

سازمان دانشجویان ذیلا پس از درج دستخط پیشوا خطاب بسازمان دانشجویان مبنی بر ارسال نامه ها به ترتیب نامه های زیر را برای اطلاع ملت ایران منتشر می کند :

- ۱- نامه‌ی مورخ ۱۲ اردی بهشت ماه شورای جبهه ملی باضای جناب آقای دکتر آذر به پیشوا .
- ۲- نظریات سازمان دانشجویان در مورد نامه شوری (مورخ ۱۶ اردی بهشت ماه)
- ۳- نامه مورخ ۲۹ اردی بهشت ماه ۱۳۴۳ جناب آقای دکتر مصدق به شوری
- ۴- نامه مورخ ۱۸ خرداد ماه جناب آقای صالح به پیشوا

ضمنا برای مزید اطلاع خوانندگان نامه ای را که جناب آقای دکتر مصدق پس از تقدیم نظریات سازمان دانشجویان در مورد نامه شوری بطور جداگانه خطاب باعضای این سازمان مرقوم فرموده اند و موجب افتخار و مباهات دانشجویان و نسل جوان ایران است درج می کند .

سازمان دانشجویان نهایت تأسف خود را از طرز رفتار آقایانی که با عنوان عضویت شوری در جلسه‌ای که نامه های پیشوا مطرح شده بود شرکت نموده و به پیشنهادهای اصولی ایشان توجه نکردند ابراز میدارد اعضای شورای جبهه ملی که طرف خطاب جناب آقای دکتر مصدق واقع شده اند نخواسته اند از روشن بینی و درایت پیشوای خردمند و رهبر ارجمند نهضت ملی ایران مستفید شوند و به نظریات اصولی و اساسی پیشوا که مطاع و متبع همه پیروان ایشان است گردن نهند . معظم له با شجاعت و شهامت همیشگی و خردمندی بیمانند به نجات جبهه ملی از بن بست فعلی کمر همت بستند اما اعضای شوری حاضر نشدند " ... از چنگ و دست کاغذ بی مصرف در راه منافع ایران صرف نظر کنند و با مشارکت مخالفین (اساسنامه) اقدام در تنظیم يك اساسنامه جدید و مفید بفرمایند تا شاید این اتفاق سبب شود که بتوانند گامهایی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند "

اکنون ضروری است که آن دسته از شخصیت های ملی که باین گفته پیشوا در نامه خود با آقای صالح معتقدند که " ... يك رجل سیاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی بایست خودداری کند " مساعی خود را در راه تجدید بنای جبهه ملی و تشکیل آن بر اساس صحیحی که مصدق بزرگ پیشنهاد کرده است بکار برند و پیشقدم شوند و همچنین احزاب و دستجات و جمعیت‌هایی که تشکیلاتی دارند و مرا می جز آزادی و استقلال ایران ندارند باید موقعیت تاریخی خود را دریابند و در این راه برای اعتلای نهضت ملی ایران کوشش نمایند تا گامهای بلندی برداشته شود .

احمد آباد ۲۳ خرداد ماه ۱۳۴۳

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه ی آن سازمان محترم در ۲۹ اردی بهشت قبل بشورای جبهه ملی ارسال شد و مساعی این جانب برای همکاری و تجدید نظر در اساس نامه بجائی نرسید اکنون رونوشت نامه خود و مرقومه جناب آقای اللهیار صالح را تقدیم میکنم که از آن مستخر باشید .

دکتر محمد مصدق

پیوست: (۱) رونوشت نامه ی این جانب

(۲) " مرقومه جناب آقای اللهیار صالح

نامه شورای جنبه ملی به پیشوای ملت ایران

۱۳۴۳ اردیبهشت ماه

پیشوای معظم جناب آقای دکتر مصدق
مرحومه محترم که بشرف ان هیأت اجرائی و هیأت رئیسه شورای مرکزی جنبه ملی در پاسخ نامه مورخ ۱۳۰۴
اردیبهشت ماه جاری صادر شده است در ساعت ۸ بعد از ظهر روز پنجشنبه هم اردیبهشت ماه واصل گردید و
بلافاصله بدعوت اعضای شورای مرکزی برای تشکیل جلسه فوق العاده اقدام شد. جلسه مذکور روز شنبه
دوازدهم اردیبهشت تشکیل و مرحومه شریف قرائت و مورد مذاکره قرار گرفت و اینک شرح زیر توضیحات لازم را
بمعرض میرساند:

بدواً تذکر این نکته ضروری بنظر میفرماید که اگر ما برباره مطالبی متفرج در مرحومه شریف توضیحاتی بمعرض
میرسانیم نباید چنین توهمی پیش آید که تصدی بر مقابله و یا مبارزه با رهبر ارجمند داشته یا در پییم
است بلکه با توجه با این اهمیت که دستگاه ماکمه علیرغم توانمین موجود همچنان ضرورتاً را در قلمه اجتناب
محبوس و مجبور نموده و چنانکه در نامه شریف و سایر نامهها بکرات اشاره فرموده اید غیر از افراد خباثانوار
این بلای کینی جی ملاقات ندادیم و ندادید و بدقیقات بر عدم استحضار خود از حوادث خارج تصریح فرموده اید - بر
خود فرض میدانیم که در مورد بارهای از مطالب متفرج در مرحومه محترم اطلاعات صحیح را بمعرض برسانیم
و طلب بر پیشوای ارجمند روشن شود اطلاعاتی که بمعرض رسانیده اند دور از حقیقت بوده است از جمله در مورد
نحوه شرکت دانشجویان در کنگره کشوری جنبه ملی و انتخاب دو نفر دانشجوی بصوت شورای مرکزی که مرحوم
فرموده اید جنبه ملی و لا ینا آنها را انتخاب کرده است واقع امر برخلاف آنچه می است که با اطلاع حضرتعالی
رسانیده اند. جنبه ملی ایران برای آنکه بتواند علاوه بر احزاب سایر اجتماعات و دستجات را نیز در
پر گیرد تشکیل سازمانهای مختلف بنام سازمان دانشجویان - کارگران - بازاریان - پیشه‌وران - فرهنگیان
- جوانان و غیره را تشویق و هدایت کرد تا کلیه عناصر و افراد علاقمند به جنبه از هر صنف یا طبقه ای
بتوانند بوسیله تشکیلات مربوط بخود در آن شرکت کنند.

کنگره کشوری جنبه ملی از نمایندگان انتخابی این اجتماعات و دستجات که بنام سازمانهای جنبه ملی
گرد آمده بودند تشکیل گردید و افراد احزاب علاوه بر نماینده ای که از طرف حزب خود بکنگره اعزام داشته
بودند در انتخابات سازمانها نیز شرکت نمودند و چنانکه در نامه قبلی نیز بمعرض رسید عده کثیری از آنان
از طرف سازمانهای مذکور برای عضویت در کنگره انتخاب شده بودند.

لازم بتصریح است که کنگره کشوری جنبه ملی که بر طبق اساسنامه موعده تشکیل آن فرا رسیده بود صرفاً از
طرف عناصر مختلف جنبه ملی بخصوص احزاب و افراد آن مورد تقاضا بود و شورای قبلی جنبه ملی با تنظیم
آئین نامه خاصی اقدام بانجام انتخابات کنگره کرد. بر طبق این آئین نامه جمیع اعضای جنبه ملی که بسن
هیجده سال رسیده بودند میتوانند در انتخابات کنگره شرکت کنند و علاوه بر ۵ نفر اعضای هیأت نظارت
مرکزی برای هر یک از سازمانها نیز هیأت نظارت خاصی مرکب از سه نفر که یکی از آنان با عنوان سرپرست
یک نفر از اعضای شورای مرکزی می بود تعیین گردید. بترتیب فوق انتخابات هر یک از سازمانها جداگانه با شرکت
افراد مربوط بان سازمان انجام گرفت و نمایندگان هر یک از سازمانها با رای مخفی و مستقیم افراد آن سازمان
برای تشکیل کنگره تعیین گردیدند.

راجع به نمایندگان دانشجویان که در مرحومه خود اشاره فرموده اید توجه حضرتعالی را باین امر معظوف

میدارد که بموجب آئین نامه کنگره مجموعاً ۳۵ نفر نماینده از طرف دانشجویان وابسته بجهت ملی انتخابات گردیدند (۲۹ نفر از دانشگاه تهران و ۶ نفر از دانشکده های شهرستانها) علاوه بر این عده - هفت نفر نیز برای سازمانهای دانشجویان ایرانی خارج از کشور در نظر گرفته شد ولی از طرف سازمانهای مذکور اطلاع داده شد که به علت عدم تضمین برای بازگشت نمایندگان انتخاباتی بمحیط تحصیلی خود اعزام نماینده از طرف سازمانهای مذکور امکان ندارد.

برای جلب توجه آنجناب باصمیتی که بدانشجویان در انتخابات کنگره داده شده و از لحاظ مقایسه با تعداد نمایندگان دانشجویان در کنگره بمرض میروساند که سایر صنوف بتعداد زیر دارای نماینده بوده اند :

بازار ۱۰ نفر - کارگران ۱۰ نفر - معلات ۱۰ نفر - فرهنگیان ۸ نفر - اصناف ۷ نفر - جوانان ۷ نفر - کارمندان دولت ۵ نفر - کارکنان شرکتها و بانکها ۵ نفر و همچنین سایر قسمتهای جنبه ملی و شهرستانها که تعداد نمایندگان آن کمتر بوده و هیچکدام قابل مقایسه با تعداد نمایندگان دانشجویان نبوده اند و دانشجویان از اینجهت با تفاوت باری فزون سایر قسمتها قرار داشتند . بنا براین بهرچوجه تطهیری نسبت بدانشجویان بمعمل نیامده است زیرا اولاً تعداد نمایندگان آنها از سایر صنوف و سازمانها بمراتب بیشتر بوده و ثانیاً نمایندگان خود را در جلسات انتخاباتی مربوط بمر دانشگاه و بطور جداگانه انتخاب کرده اند .

همچنین در مورد انتخاب دو نفر نماینده دانشجویان برای شورای کمی ولایت آنها را انتخاب نکرده است بلکه مجمع هیات کنگره با رأی مخفی و مستقیم و بصورت جمعی کلیه اعضای شورای مرکزی را انتخاب کرده است که در آن از کلیه عناصر جنبه ملی از قبیل روحانیون - دانشجویان - اصناف - بازرگانان و سایرین وجود دارد و دونفر دانشجوی عضو شورای خود از نمایندگان دانشجویان در کنگره بوده و نظیر سایر اعضای شورای مرکزی گردیده شده اند که یکی از آنان (بنام آقای عباس نراقی دانشجوی دانشکده فنی) از مدتها پیش همراه عده دیگری از دانشجویان مبارز همچنان در زندان بسر میبرد و زندگی تحصیلی او تباه شده است.

در مورد کنگره دانشجویان خارج از کشور لازم بتذکر است که نامبردگان در مرداد ماه سال گذشته هنگامی که هفت ماه از زندانی بودن اکثریت اعضای شورای مرکزی و هیات اجرایی میگذشت با این استدلال که " عصر ما عصر رهبری و پیروزی جنبه های آزادی بخش در کشورهای استثمار شده و تازه آزاد شده است . مراد از جنبه ملقمه های تصمی از احزاب گوناگون نیست - ملصود از جنبه تشکیلات واحدی است که آنبوه استثمار شدگان را بدون در نظر گرفتن فشر اجتماعی آنان و بدون مرز بندی های مصنوعی بر سر یک شیوه یکسان مبارزه و یک برنامه عینی و علمی معرفی و واحد متشکل می سازد ."

تصمیم باینحلال احزاب در اروپا گرفته اند و در این مورد نه با سازمان جنبه ملی در ایران مشورتی کرده اند و نه حتی تصمیم خود را قبلاً با اطلاع ما رسانیده اند و اصولاً جنبه ملی همچنانکه در نامه قبلی نیز تاکید گردیده است بهمت فراهم نبودن وسایل ارتباط و وجود تضییقات گوناگون عملی نمی توانستیم در امر سازمانها و فعالیت دانشجویان خارج از ایران نظارت و مداخله ای داشته باشد و راجع به انحلال احزاب اظهار نظری در هیچ مورد (خواه مربوط بداخل کشور و خواه خارج کشور) نگرده است .

مطالبی که در نامه قبلی راجع بتوضیح ایرانیمان خارج از کشور بمرض رسیده عرض کردیم مورد اعلیایهاتانها نیز صادق است بلین معنی که در غالب مراکز استانها و شهرستانها که طبقات مختلف مردم علاقمند بجهت ملی و شرکت در مبارزات آزادخواهان هستند احزاب وجود نداشته یا فقط بعضی از آنها دارای سازمانهای مختصری میباشد و مراکز تشکیلات جنبه ملی منحصر بسازمان احزاب گردد در این مراکز نمی توان تشکیلات وسیع جنبه را که بتواند تیسار و ارتباط با مردم محل داشته باشد بوجود آورد . در تشکیلات جنبه ملی هیچکس

در این مورد با شما در میان می آوریم و در صورت لزوم در این باره توضیح بیشتری خواهیم داد .

صحبت از انحلال احزاب نبوده بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازمانهایی بوده است که بتواند سایر اجتماعات و دستورها را نیز در بر گیرد.

در مورد عدم شرکت يك حزب دیگر بنام "حزب سوسیالیست" که اشاره فرموده‌اید خاطر محتسرم را متحضر میدارد که در اوان تجدید فعالیت جبهه ملی تقاضای عضویتی از طرف "جامعه سوسیالیستها" به هیأت اجرائی واصل گردید که در اثر رأی مخالف بعضی از آقایان عضو هیأت اجرائی آنروز تقاضای مذکور مسکوت ماند و تاکنون عضویت این جمعیت در شورای مرکزی مورد بررسی قرار نگرفته است.

و در مورد مطالبی که راجع به ترتیب مذاکرات در شورای مرکزی مرقوم شده است لازم است بضرر برساند که بر طبق صورتجلسات شورای مرکزی اعضای شوری - اعم از حزبی و غیر حزبی - نسبت بمسائل مطروحه در شوری همیشه صراحة اظهار عقیده کرده‌اند و تصمیمات جبهه ملی در کنگره و در جلسات شوری پس از بحث و بررسی دقیق و بصورت رسمی و علنی و با قبول مسولیت اتخاذ گردیده و انتشار یافته است و در موارد لازم برای اتخاذ تصمیمات از رأی مخفی نیز استفاده شده است و مطالبی را که در این مورد بضرر خرتصالی رسانیده‌اند با واقع امر تطبیق نمی‌کند.

در مورد تغییر اساسنامه خاطر گرامی را باین نکته جلب مینماید که شورای مرکزی منتخب کنگره شوری است و بر طبق ماده چهل و دوم اساسنامه مصوب کنگره نمی‌تواند رأساً نسبت به تغییر آن اقدام نماید و این از وظایف کنگره بشمار میرود که بموجب اساسنامه میبایستی هفت ماه دیگر تشکیل گردد و علاوه بر اینکه اجرای نظریات حضرت مستطاب عالی در مورد پذیرش کلیه احزاب و اجتماعات و دسته‌های دیگر حاضرند در راه آزادی فداکاری کنند بر طبق مقررات اساسنامه امکان پذیر است - لازم میدانم خاطر مبارک را متحضر سازد که اکنون تقاضای در این مورد وجود ندارد که عدم قبول آن موجب اعتراض یا ناراحتی شده باشد. اعتراضات و مخالفتها از طرف احزاب و عناصری بعمل می‌آید که در داخل جبهه ملی بوده و در شورای مرکزی و یا سایر مراکز جبهه شرکت دارند و مسئله اصلاح اساسنامه از طرف آنها صرفاً بعنوان بهانه ای برای ابراز مخالفتها بکار میرود.

نظر باینکه آنجناب که رهبر و پیشوای نهضت ملی هستید صراحتاً ترکیب شورای مرکزی جبهه و اساسنامه آنرا نمی‌فرموده‌اید و نظر باینکه مقابله با نظریات پیشوای معظم را بصلاح نهضت و ملک ملت نمیدانیم و با توجه باینکه عناصر معتقد با اساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی از شرکت در سازمانهای دیگر معذور خواهند بود - چنانکه توضیحات مرقومه در عریضه قبلی و این نامه مورد قبول واقع نشود ادامه کار این شوری غیر مقدور خواهد بود.

با تجدید مراتب ارادت و ادعیه خالصانه از طرف شورای مرکزی جبهه ملی

مخلص دکتر مهدی آذر

نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران به پیشوای ملت

تهران - ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

پیشوای معظم جناب آقای دکتر مصدق

با اجازه آن جناب نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه / ۴۳ که در پاسخ نامه پیشوا از طرف شورای مرکزی جبهه ملی تهیه شده است مطالعه شد توضیحات زیر که مبتنی بر واقعیات و پرونده‌های موجود جبهه ملی و خصوصاً پرونده کنگره جبهه ملی است و قبلاً نیز از لحاظ پیشوا گذشته است باختصار بضرر میرسد:

در نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه / ۴۳ مطالبی بیان شده و طبعا در مقام نتیجه گیری بملت عدم

دروغ بدان دانشجویان دلیری که بدستور جهانشاه صالح و بعنوان تنبیه به سرپازی برده شده‌اند.

التفات به برخی واقعیات رعایت عدالت و انصاف نشده است. بعضی از این موارد عبارتند از :

۱- بر اساس نامه های پیشوا بعدم استحضار ایشان از جریانات استناد شده است و نتیجه کلیه نظریاتشان را از لحاظ تشکیلات جبهه ملی صحیح ندانسته اند. باید باین نکته توجه میشد که اظهار عدم اطلاع پیشوا و لا متضمن مصالحی است و ادب و احترام و اصول سیاست اقتضا میکند که بدین طرز مورد استناد واقع نشود. ثانیاً : در نامه اخیر پیشوا بدانجویان یادآوری فرموده اند که در مورد نحوه مهارزه باید در متن جریان بود در حالیکه مسأله تشکیلات غیر از آنست و عدم توفیق جبهه ملی در گذشته که قسمتی از آن معلول نداشتن سازمان صحیح بوده است احتیاج باسناد و اطلاعات گوناگون و فراوان ندارد.

۲- تشکیل کنگره کشوری جبهه ملی ایران از طرف احزاب و دانشجویان نشگاه مصر مورد تقاضا بود و همانطوریکه در نامه تلویحا اشاره فرموده اند بر اثر این تقاضاها کنگره تشکیل گردید. علت اصرار بر تشکیل کنگره این بود که شاید تغییرات مطلوب در نحوه رهبری ایجاد شود و جبهه موثر شود اما متأسفانه در عمل کنگره طوری ترتیب یافت که همان نظریات سابق را تأیید کرد و به پیام پیشوا هم توجه نکرد. این عدم موفقیت ناشی از ترکیب نامتناسب کنگره بود و وجود کرسی های ظاهراً صلاح بسیار برای سازمانهای موهوم و یا کم نیرو. ۳- در نامه مرسوم فرموده اند : جبهه ملی تشکیل سازمانها را تشویق میکرد. عناوین سازمانی در چند سال گذشته وجود داشته است اما جز چند سازمان که از دوره اول فعالیت جبهه ملی سابقه داشتند بقیه سه نیروی چندانی داشتند و نه تحرك قابل ملاحظه ای سازمانها می نظیر سازمان دانشجویان نیز بمنابرین مختلف تضعیف می شدند.

سازمان جوانان که از جوانان پر شور دبیرستانی تشکیل شده بود و امیدی برای آینده بود درست مورد استفاده واقع نشد و در فاجعه اول بهمن / ۴۰ این سازمان در اثر کارهای بی رویه اش مورد انتقاد و ایراد فراوان قرار گرفت و از اثر افتاد.

۴- مرسوم فرموده اند که در کنگره جبهه نمایندگان احزاب عضویت داشته اند. تنها سه نفر از سه حزب وابسته به جبهه ملی عضو کنگره ما بودند نه بیشتر.

۵- اینکه مرسوم داشته اند نمایندگان احزاب در انتخابات سازمانها شرکت داشته اند نباید بمنوان مرحمت و لطف بیش از حد تلقی شود افراد و اعضای احزاب در جبهه کار میکرده اند سازمانهای مورد نظر را اداره مینمودند و بنا بر این در انتخابات هم شرکت کردند. شاید مقصود این باشد که باید بهمان یک نماینده از هر حزب اکتفا میشد و افراد احزاب عضو سازمانها حق انتخاب نماینده دیگری نمیداشتند که تصدیق خواهند فرمود قبول آن اندکی دشوار است.

۶- با اینهمه شرکت احزاب وابسته تمام و کامل نبوده است از رأی دادن بسیاری از افراد عضو احزاب یا با ندادن آنکت بآنان و یا اصولاً قبول نکردن معرفی نامه احزاب جلوگیری شد انتخابات سازمان کارگری و سازمان جوانان مورد اعتراض قرار گرفت (و البته بآن رسیدگی نشد) انتخابات سازمان محلات که سازمان نسبتاً مهم و قابل توجهی بود و از زمان نهضت مقاومت سابقه داشت به علت اکثریت داشتن یکی از احزاب اصولاً انجام نیافت و کرسی آنها در کنگره خالی ماند.

۷- جمعیت نهضت آزادی ایران بمنوان جمعیت نماینده نداشت. جامعه و سیالیستهای نهضت ملی ایران اصولاً نماینده نداشت.

۸- مقایسه تعداد نمایندگان هر یک از سازمانها و تعداد نمایندگان سازمان دانشجویان نشان دهنده برتری تعداد نمایندگان دانشجویان است و این مطلب صحیح است اما از بیان یک نکته حساس خودداری فرموده اند و آن اینست که تعداد رأی دهندگان دانشگاه که فقط ۲۹ نماینده داشت نصف تعداد افراد رأی دهنده کلیه سازمانها

بوده است.

در برابر ۲۹ نماینده‌ای که بدانشگاه داده شده بود این سازمانها که همه در طرف دیگر قرار میگیرند بشرح زیر نماینده داشتند :

بازار ۱۰ نفر کارگران ۱۰ نفر محلات ۱۰ نفر فرهنگیان ۸ نفر اصناف ۷ نفر کارمندان ۵ نفر کارکنان بانکها و شرکتها ۵ نفر تشکیلات اداری ۷ نفر سازمان جوانان ۷ نفر حومه ۹ نفر هیات علمی ۲ نفر سازمان زنان ۲ نفر ورزشکاران ۲ نفر .

خصوصاً عرض این نکته را ضرور میدانم که بعضی از این سازمانها اصولاً جز اسم و دوسه نفر کسی را نداشتند از سازمان بانکها و شرکتها همیشه در جبهه ملی بعنوان ضرب المثل و نماینده کم کاری - پرحرفی بی‌عزوی و شایعه پراکنی یاد شده است .

۹ - مرسوم فرموده‌اند که نسبت بدانشجویان تحقیری بصل‌نیامده است . البته تحقیر ظاهری و مادی تقریباً وجود نداشته است اما فکر می‌کنیم تحقیر معنوی در کار بوده است .

پیش از تشکیل کنگره تقاضای دانشجویان در مورد رسیدگی بشاخصه اول بهمن توجیهی فرمودند و بدانشجویان را برای طرح این تقاضا سرزنش کردند در کنگره به پیشنهادهای دانشجویان توجیهی نمیشد حتی پیشنهادهای که پس از پیشنهاد دانشجویان داده شده بود برخلاف اصول به رأی گذاشته شد و وقتی دانشجویان بعنوان اعتراض جلسه را ترک کردند بعضی گفتند که جبهه ملی بدانشجویان احتیاج ندارد . هنگامیکه انتخابات دوره بیست و یکم آغاز شد دانشجویان بدلیل آنکه جبهه ملی همیشه از انتخابات صحبت میکرده است پیشنهاد کردند که برای مقابله با صخره بازیهای هیات حاکمه تصمیمی اتخاذ شود متأسفانه به پیشنهاد اعتنائی نشد و آقایان رهبران از اظهار نظر خودداری فرمودند برای آنکه دولت نتواند از سکوت بعنوان وجود آزادی انتخابات استفاده کند با وجود مخاطرات فراوان و با وجود حکومت نظامی دانشجویان تصمیم گرفتند رأساً اقدام کنند و با تقاضای متینگ دستگاه را در برابر این مسأله قرار دهند که با مخالفت و جلوگیری شدید از متینگ آزاد نبودن انتخابات یکبار دیگر اعتراف کند . اما در آخرین لحظات (روز ۱۴ شهریور روز قبل از متینگ) بعنوان آنکه انجام متینگ متضمن مفاسدی است از انجام آن جلوگیری بعمل آوردند و البته این امر موجب شد که دانشجویان لااقل در برابر مقامات انتظامی حقیقت و موهوم شوند .

در تنها نشریه‌ای که با اسم اخبار جبهه ملی پس از ماهها سکوت در فروردین ماه امسال منتشر گردید يك کلمه - حتی يك کلمه از دانشجویان و نام آنان در میان نیست .

نامه‌های کمیته دانشگاه در شوری مورد توجه قرار نمی‌گیرد و مثلاً نامه اخیر سازمان دانشجویان شوری (در اسفند ماه ۴۲) که متضمن دلائلی برای انحلال شوری و لزوم تشکیلات مؤثر و اصولی بود سکوت گذاشته شد .

بنظر می‌رسد که این موارد را میتوان از مصادیق تحقیر دانست .

۱۰ - مرسوم فرموده‌اند که جبهه دو نفر نماینده دانشجورا "ولا ینا انتخاب نکرده است بلکه مجموع هیات کنگره با رأی مخفی و مستقیم و بصورت جمعی کلیه اعضای شورای مرکزی را انتخاب کرده است و دو نفر دانشجوی عضو شوری خود از نمایندگان دانشجویان در کنگره بوده و نظیر سایر اعضای شوری برگزیده شده‌اند"

این مطلب در حد خود صحیح است ولی ایراد بهمین کار بوده است . در اینکه دو نفر دانشجو فعلاً در شوری عضویت دارند و از دوستان ما هستند حرفی نیست و در اینکه این دو نفر نمایندگان منتخب دانشجویان دانشکده فنی و دانشگاه ملی برای شرکت در کنگره بوده‌اند باز هم بحثی نیست .

گفتگو در اینست که اکثریت نمایندگان منتخب دانشجویان عضو کنگره بنمایندگی از طرف موکلین خود

(و در نتیجه دانشجویان) این دورا بعنوان نماینده خود در شوری نامزد نکردند و آنها را نماینده خود در شوری نمی شناختند و نمی شناسند .

دانشجویان مسأله داشتن کرسی خاص برای خود در شوری را در کنگره مطرح کردند دانشجویان میخواستند نمایندگان از طرف آنان در شوری باشد آنها نماینده دانشجویان عضو شوری میخواستند و میخواهند نه دانشجویان یا دانشجویان عضو شوری .

بنا بر این در عین صحت این مطلب که دو تن دانشجو در شوری عضویت دارند و در عین آنکه فعلاً در صلاحیت فردی آنها که دوستان عزیز ما هستند اثباتاً یا نفیاً گفتگوئی نداریم این ایراد را بجای خود باقی میدانیم که دانشجویان در شوری نماینده نداشته و ندارند . نمایندگان دانشجویان در کنگره سه نفر را بعنوان نمایندگان دانشجویان دانشگاه کاندیدای عضویت در شوری کردند . سه نفر نماینده با توجه سازمان نسبتاً متحرک و وسیع دانشجویان و تمهید اعضای سازمان دانشجویان در بررسی و پنج نفر از کل اعضای انتخاباتی شوری نه تنها زیاد نبودند بلکه کم بود و البته با این سه نفر رأی کافی داده نشد و دلیل آن این بود که در ترکیب نامناسب کنگره با اینکه نصف مجموع رأی دهندگان تهران در انتخابات کنگره از دانشجویان بود دانشجویان تهران فقط ۲۹ نفر نماینده دارند .

خلاصه این بحث اینست که دو دانشجوی فعلی عضو شوری نمایندگان دانشجویان در شوری نیستند چون اکثریت نمایندگان دانشجویان عضو کنگره آنها را کاندیدا نکرده بودند و این دو نفر از طرف مجموع هیأت کنگره با رأی مخفی و مستقیم و بصورت جمعی و لا یتا بعنوان نماینده دانشگاه انتخاب شده اند .

۱۱ - در باره دانشجویان دانشکده های شهرستانها و اصولاً فعالیت جبهه ملی در شهرستانها میتوان گفت که تقریباً تنها در شهرستانهای فعالیت وجود دارد که دانشگاه و دانشکده ای هست و یا احزاب اندکی کوشش میکنند بنا بر این با توجه باینکه در شهرستانها قسمت بیشتر بار مبارزه بسدوش دانشجویان برده است میبایست بهمین نسبت نماینده داشته باشند و حال آنکه چنین نبوده و تنها برای کل دانشجویان شهرستانها ۶ نماینده پیش بینی شده بود از تشکیلات وسیع شهرستانها هم که در نامه یاد شده است جز فعالیت دانشجویان اطلاعی دیگری در دست ما نیست در گذشته متأسفانه کمتر به شهرستانها توجه شده است و جز جناب آقای صالح که به زادگاه خود کاشان توجهی داشته و دارند و دوسه تن دیگر بشیه تقریباً هیچگاه نه در اندیشه زاد و بوم خود بوده و نه به محلی که مردم آن خاطرات فراوان از مبارزات درخشان ایشان داشته و آنان را با آغوش باز استقبال میکردند سفری کرده اند . و اگر هم در بعضی دیگر از شهرستانها نامی از جبهه ملی هست ثمره کوشش و فعالیت دانشجویانی است که هنگام تعطیلات بموطن خود سفر کرده اند و بجای استراحت بفعالیت پرداخته اند .

۱۲ - مفهوم فرموده اند که : جبهه ملی عملاً نمیتوانسته است در امر سازمانها و فعالیت دانشجویان خارج از ایران نظارت داشته باشد .

این فکر شاید اخیراً پیدا شده باشد زیرا پیش از این همانطور که در نامه اشاره فرموده اند برای دانشجویان خارج از کشور نماینده در نظر گرفته بودند و این نشانه ای از نظارت - ارتباط - و رهبری است تا نیا تا چندی پیش که سکوت فعلی پیش نیامده بود کمیسیون رابطه با خارجه در تشکیلات جبهه ملی کار میکرد و ریاست آن هم با جناب آقای دکتر آذر بود . پیام دانشجویان مقیم خارج کشور نیز بوسیله جناب ایشان در کنگره شراعت شد .

۱۳ - متأسفانه بسیاری از نظرات نظیر جبهه ملی با مفهوم حزب بزرگ و انحلال احزاب و غیره از تهران

تلقین میشد.

۱۴ - مرقوم فرموده اند که جنبه ملی راجع باحزاب نظری نداشته است. ولی میدانیم که هنگامیکه حزب سوسیالیست (منشعب از حزب زحمتکشان نیروی سوم) برهبری آقای دکتر خنجی انحلال خود را اعلام کرد و اجرای این امر را باحزاب دیگر نیز پیشنهاد نمود. فداکاریشان مورد تکریم و تأیید شوری قرار گرفت و پس از آن هم تعلیمات و تشکیلات جنبه ملی بانحصار حزب منحل شده سوسیالیست آقای دکتر خنجی داده شد. حزبی های سابق برای جنبه حوزه حزبی ساختند و تبلیغ علیه احزاب و سایر مخالفان انحلال احزاب و جمعیت ها از جمله دانشگاه آغاز گردید اگر این مطالب مروض صحیح باشد باید قبول کرد که در جنبه ملی نسبت باحزاب نظر وجود داشته است.

۱۵ - در همین نامه نیز نظر نا مساعد شوری نسبت باحزاب بمرض پیشوا رسیده است: مرقوم فرموده اند: "در شهرستانها ... هرگاه تشکیلات جنبه ملی منحصر باحزاب گردد درین مراکز نمی توان تشکیلات وسیع جنبه را که بتواند تماس و ارتباط با مردم محل داشته باشد بوجود آورد." و این مطلب تحذیر احزاب را متضمن است.

۱۶ - مرقوم فرموده اند: "در تشکیلات جنبه ملی هیچگاه صحبت انحلال احزاب نبوده بلکه همیشه صحبت از تشکیل سازمانهایی بوده است که بتواند سایر اجتماعات و دسته ها را در بر گیرد. بمرض رسید که صحبت انحلال بود تبلیغ ضد حزبی هم میشد و حزب هم منحل گردید. سازمان جدید هم متأسفانه بابتکار جنبه ملی تشکیل شد و بر عکس یکی از علل مخالفت یا نهضت آزادی این بود و در کنگره هم عنوان شد که جمعیت نهضت آزادی ایران پس از تجدید فعالیت جنبه ملی نمیبایست تشکیل شود و پیشوا بخوبی واقفند که از راه دادن نهضت آزادی به جنبه ملی حتی در کنگره هم مخالفت بعمل آمد و عضویت حضرت آیه اله طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان هم در شورای جنبه ملی جنبه فردی داشت نه نمایندگی جمعیت نهضت آزادی ایران.

۱۷ - در مورد جامعه سوسیالیستها فرموده اند: در او ان تجدید فعالیت جنبه تقاضای عضویتی از آنها رسید و بعلمت مخالفت بعضی از آقایان سکوت ماند و تاکنون عضویت آنها مورد بررسی قرار نگرفته است نزدیک چهار سال از تجدید فعالیت جنبه ملی میگذرد آیا درست است که عضویت جمعیتی چهار سال سکوت بماند و مورد بررسی قرار نگیرد.

۱۸ - مرقوم فرموده اند "نظریات حضرتعالی در مورد پذیرش احزاب و اجتماعات و دستجاتیکه حاضرند در راه آزادی فداکاری کنند بر طبق مقررات اساسنامه امکان پذیر است" اگر نظریات پیشوا همان است که در پیام بکنگره ابلاغ فرموده اند که: "در بهای جنبه ملی باید بروی تمام احزاب و دستجات و افراد ... باز شود" و در نامه های اخیر مجدداً تذکر داده اند باید بمرض برسد که اساسنامه در آن جهت نیست با این اساسنامه نه تنها در بهی و باز نکردند بلکه در بهای باز را بستند و حتی گل گرفتند. بر طبق این اساسنامه قبول وابستگی جمعیتها در صلاحیت کنگره است. یعنی میبایست برای وابستگی جمعیتها منظر تشکیل کنگره جدید بود بصیارت دیگر هر دو سال یکبار احزاب و اجتماعات میتوانند تقاضای عضویت کنند و متأسفانه ممکن است در کنگره هم با وضع نظیر وضع نهضت آزادی روبرو شوند چون بر طبق همین اساسنامه در کنگره ای در حال تشکیل تقاضایشان مطرح شد و با جنجال فراوان به صورتی خاتمه یافت که نه تنها مسأله مجمل ماند بلکه ناراحتی هایش را هم موجب شد که پیشوا خود مطلع میباشند.

درود به سران و اعضای فداکار جمعیت نهضت آزادی ایران که باتهام آزادیخواهی و وطن دوستی در دادگاه فرمایشی نظامی محاکمه می شوند

۱۹ - مرسوم فرموده اند که : اعتراضها از جانب احزاب و عناصر است و اصلاح اساسنامه بهانه اعتراض فقط از طرف بعضی از احزاب نیست - حزب مردم ایران - حزب ملت ایران - جوانان و اعضای فعال حزب ایران که در کنگره اخیر این حزب هم اکثریت داشته اند - دانشگاه - بازار که در جبهه ملی فعلی هستند و نهضت آزادی ایران و جامعه سوسیالیستها که در خارج این جبهه فعلی هستند اعتراض دارند اعتراض هم به سکوئی است که مبتنی بر سیاست صبر و انتظار مصوب شورای است . اعتراض به نحوه عمل و مبارزه است مسأله اساسنامه هم يك مسأله اساسی است و بهانه نیست فعلا نیز طرح نشده است بلکه لااقل از زمان تشکیل کنگره مورد بحث و گفتگو و اعراض و اعتراض است . در عمل هم ثابت شده است که با این ترکیب نامتناسب سیاست صحیح اتخاذ کردن کاری مشکل و گاهی ممنوع است اصلاح اساسنامه یکی از کارهای اساسی است برای تغییر شکل کار و نحوه عمل اعتراض کنندگان ما یلند کسانی که صاحب نیرو و تشکیلاتند دور هم جمع شوند و با ارزیابی نیروی خود تصمیماتی بگیرند و متعهد اجرای آن باشند .

۲۰ - مرسوم فرموده اند که چون معتقد با اساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی هستند نمی توانند اساسنامه را تغییر دهند متأسفانه همین اساسنامه هم اجرا نشده است . هیأت داوران که در اساسنامه پیش بینی شده است در مدت هفده ماه گذشته تعیین نشده است - کسانی که سه جلسه غیبت غیرموجه داشته اند مستعفی شناخته نشده اند و در چند ماهی که آقایان در زندان بودند جبهه ملی بلا تکلیف بود .

۲۱ - مرسوم فرموده اند " . . . عناصر معتقد با اساس تشکیلاتی فعلی جبهه ملی از شرکت سازمانهای نوع دیگر معذور خواهند بود . . . " بنظر میرسد که رهبری نباید گرفتار الفاظ باشد اعتقاد باید اعتقاد به کار و فعالیت و مبارزه باشد نه با اساس تشکیلاتی غلط و این مطلب باید مسلم باشد که تشکیلات باید در خدمت جبهه ملی و مآلات ایران باشد نه جبهه ملی در خدمت تشکیلات و بنده و فرمانبردار آن .

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه جناب آقای دکتر صدق به شوری

احمدآباد ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

شورای مرکزی جبهه ملی

مرحوبه محترمه مورخ ۱۲ اردیبهشت عزوصول بخشید و بنظر آقایان مخالفان رسید جوابی را که داده اند تقدیم میکنم و باستحضار میرسانم که اساس نامه و آئین نامه جبهه ملی طوری تنظیم نشده که ملت ایران بتوانند از آن استفاده نماید و کاریکه صورت میگیرد زیر نظر عموم احزاب و اجتماعات و دستجات باشد این جانب را عقیده آن است که انتخاب اعضای شورا بدست کنگره که در هر دو سال یکبار تشکیل میشود و قادر نیست کار شورا نظارت کند کاریست بیپوده چه هر هیئتی را که افرادی انتخاب کنند باید در کار آن هیئت نظارت داشته باشند تا هر چه میشود در نفع جامعه تمام شود .

این جانب با تشکیل کنگره که هر دو سال یکبار در طهران تشکیل شود و اختیارات محلی خود را اظهار کند و هر تصمیمی که اتخاذ میشود از روی کمال بصیرت باشد و بدرد مردم خارج از مرکز بخورد کاملاً موافقم ولی موافق نیستم اگر حزبی تشکیل شد و خواست وارد جبهه ملی بشود مدت دو سال صبر کنید تا کنگره تشکیل بشود یا نشود آیا تصور نمیفرمائید که این نظریه برخلاف مصلحت مملکت است چونکه هر قدر جمعیت جبهه کم باشد بضرر مملکت است ؟

انتخابات اعضای شورای جبهه ملی بدست کنگره همان طریق انتخاباتی است که دولت از طرف مردم میکند

با این فرض که وکلای مجلسین خود را مسئول دولت میدانند و آن را اصطلاحاً مشروطه میگویند ولی اعضای شورا که بدست کنگره انتخاب میشوند نه در مقابل کنگره مسئولند نه در مقابل حزبی که بنام آن وارد کنگره شده اند و روح حزب از انتخاب آنان بیخبر است و مسئولیت شان فقط در مقابل يك عده اعضای منقرب و بی پشت و پناه است که قادر نیستند در پیشرفت جنبه ملی اقدامات مؤثری بکنند شورای مرکزی جنبه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمانهای صنفی و محلی تشکیل شود تا جنبه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد نظر این جانب بحزب توده نیست که آن را مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جنبه ملی بآمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط است باحزابی که مسئولند و توانند حافظ منافع جامعه باشند.

این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساس نامه که میگوید "مدارک مربوط باحزاب در دبیرخانه جنبه ملی محفوظ خواهد ماند" مخالفم چونکه حرفی است بلا اثر چنانچه مقصود تنظیم کنندگان اساس نامه حزب توده باشد کی است که آن را نشناسد و لازم بارائه مدارک باشد جنبه نیز يك اداره ای دولتی نیست که پرونده کارمندان و مستخدمین را با یگانی کند و با بودن عده ای از ما بهترین درخود شورا مدارک محفوظ بماند و این عمل سبب شود که جنبه از عضویت افراد فداکار بکاهد آن روز که مرحوم جنت مکان ((ستارخان)) قد علم نمود و در راه آزادی و استقلال وطن قدم برداشت کسی با و نگفت سابعدهی خود را بیان کند چنانچه این حرف گفته شده بود شاید مایوس میشد و کاری صورت نمیداد و بعد همه دیدند که از آن مرد شریف و وطنپرست کاری صورت گرفت که تا ایران باقی است نامش فراموش نمیشود و زبان زد خاص و عام خواهد بود بطور خلاصه تشکیل شورا بدین طریق مؤثر نیست و اعضای شورا باید هر کدام موکلانی داشته باشند که خود را در مقابل موکلان حقیقی مسئول بدانند و در انجام مقاصد جنبه با آنان کمک کنند و این کار وقتی صورت خواهد گرفت که هر فردی در حزب خود از طریق مبارزه شخصیتی پیدا کند و معتقدانی بدست آورد تا بتواند در شورای جنبه ملی در نفع وطن خود استفاده نماید اشخاص بیموکلانی را که کنگره یا شورا انتخاب کنند آلت دست اشخاص میشوند که آنها را توصیه می کنند و بدین طریق ایران همیشه فاقد رجال خواهد بود و بهمین جهات در عرض این چند سال جنبه ملی نتوانست کوچکترین قدمی در راه آزادی و استقلال ایران بردارد و بهترین مثال وجهی است که هموطنان عزیز برای ساختن نهائی در محصل زلزله جنبه ملی دادند ولی جنبه با این عنوان که بعضی از ما مورین دولت مانع ساختن میشوند دم نزد و تظاهراتی نکرد و جوه را در یکی از بانکها ودیعه گذاشت آیا بهتر نبود که مظلومیت خود را بدنی ثابت کند و بعد جلسهای از صاحبان وجوه تشکیل دهد و آن را بدیهندگان وجوه بپردازد؟

آیا میشود تصور کرد که نمایندگان احزاب و دستجات وقتی پای مصالح مملکت بمیان آمد از کارشانه خالی کنند و رایشی که در موارد مهم با وره و علنا گرفته میشود بنحلاف صلحت بدهند؟ این جانب دیده ام اشخاصی که سابقه خوب نداشته اند ولی در اجتماع و دادن رأی علنی نتوانستند با افکار جاهل و مخالفت کنند و بهترین مثال تصویب ملی شدن صنعت نفت است در مجلس ۱۶ و استعفای عده ای زیادی از نمایندگان مجلس قبل از اینکه نتیجه ای فرارند معلوم شود و این مردان وطنپرست هنوز هم مورد بی مهری دستگاه میباشند آن روز وضعیت طوری بود که جامعه می توانست افکار خود را اظهار کند و بی بعد که دولت استعمار سازش کردند و جدیت خود را بیشتر نمودند دیگر قادر نیست مبارزه کند و یکی از جهاتی که نمی تواند جنبه ملی است که بدین طریق تشکیل شده است.

جنبه ملی احتیاج با افراد عجاج و وطنپرست دارد که بنمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند و با این اساس نامه و آئین نامه هرگز چنین افرادی وارد جنبه نمیشوند و جامعه از خدمات فرزندان وطنپرست خود محروم خواهد ماند اکنون که واضح و روشن شده است از این اساس نامه و آئین نامه کاری ساخته نیست آیا ممکن است از چند ورق کاغذ بيمصرف در راه منافع ایران صرف نظر کنند و با مشارکت مخالفین اقدام در

پیام دانشجو

تنظیم يك اساسنامه جدید و مفید بفرمایند شاید این اتفاق سبب شود که بتوانند گامهای بزرگ را در راه آزادی و استقلال وطن بردارند - بنده با حال ناتوان و در این زندان بیش از این نباید عرض کنم و صدع شوم چنانچه عرایض مورد توجه قرار نگرفت این آخرین نامه ایست که تقدیم میکنم با انتظار جواب فقط در رد یا قبول پیشنهاد .
دکتر محمد مصدق

پیوست

جواب مخالفان طبق تاریخ تنظیم نامه ها

(۱) نامه مورخ ۱۶ اردی بهشت ۱۳۴۳ سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

(۲) " " " " " " حزب ملت ایران

(۳) " " " " " " جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران

(۴) " " " " " " حزب مردم ایران و ضمایم آن

نامه نهضت آزادی ایران هم بعد از ۲۹ اردی بهشت رسید که آن نیز برای شورای جبهه ملی ارسال شده است

نامه جناب آقای صالح به پیشوا

تهران - ۱۸ خرداد ۱۳۴۳

پیشوای معظم و سرور ارجمند

موقوم ۱۲ خرداد زیارت و موجب کمال تشکر گردید . بطوریکه در نامه قبل هم عرض کردم بنده مبتلا بدوبیماری مهم (ورم پرستات و سنگ کلیه) هستم و مدت زمانی است که در مقام کناره گیری بوده ام تا اینکه بعلمت شدت بیماری و مشکلات طاقت فرسای اخیر قدرت ادامه خدمت از بنده بکلی سلب گردید - و ناچار باستمفا بوده و هستم .
راجع باصلاح اساسنامه جبهه ملی هم که بار دیگر اشاره فرموده اند جواب همانست که در نامه های رسمی هیئت اجرائی و شورای جبهه بمرض رسیده است - و بنده نمی توانم چیزی بر آن اضافه کنم سلامتی وجود محترم را خواهانست .
اللهیار صالح

[نامه ای برای دانشجویان]

احمدآباد ۲۶ اردی بهشت ۱۳۴۳

آقایان محترم و فرزندان عزیزم

نامه مورخ ۱۸ اردی بهشت رسید و موجب نهایت امتنان گردید فداکاریهای شما در راه وطن عزیز موجب افتخار هموطنان است امید و چشمداشت عموم بفداکارها و از خود گذشتگی هائیت که در راه آزادی و استقلال ایران وطن عزیز نموده اید از حق نباید گذشت که در این راه از همه چیز صرف نظر کرده اید این جانب برای شما فرزندان عزیز کمال احترام هائلم و اکنون که کاری از من ساخته نیست و در زندان بسر میبرم با قلبی محزون و چشمی گریان توفیق شما را بیش از پیش از خدا مسألت دارم
کسی که شما را بسیار دوست دارد

دکتر محمد مصدق

ملت شهروان الجزایر خواستار آزادی پیشوای ملت ایران است

جبهه آزادی بخش ملی الجزایر در کنگره ای اخیر خود که با شرکت ۱۸۰۰ نفر نماینده تشکیل گردید با اتفاق آراء توأم با کف زدنهای ممتد این قطعنامه را تصویب نمودند : " کنگره جبهه آزادی بخش ملی الجزایر آزادی فوری دکتر محمد مصدق رئیس دولت ایران را که پس از کودتای استعماری ۱۹۵۳ زندانی شده اند خواستار است . "

دکتر مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت وی نشانه جهل و اسارت ملت کهنسال ایران است

پایان و انجمن

"جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرا می جز آزادی و استقلال ایران ندارند."
از نامه جناب آقای دکتر مصدق

ارگان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

مرداد ماه ۱۳۴۳

بها : ۵ ریال	۱۴ مرداد
دوازدهمین شماره	یادبود انقلاب مشروطیت حساسه قرن ما
۱- ۱۴ مرداد- یادبود مشروطیت حساسه قرن ما	خاطره * افشار آملی از انقلاب مشروطیت ایران را گرامی میداریم و بیوان آزادگانی
۲- یازده سال پس از مصدق	سردان راه انقلاب جنگیدند و لیوانه بخاطر آزادی جان سپردند درود می فرستیم.
۳- اصلاحات ارضی - تلاش مذبحخانه	انقلاب مشروطیت در تاریخ ملت ما حماسه ای پرشکوه و بیست و
۴- اخبار	ظلم افشار آملی از آزادی سرداران این انقلاب در گنبد افلاک آبد
۵- ترور در دانشگاه	فرزندان ایران را به پیکار پیگری بروضد هلاوری و بهدالتی فرامیخواند.
۶- محکومیت آزادی	انفوس که میراث انقلاب در اثر اوضاع و احوال اجتماعی زمان بدست مردمی
۷- در راه توسعه فقر سیاه	سپرده شد که جاودانه دشمن انقلاب و آزادی بودند و بر اثر آن مردم ایران
۸- در راه توسعه جهل	از لیویها و پایدیهایی پدران خود طرفی نبستند مشروطیت بهانه ای برای
	کسب جاه و مال و مقام و منصب گشت و فرزندان پابرنهنه ما آنها که آزادی می
	خواستند و آزادی را با نثار خون خود بدست آوردند بار دیگر بدست کسانیکه
	بنام مشروطه و آزادی جنایت میکردند اسیر شدند

پس از سالهای اول انقلاب بنام آزادی آزادیهای اساسی از ملت سلب شد و بنام قانون شکنی آغاز گردید اگر آزادی و عدالتی که ستارخانها برای ما میراث گذاشته بودند حفظ شده بود کشور ما امروز دچار این وضعی ناهنجار نبود وضعی که آزادمندان در فید و بند اسیرند و دهانها دوخته است و صاحبان زور و زر هلاوران و دشمنان آزادی بر همه * بشنون زندگی مردم مسلطه

امروز از مشروطه تنها نام بیممنائی باقیست و از آزادی اصولاً نشانی نیست . مبارزه ملت ما برای استقلال و آزادی برای بار پس گرفتن میراث امزنده مشروطیت و درجهت بدست آوردن آنچه پدران ما با رنج و ستاینها برای نسلهای آینده برجای گذاشته بودند با همان ایمان و عقیده و شور و شوق باید آغاز گردد و به کسب آزادی و استقلال پایانجامد

xxxx

در برابر شهیدان راه انقلاب مشروطیت سرتعظیم فرود میآوریم و پیمان می بندیم که در راه آزادی و استقلال ایران پیکار کنیم و این عمل را جاودانه فروزان نگه داریم.

"پس از رجاء سائن مطالعه و تجربه باین نتیجه رسیدم که جز با تأمین آزادی و استقلال ممکن نیست ملت ایران را بر مشکلاتی که در راه سعادت و عظمت خود دارد غلبه کند . برای نیل باین منظور تا آنجا که توانستم کوشیدم ."

" راست است که میخواهند سرنوشت من و خانواده ام را درس عبرت دیگران کنند ولی من مطمئنم که نهضت ملت ایران"

" تا موثر یعنی نهضت و هرگز فراموش نمیکند که سرنوشت افراد در مقابل حویصات و استقلال ملل بی ارج و بی ادبی"

" است و تنها نیرویم اینست که ملت ایران اهمیت نهضت ملی خود را بخوبی درک کند و بهیچ صورت از تعقیب راه پر افتخاری که رفته است دست نکند."

از سخنان دکتر مصدق پیشوای ملت در دادگاه فرمایشی نظامی.

پازده سال پس از مصدق

قرن بیستم خصوصاً "نیمه دوم آن قرن شگفتی‌های فراوان و پیشرفت‌های سپاس آور است آهنگ رشد و توسعه در همه زمینه ها چنان سریع است که لحظه ها و ساعات در طراز ماهها و سالهای قرون گذشته قرار دارند. ترقیات علمی و فنی و رشد و توسعه سریع اقتصادی کشورهای گوناگون آزاد شدن ملت‌های آسیا و چهره زمان ما را دگرگون کرده است. هیئت‌های حاکم کشورهای که درک صحیح از این آهنگ ندارند یا آنکه بمناسبت نوکری استعمار نو کیفیات و شرائط محیط خود را متناسب با این پیشرفت نمیکنند در تاریخ بعنوان خائن به مصالح ملت خود شناخته خواهند شد. کشورهای عقب نگه داشته شده چنانچه حرکت سریعی را برای همراهی با این رشد و توسعه شگفت انگیز آغاز نکنند در چند سال آینده چنان از قافله رشد و توسعه باز خواهند ماند که تقریباً "امیدی بتوفیق آنها نخواهد بود و از زمره اینکشورها کشورماست که هیئت حاکمه فاسد و مستبد متکی به استعمار و فرصت‌های تاریخی فراوانی را از دست ملت ایران بدر برده و همچنان این نقش اهریمنی را ادامه میدهد

xxxxxxxxxxxx

پس از پیروزیهای درخشان سالهای نخستین مشروطیت که با نیرنگها و خدعه‌های استعمار و عوامل داخلی آن از مسیر واقعی منحرف گردید دو ران طلائی حکومت دکتر مصدق دوران باروری مجدد نهضت ملت ایران و یافتن راه صحیح برای پیروزیهای اساسی بود. پیشوای ملت با پایه استقامت ملی ایرانی و مبارزه آشتی ناپذیر علیه استعمار و تهدید در راه هدف اصلی و اساسی نهضت یعنی استقلال ایران گامهای بلند برداشت. پیروزیهای ملت بکی پس از دیگری غرور دیرینه را در ملت که سالها بیدار کرد ملت ایران اندک اندک آماده میشد که رشد و توسعه سریعی را که درخور نام و افتخارات گذشته اش بود آغاز کند، اما ارتجاع سیاه استبداد و استعمار نو دست بدست هم دادند و با برپاساختن کودتای ۲۸ مرداد پیروزیهای گذشته را از میان بردند و در راه توسعه و ترقی بعدی نیز سدی روئین بنا کردند.

بجای اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی کشور ما بعد از ۲۸ مرداد یعنی در طی ۱۱ سال گذشته بخوبی نشان میدهد که نتایج وحشتناک کودتای ۲۸ مرداد چگونه است. بررسی این نتایج هراس کشنده‌ای تولید میکند. ترس و هراس از عقب ماندگی همیشگی ترس از اینکه هیچگاه ملت ما در اثر خیانت و جنایتهای هیئت حاکمه فاسد خود نتواند راه راست کند و در میان ملل متمدن جهان جای واقعی خود را اشغال نماید.

۱- روشنگریهای سیاسی

بنای حکومت ملی دکتر مصدق بر پایه حفظ وحدت ملی و سیاست مستقل ایرانی و حفظ استقلال ایران گذاشته شده بود در این راه دکتر مصدق ملت ایران را طوری آماده کرد که از همه چیز خود بگذرند اما استقلال ایران ملمبه دست استعمار بین المللی نشود. ملی کردن نفت و خلع ید و قطع رابطه با دولت انگلیس تجلیات این سیاست و بیان کننده روحیه ملت ایران در مبارزه با استعمار بود.

پس از ۲۸ مرداد حکومت فاسد ایران چون عامل بیگانه بود و تکیه گاهی در میان مردم نداشت همانطور که قبل از حکومت ملی پیشوا سابقه داشت با دیگر خود را بدامان استعمار انداخت. با دولت انگلیس رابطه قطع شده را بدون آنکه علل قطع رابطه از میان رفته باشد تجدید کرد و حتی بمناسبت ورود نماینده دولت انگلیس و بعنوان خوش آمد وی سه تن از دانشجویان را در دانشگاه قربانی کرد و بهای وی انداخت.

مسئله نفت به بدترین وجه ممکن و تحت فشار حکومت‌های انگلیس و آمریکا و با مشارکت یفماگران بین المللی نفت حل شده. قرارداد کنسرسیوم با چنان عجله‌ای تهیه و تصویب گردید که در تاریخ قراردادها کمتر نظیر دارد رئیس هیئت مدیره شرکت نفت در ان زمان سهام السلطان بیات متن قرارداد انگلیسی را بدین آنکه بداند محتوی آن چیست امضا کرد و این فریبکاری و یفماگری بعدی علنی بود که در مجلس دست نشانده هجدهم نیز بدان اشاره گردید.

با عقد قرارداد کنسرسیوم ملت ایران برای ۴ سال دیگر از استفاده* منابع نفتیش محروم گردید و با بازگشت کارشناسان خارجی همه* مفهوم خلع ید یکباره از میان رفت.

در حال حاضر وابستگیهای عجیب و غریب سیاست خارجی ایران بدولتهای مختلف و نوسانات شدت و پی در پی این سیاست حکمت ایران را مورد مسخره و ریشخند همه* ملل جهان قرار داده است. جهت گیریهای گوناگون بدون آنکه نفی را عاید ایران کرده باشد ضررهای جبران ناپذیری بملت ایران و تمامیت ارضی ایران زده است. در چند سال پیش نصبه فیروزه از دست ایران رفت و اکنون نیز جزایر متعلق با ایران در خلیج فارس مورد تهدید قرار گرفته اند بحریسن که بمنوا، استاز چهاردهم ایران از آن یاد میشود و در زمان حکومت ملی پیشوا تقریباً "حاکمیت ایران بر آن مستقر شده بود از دست ایران خارج شده است. نمایندگان ایران در خارج از کشور بواسطه عدم تبصیر از اصول از طرف دولت ایران مورد اهانتهای قرار میگیرند. در مجامع بین المللی اهمیت و ارزش حکومت ایران از میان رفته است. این اهانتهای تا حدی که متوجه حکومت ایران باشد و دامن ملت ایران را نگیرد مورد نگرانی نیست نگرانی ما و همه آزادیخواهان و استقلال طلبان ایران در اینست که ادامه این سیاستهای ضد ملی ملت ایران در برابر ملت های جهان موهون و خوار نماید این امر از طرف ملت ایران قابل تحمیل نیست و چون سیاست هیئت حاکمه فاسد را در این مورد بر خلاف مصالح ملی و استقلال ایران میبینند با روی سر جنگ و ... دارد.

۲ - بحران اقتصادی

در زمان حکومت ملی پیشوا با آنکه در آمد سرشار نفت بملت دشمنی دولتهای استعماری با ایران قطع شده بود با اندکی فداکاری از جانب مردم و درایت و روشن بینی مسئولین اقتصادی برنامه يك اقتصاد ملی و سالم تنظیم و اجرا گردید. تز اقتصاد بدون نفت حکمت پیشوا با موفقیت عظیمی رو بر گردید براساس این برنامه صادرات رونق یافتند و واردات غیر ضروری تقلیل یافت. پیشوا با این مسئله اساسی توجه کرد که درآمد نفت تنها متعلق بنسل کنونی نیست نسلهای آینده نیز چون گذشتگان خود در این منابع صاحب حقد بنا بر این درآمد نفت در هر حال باید بمصرف کارهای تولیدی و سرمایه گذاری اصولی برسند.

پس از کودتا برای آنکه همه آثار حکومت ملی بکلی از میان برود. شود اقتصاد ملی مملکت را هم که براساس تز واقع بینانه قرارداد دست در هم ریختند. مسئله نفت با خیانت آمیز ترین وضع ممکن حل شد و درآمد آن بانها مختلف جزو بودجه عمومی مملکت قرار گرفت و با اتخاذ سیاست دروازه های باز همه* ارز مملکت بخارج رفت تا جائیکه وقتسی شریف امامی آمد اعلام کرد که تنها برای مصرف یکروز ارز در خزانه باقیست و این مطلب در مورد مملکتی گفته شد که روزی آنقدر ارز داشت که اقتصاد دانهای احسن دستگاہ برای از بین بردن آنها عنوان " تورم ارزی" را پیش کشیده بودند. اقتصاد مملکت بدنبال این عملیات مسموم بجائی رسید که امینی اعلام ورشکستگی اقتصادی کرد و بدنبال آن کمکهای خارجی قطع گردید و مملکت از لحاظ اقتصادی باستانه سقوط رسید. نتایج این سیاست حکومت کودتا در ۱۱ سال گذشته بیش از حد تصور به ننگ آمیخته است وضع اسف بار اقتصاد مملکت با همه* ادعاهای نامربوط و مالیخولیائی که در طی ۱۱ سال گذشته کرده اند چنین است:

الف - تورمی قیمتها مطابق آمار بانک ملی در سال ۳۱ شاخص کل وسائل اولیه زندگی (خوراک و مسکن و سوخت و پوشاک) ۹۰۹ برده است این شاخص قیمتها را در سال ۳۸ ۱۸۸۴ یعنی بیش از دو برابر سال ۳۱ نشان میدهد. تورمی قیمتها بدین حد نشانه شکست واقعی حکومت کودتا در ساختن بهشت خیالی است. بموازات این تورمی قیمتها چنانچه در مدها مالا میرفت کمتر جای ایراد بود اما میدانیم که در طی این مدت تنها حقوق نماینده گان منتصب مجلس شورای ملی پس از خوش خدمتی هائیکه برای انعقاد قرارداد کنسرسیوم و بعد از آن کردند بدو برابر افزایش یافت

نهضت ادامسه دارد

و اخیراً نیز بعنوان کمترین هزینه برای کرایه منزل حتی بدون تصویب هلالی خودشان مجدداً "مقداری اضافه دریافت میکنند" حقوق و زرا و از ما بهترین هم افزایش یافته است اما در حقوق کارمندان تغییر چندانی حاصل نشده است کارگران و کشاورزان و بازرگانان و پیشهوران در اثر ورشکستگیها و بحرانهای پی در پی نه تنها به درآمدشان اضافه نشده است بلکه مراعاته خطر بیکاری تهدیدشان میکند بدین ترتیب میتوان دریافت که ترقی قیمتها تا چه حد زندگی را بر عامه مردم مملکت ما سخت کرده است .

از سال ۱۳۳۰ بانات مرکزی برای آنکه رابطه را با گذشته قطع کند و امکان مقایسه و محاسبه با گذشته کمتر باشد در کاهش هزینه زندگی تجدید نظر کرد و سال ۱۳۳۸ را بجای سال ۱۳۱۵ بعنوان سال مبنی گرفت با این همه هزینه زندگی در بورد ترقی است قیمت برفی از کالاها در سال ۴۲ بدین قرار است : سوخت ۱۱۷ - مواد خوراکی ۱۰۶ - مواد خوراکی از منشاء حیوانی ۱۱۸ - مسکن ۱۰۶/۵ و پوشاک ۱۰۷/۵ .

با توجه باین که در سطح درآمد تصیری حاصل نشده است این ترقی قیمتها همراه با بیکاری طاقت فرسا است .
ب - رکود در امور سرمایه گذاری تغییرات حاصل در واردات ماشین آلات و آهن و چدن و فولاد و غیر اینها نمودار منحنی جهت سیر فعالیت های سرمایه گذاری است اعتبارات گشایش یافته و بریات وصولی آهن آلات و ماشین های کشاورزی صنعتی و الکتریکی از سال ۳۸ تا ۴۱ (خرداد ماه هر سال به میلیون ریال) بشمار زیر است :

آهن آلات	ماشینها و کشاورزی صنعتی و الکتریکی	خرداد ۳۸	خرداد ۴۰	خرداد ۴۱
۵۰۰	۶۴۰	۵۴۰	۳۵۰	۱۹۰
۷۴۰	۵۸۰	۵۳۰	۳۴۰	

این نمودار نشان میدهد که نتیجه انقلاب صنعتی مصرف کمتر آهن آلات و نتیجه انقلاب کشاورزی استفاده نکردن از این ماشینهاست .

بیکاری بدون تردید مشخص کردن تعداد واقعی بیکاران ممکن نیست زیرا مرجع و مرکزی که مردم بدان امید داشته باشند وجود ندارد تا بانجا مراجعه کنند و نام خود را برای یافتن کار ثبت نماید . اکثریت قریب با تفاق مردم بیکار هستند این بیکاری بدو صورت بیکاری پنهان و بیکاری آشکار است . خیلی عظیم دهقانان که در قسمت اعظم سال بیکارند گروه بی شمار کسانیکه در شهرها بکارهایی از قبیل شانه فروشی و بلیط بخت آزمایی فروشی و نظایر آن میپردازند و خود با صاحب کار مبادانند در واقع بیکار هستند . آمار اداره مشاغل و کار بازرگانی وزارت کار که تنها نشان دهنده قسمت ناچیز بیکاران است در مورد یکی از بهترین از شهرهای ایران بیان کننده واقعیت اسفباری از شدت بیکاریست .

سال	تعداد بویندگان کار	کسانیکه بکارگماشته شدند	درصد بکارگماشته شده
۱۳۳۹	۲۱ ۴۶۸	۵ ۹۱۰	۲۸
۱۳۴۰	۵۲ ۵۵۰	۶ ۶۹۸	۱۳
۱۳۴۱	۴۷ ۰۵۲	۸ ۳۹۸	۱۸
۱۳۴۲ ششماه اول	۳۹ ۴۸۱	۴ ۳۰۹	۱۱

مهر شهرائی رشد اقتصادی که نتیجه بحرانهای پی در پی سالهای اخیر و مصروف پورنها در راه لوکس و هزینه های مصرفی و نپرداختن بکارهای تولیدیست بیکاری را با این وسعت و شدت با و زمان آورده است بیکاری آشکار و بیکاری پنهان که مجموعاً "لااقل ۸۰٪ مردم را در کام فقر غیر قابل تحمل اسیر دارد نه تنها موجب بیچارگی و رونج و محنت بیکاران است بلکه در زندگی کسانی هم که کار دارند تاثیر بسزا دارد اگر دیپلمهای کشور کار مبداشتند گرفتار بهره کشش ناجوانانند دستگاه حاکمه و وزارت فرهنگ نمیدانند تا آنها را با روزی حداکثر ۲ تومان بکار مصلحتی وادارد .

وسعت بیکاری در سطح دستمزدها تأثیر نامطلوب و شدیدی گذاشته است شاخص کل دستمزد دو گروه از کارگران ساختمان
تنزل سطح دستمزدها را نشان می‌دهد :

شهریور ۳۸	شهریور ۳۹	شهریور ۴۰	شهریور ۴۱	شهریور ۴۲
۱۱۳/۷	۱۱۵/۷	۱۰۶/۷	۱۰۱/۳	۹۹/۳

و اگر باین نکته توجه کنیم که در سال ۱۳۳۸ زندگی کارگران ساختمانی با دستمزدها نشان تأمین نمیشده است آثار
سوء تنزل دستمزدها که نتیجه بیکاری شدید است روشن تر خواهد شد .
د - دخالت دولت صورت نظر از سوء سیاستها که اقتصاد مملکت را بورشکستگی کشانده است دخالتهای مستقیم و عمدی
دولت در بیچاره تر کردن مردم قابل توجه است . وضع مالی خزانه نشان میدهد که هر سال در آمد دولت از مالیت
های غیر مستقیم زیادتر میشود با توجه باین نکته که اکثریت قریب با تفاق مردم در حد گرسنگی و فقر مزمن بسر
میبرند افزایش در آمد دولت از مالیاتهای غیر مستقیم بمعنی دهن کجی به مردم و گرفتن آخرین رمق ایشان و دشمنی
اشکار با آنهاست . افزایش در آمد دولت از محل افزایش قیمت قند و شکر و در آمد دادگستری و ثبت اسناد و
دریافت شهریه گزاف از دانشجویان بمنوان باج تحصیل همه و همه نشانه عناد دستگاه حاکم نسبت به ملت ایرانست
ه - فقر سیاه نتیجه افزایش قیمتها بیکاری در اقتصاد پائین تر بردن سطح زندگی قاطبه مردم و
وساندن آنها بسپرد مرگ و زندگیست و نتیجه این فقر سیاه نحوه آمدن مردم از زندگیست تا حدی که دست بخودکشی
میزنند تا از شر فقر و بیچارگی رهایی یابند . هوش در روزنامهها از فروش فرزندان بوسیله پدران و مادران یا
کشتن آنها براهله عدم قدرت در اداره زندگی آنها خبرهای مفصل دیده میشود در دست گران بعلت فقر و ناداری
مختاران را اشکارا میفروشند حداکثر قیمت در این منطقه ۸۰۰ تومان است .

و - سیاست پولی و بازرگانی برای از بین بردن رکود اقتصادی نرخ تنزیل از ۶ درصد به ۴ درصد کاهش یافت
اما این کاهش هیچگونه تأثیری در وضع بازار نکرد . بی اطمینانی و عدم تأمین قضائی سوء سیاست موجب گردش کند
پول در بازار است و این دستگاه نیز نمیتواند اطمینان را ببازار باز گرداند و در نتیجه رکود ادامه خواهد یافت
و امهای خارجی سالیان دراز دست و پای مردم ما را در بند نگاه خواهد داشت . در سه سال اخیر آنقدر هیئت حاکم
ایران بی ابرو شده است که از پرداخت وام به وی خودداری میشود کمکههای بلاعیض هم قطع گردیده است اما هنوز مردم
با یدمدتهای مادید تقاص عیاشیها و دزدیهای سالهای گذشته گردانندگان امور را پس بدهد این وامها که از یکطرف
بایران آمد از دروازه دیگر بوسیله متنفذین خارج شد و بحساب شخصی آنها در بانکهای فرنگی ریخته شد و قسمتی دیگر
از آن بکارشناسان بیمایه و شرکت های کلاهبرداری خارجی نظیر جان مولم پرداخت گردید . بنای سیاست بازرگانی دولت
پس از ۲۸ مرداد تحت تأثیر و بخواست دولتهای استعماری که تنه در آمد نفت را هم میخواستند و با جمعی از اعضای
تاجر حکومت شریک بودند بر تحدیده انارات و تشویق صادرات و درین کلمه سیاست دروازههای باز گذاشته شد . این
سیاست آخرین تاپر توان اقتصادی ایران را هم از بین برد . افزونی کالاهای مصرفی و تجملی و عدم توجه به کالاهای
تولیدی نتیجه اقدامات اقتصادی ۱ سال اخیر است .

ز - در آمد نفت

طلای سیاه ایران مورد نظر دولتهای استعماری جهان است در دست داشتن منابع نفتی ایران
صرف نظر از اهمیت و ارزش سیاسی دارای ارزش حیاتی اقتصادی برای استعمار بین المللی است . دکتر مصدق پیشوای
ملت که این جریان حیاتی استع را قطع کرده بود بالآخره با دسایس و نیرنگها و دخالتهای علنی و غیر علنی
استعمار بزنندگان افتاد . ایدز در شب پس از سقوط حکومت دکتر مصدق براحتی خوابید و آیزنهاور ساقط کردن حکومت
ملی پیشوا را از افتخارات خود نمود . یغماگران بین المللی در باره بروی نفت ایران دست انداختند . اقتصاد
دانان و متخصصین نفت گفتند اگر قضیه نفت را حل نکنیم در چند سال آینده دیگر بنفت ما احتیاجی نخواهد بود .

واضح قضیه اینست که استعمارگران بنفست ما احتیاج داشتند و احتیاج دارند نوکران استعمار از خفقان استفاده کردند و در مجلس فرمایشی دوره هیجده قضیه نفت را بنفع استعمار بین المللی در قالب کنسرسیوم حل کردند. از آنسال تا کنون یعنی در ظرف دهسال گذشته مصرف نفت جهان دو برابر شده است اما سهم ایران از صادرات نفت خاورمیانه که قبل از ملی شدن صنعت نفت ۳۷٪ بود در اثر نوکری استعمار به ۲۱٪ تقلیل یافته است. قسمت مهمی از این درآمد بازم به عنوان فرامت شرکت سابق نفت پرداخت میشود. پالایشگاه آبادان تقریباً از کار افتاده است و یغماگران بین المللی در کوشش خود برای بردن نفت خام موفق شده اند.

با پیش فروش کردن نفت چند سال آینده به کنسرسیوم قید و بندهای مردم ما در این زمینه بیشتر شده است و استعمارگران با جلب نوکری هر چه بیشتر مقامات نفتی ایران توفیق یافته اند که در صف صادر کنندگان نفت خاور میانه شکاف بیندازند و قیمت مواد نفتی را در حدی که میخواهند نگهدارند.

در آمد ناچیزی هم که پس از غارتگریهای استعمارگران از نفت در عرض سالهای اخیر باقیماند صرف ساختن آسمان خراشهای بیمصرف به چند برابر قیمت هزینه های اداری تجملی و کارشناسان بی ارزش خارجی گردید و در این میان تعطیل پالایشگاه بیکاری گروه انبوه کارگران صنایع نفت و از میان رفتن این ثروت زیرزمینی و سلطه اقتصادی بیگانگان برای ملت ایران برجای ماند.

اصلاحات ارضی - تلاش مذبحخانه

بحران در پی بحران و رشکمتگی اخلاقی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی یکی پس از دیگری هیات حاکمه مستبد و بیکاره ایران را در تنگنا گذاشت. بعنوان آخرین تیر ترکش افسانه اصلاحات ارضی برای ساده لوحان خارجی مطعن گردیدیم. بیست و دو سال از انقلاب اصلاحی در مورد زمین های زراعتی میگذرد دستگاه مدعی است که مرحله اول اصلاحات ارضی را بپایان رسانده و وارد دومین مرحله آن شده است. اما جواب این سوال منفی است که: آیا سیستم کهنه روابط کشاورزی دیگر متکی بر اصل تقسیم محصول بر حسب عوامل پنجگانه کار زمین آب گاو بذر نیست و آیا نسبت های آن بنفع کشاورزان تغییر یافته است؟ آیا آداب و رسوم که مالکین بوجود آورده اند از بین رفته است مسلماً نه.

آمار و ارقام گویاترین اسناد مسخره بودن این ادعاهاست و جالب توجه آنکه آمار و ارقام و گفته ها هم از خود دستگاه است و اعتراف اصلاح طلبان به قلبی بودن اصلاحاتشان مجموع دهات موقوفه - املاک خصوصی و سلطنتی بر طبق یکی از آمارها ۴۸۵۹۲ ده است که بنا ب ادعای وزیر کشاورزی در ۲۷/۱۲/۴۲ ۹۲۸۷ ده خریداری شده است. و البته قسمت مهمی از این دهات خریداری شده هنوز بدوستان فریخته نشده است با خرید این مقدار ده مرحله اول پایان پذیرفته است.

یعنی بطور کلی فقط ۱۶/۵ درصد کل دهات ایران خریداری شده است که قسمت کمتری از آنها بین دهقانان تقسیم شده است حال آنکه بادعای خودشان ۶۰ تا ۷۰ درصد کل دهقانان ایران بدون زمین هستند. تعداد خانواده های روستائی ایران طبق نمونه گیری کشاورزی سال ۱۳۳۹ ۳/۲۱۸/۴۶۰ خانوار است که اکنون فقط مطابق نظر وزیر کشاورزی تنها ۲۸۴۵۵۹ خانوار یعنی ۸/۵ درصد کل خانوار صاحب زمین شده اند. در آمارها از وسعت زمین های تقسیم شده و خصوصاً در صد زمین های متمکن به عمده مالکین و مالکین سرشناس رسمی برده نشده است. بیان این آمارها دلیل آنکه تعداد دهات عمده مالکین (که بین ۱۴ تا ۱۸ هزار صورت داده اند) بسیار کم ^{بوده} موجب سرافکنندگی اصلاح طلبان میشده است.

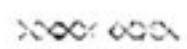
مطابق نوشته کتاب "مالک و زارع در ایران" ۷۵ درصد دهقانان در اراک فاقد زمین هستند در آذربایجان قسمت اعظم ارضی بعمده مالکان تعلق دارد فارس و خراسان و تقریباً تمام کردستان در دست عمده مالکان است. قسمت عمده خوزستان کرمانشاه و تقریباً تمام کرمان عمده مالکی است در حوالی تهران که برخی املاک وسیع گزانبها دیده میشود قسمت عمده را املاک آریایی تشکیل میدهد و از این استانها و شهرستانها در فارس ۵٪ خراسان ۱۷٪ کردستان ۲۵٪ خوزستان

درود بدانشجویانی که بدستور جهانشاه صالح بعنوان تنبیه به بازی برده شده اند

۲۵٪ کرمانشاه ۳۳٪ و تهران ۱٪ اسما تقسیم شده است. در یزد از ۲۰۰۰ ده حتی يك ده خرید شده است. در بلوچستان و سیستان از ۱۲۸۳ ده فقط ۲ ده تقسیم شده است در بنادر خلیج فارس از ۵۶۱ ده ۵۱ ده و در بنادر بحر عمان از ۷۵۴ ده تنها ۱۶ ده تقسیم شده است.

در مازندران ۱۱ درصد در گیلان ۱۲ درصد در آذربایجان غربی ۱۵ درصد دهات خرید شده است. اینها ادعای دستگاه در مورد خریدهها و فروشهاست که تازه قسمت قابل توجهی از این خرید و فروشها اسمی است. با این خریدها و فروشها مدعی بهم زدن روابط ارباب و رعیتی شده اند اما کمانیکه با این نوعی پس از انقلاب و اصلاحات ارضی مسافرت کرده اند اضطراب و ناراحتی کشاورزان را به چشم خود دیده اند. مشاهده کرده اند زمین بدون آب و بذر روی دست جمعی کشاورزان بی پشت و پناه که برای غذای چند روز آینده خود معطل است باقی مانده است خوش نشین با بیچاره تر از کشاورزان صاحب زمین و بدون هیچ آملیدی با آینده در یاس گذشته ای بسر میبرند.

در کنار جاده ها مرتب تا بلوهای شرکت های تعاونی دیده میشود کشاورزان از همه جا بی خبر با هیمانندگی خود را فروخته و سهم شرکت تعاونی خریدارند اما بانک کشاورزی که باین بقیه سرمایه شرکت را بدهد از پرداخت سهم خودداری کرد و در نتیجه فقط اسمی از شرکت تعاونی بر روی تابلوی کنار جاده بچشم میخورد و تازه مجموع این شرکت های اسمی در پایان سال گذشته ۳۳۴ عدد است فقدان سرمایه و راه گمراه با ایجاد اختلاف هر چند بیشتر در دهات و ایجاد دو گروه کشاورز صاحب زمین و خوش نشین حتی سازمان اقتصادی علم شریف و عدالتی کشاورزی ایران را بهم زده و هرج و مرج غیر قابل تعاطی را ایجاد کرده است نتیجه این انقلاب در سال گذشته از هفتی سابقا شدن گروه عظیمی از روستائیان کشور و هجوم آنان به شهرها بوده است و سرمایه اش در سال جاری و سال های آینده کمبود محصول و بدبختی و بیچارگی بی هیچ پیشتر همه درام ایران خواهد بود که طلایه آن با کمبود گندم و خرید آن از خارج خود نمائی میکند و پس شك این آغاز کار و تجلی اثرات انقلاب و اصلاح است



نظر سر بهج و کلی بوضع ایران در یازده سال گذشته بیلان عملیات حکومت کودتا و بهره استبداد و بازگشت استعمار نو با ایران است. صفحات این بیلان بیان کننده حبس ها و زجرها و شکنجه ها ورنه هاست. رهج و دردی که شانه های ناتوان ملت که سال ما را در زیر بار مهملگین خود خرد کرده است و ملت شهرمان ما را به این یوز سیاه انداخته است. تاریخ در برابر شهرمانیهای ملت ما در تحمل این همه رنج و درد سر تعلیم فرود خواهد آورد و پیکار وی را برضه این استبداد و استثمار نشک آلود و غیر انسانی برای بهبود و روزی خود نصیب خواهد کرد.

بقیه این کژنامه را در شماره آینده بخوانید

تهران توقیفهای غیر قانونی در تهران همچنان ادامه دارد. در روزهای اخیر آقایان دکتر عالی دکتر خمه ای و سه تن دانشجو آقایان مفیدی، جلال ضرابی و ذیل فیوشان بر خلاف قانون بوسیله حکومت آزادی کرا ایران توقیف شده اند. دوستان مبارز گراسی ما که از شب ۱۱ آذرماه ۱۳۴۷ به جرم تدارک برگزاری یادبود شهیدان دانشگاه توقیف شده اند. بوسیله درخیمان حکومت از زندان وقت شهر آنتی به زندان قصر منتقل گردیدند. همه این شکنجه ها و فشارها برای اینست که دانشجویان از مبارزه ای که برای استقلال و آزادی ایران آغاز کرده اند دست بکشند و به پستی سکوت تن در دهند اما دانشجویان همه دشواریها و سختی های مبارزه ای را که آغاز کرده اند بجان میپذیرند و تسلیم نمیشوند. درخیمان و عوامل استعمار و استبداد باید بدانند که نهضت ادامه دارد.

شهرستان تهران بطوریکه از مشهد اطلاع میدهند آقایان علی مومنی دانشجوی دانشکده مهنرل و منقول و فریدون دانشجوی پزشکی از خرداد ماه بطور غیر قانونی در بازداشت بسر میبرند. بقیه در صفحه ۹

دوره پسران و اعضای فدائیان که در مشهد است اینست که...

تور در دانشگاه

چند سال پیش سازمان امنیت برای سرکوبی دانشجویان و از میان بردن مقاومت ایشان برنامه مفصلی تهیه کرد و میخواست که این برنامه را بوسیله آقای دکتر فرهاد رئیس دانشگاه اجرا کند. در این برنامه مشور شده بود که نخست دانشجویان مورد تحبیب قرار گیرند برای آنها انجمنهای از بین محافل رقص و شب نشینی درست کنند اگر این راه حل موثر واقع نشد دانشجویان را بزنند و بپندند و شکنجه کنند و اگر اینهم موثر نشد دانشگاه حمله کنند و از دانشجویان و استادان و عمارت های دانشگاه یکجا انتقام بگیرند اگر از این راه هم بجائی نرسیدند میتوانند دانشگاه را از عناصر آزاده خالی کنند دانشجویان را اخراج کنند و بسریازی بنویسند و در مرحله آخر دانشگاه را برای مدت چند سالی تعطیل کنند.

رئیس وقت دانشگاه تا آنجا که موقعیت و قدرتش اجازه میداد زیر بار این ننگ نرفت و به همین دلیل است مورد کم لطفی رئیس دولت فکلی دانشگاه و اربابان سازمان امنیتی اوست. قسمتی از این برنامه را "بوسیله سازمان امنیت در گذشته اجرا شد انجمن ادب و سازمان رهبری جوانان ساخته شد و سرپرست بی پروای پهلوی برای سازمان دست و پا گردید تا بتواند جوانان را بشکند هرچه بیشتر بداند. این برنامه با روشن بینی دانشجویان دلیر دانشگاه که مبارزه با همه مظاهر فساد تصور فرار دانشگاه را کردند و سازمان رهبری جوانان بعنوان منجلب فساد شناخته شد. شکنجه و حبس هم موثر نشد فاجعه اول بهمین هم با همه وحشیگریها به نتیجهای نرسید و دانشجویان را در مبارزه دلیر تر کرد. فرار پند فرمایهای بعنوان رئیس دانشگاه عهده دار این مقام گردید که هر چه را اربابانش گفتند اجرا کند نسبت به دانشگاه از عناصر آزاده آغاز گردید و هنوز هم این پستی ادامه دارد. بسیاری از دوستان دانشجویی ما بخاطر اجرای این برنامه سازمان امنیت در زندان بسر میبرند جمیع کتیری بطور غیر قانونی بعنوان تنبیه بسریازی برده شدند رژیم پلیسی هر روز بیشتر از روز پیش در دانشگاه حاکم میشود اما فشارها شکنجهها اخراجها صف مبارزه را فشرده تر کرده است.

برنامه خفه کردن صدای آزاد مردان در هیچ جای دنیا و در هیچ زمان بنتیجه مثبت نرسیده است در ایران نیز این نیرنگ های پلیسی و خوش رقصیهایی عامل بست دستگاه رئیس تحبیبی دانشگاه بجائی نخواهد رسید دستگاه بهتر از هر کس میدانند که این مرحله از برنامه اثر هم با شکست مواجه شده است. کسانی که مبارزه را برای آزادی و استقلال ایران آغاز کرده اند با پنج و درد و محرومیت شکنجه پیمان دوپلتنی بسته اند و از استقبال آنها ابائی ندارند.

XXXXXXXXXX
 محکومیت آزادی
 XXXXXXXXX

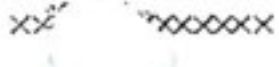
استبداد همواره مخالف آزادی است شرافت حق عدالت است. دیکتاتوری تحمل آزادی طلبی و آزادی خواهی و حکومت قانون را نمیکند در قلموس حکومت های فاسد آزادی خواه مفاثن است و باید دهان نفور را در وقت و سرش را از دم تیغ گذرانند. تاریخ حکومت های دیکتاتوری فراوان بیاد دارد که شیوه های یکمان در دشمنی با آزادی داشته اند و از این پس نیز شیوه این گونه حکومتها نظیر گذشته است و بهمین علّت پیش بینی دشمنیهای مرتجع ها و مستبدان در حق آزاد یفویان دشوار نیست.

وقتی دادگاه فرمایشی تجدید نظر سرار دلیر و اعضای فلاکار جمعیت نهضت آزادی ایران رأی بصلاحتیت خود داد اعلام کردیم که از هم اکنون رأی فرمایشی این دادگاه معلوم است. روشن بود که مبارزان نهضت دست از عقیده خود بر نخواهند داشت و آزادی و حریت را مانند همه آزادگان جهان ارج خواهند نهاد تن به پستی و مذلت نخواهند داد

و زندان و شکنجه و مردن در راه عقیده را بر ریاست و وزارت و صدارت توأم با تئوری استثمار و استبداد ترجیح
خواهند داد .

شرآن و اعضای فداکار نهضت آزادی ایران در ظاهر محکوم شده اند اما محکومیت روحانی عالیقدر و خطیب زبردستی نظیر
آیه اله طالقانی اعتراف حکومت است به فساد مطلق و محکومیت مهندس بازرگان و دکتر سحابی اعلان و رشکستگی فکری
و فرهنگی حکومت ایران است محکومیت اعضای دلیر نهضت مهندس سحابی - دکتر شیبانی - علی بابائی - حکیمی بیسان
کننده این واقعیت است که در قاموس دستگاه آزادی کش ایران فداکاری دلیری آزادگی حق طلبی و فهم و شمرر داشتن
و حقایق را درک کردن جرم است .

بمه حکومت ها هنگام زوال با چنین صحنه سازیهای مسخره ای گور خود را کنده اند بگذار مردم روشنفکر مومن باخلاق
از وجود آیه اله طالقانی استفاده نکنند بگذار کرسی مهندس بازرگان و کلاس دهن سحابی خالی و بی فروغ باشد به
بگذار یاران مهندس سحابی و دکتر شیبانی و علی بابائی و حکیمی از دیدار آنان مدتی محروم باشند آزادی طلبی
و آزاد خواهی که از میان نرفته است . دوستان و یاران آیه اله طالقانی ها - بازرگان ها سحابی ها و بیشمارند
مدتی کم یا زیاد پیکار گروهی از یاران تا بصورت ماندن در سیاهچال زندان و تحمل زجر و شکنجه دستگاه قلدرو فلسف
حکومت ایران در آمده است دیگران نمرده اند و نباید بمیرند .



اخبار (بقیه از صفحه ۷)

آقایان قدسی و مظلوم و شریفیان و چندتن دیگر از اهالی آزاد مشهد زندانی هستند . آقایان خلیلی مومنی و نجاتی
پس از در ماه بازداشت غیر قانونی آزاد شده اند .

دانشجویان دلیر و مبارز سال دوم دانشکده پزشکی مشهد در سال گذشته دو برابر پرداخت شهریه گزاف دانشکده
مقاومت کردند . این مقاومت به نتیجه رسید دریافت شهریه موکول به بعد از ثبت نام گردید . دانشکده برای آنکه
دانشجویان را ناگزیر به پرداخت باج کند ایشان را به هرگز از نکرده امتحان آخر سال تهدید کرد لکن این تهدید
نیز موثر واقع نشد و دانشکده مجبور به برگزاری امتحانات گردید اکنون دانشکده به پیروی از منریات ضد فرهنگی
دستگاه حاکم ایران از اعلام نتایج امتحانات خودداری کرده و آن را موکول به پرداخت شهریه نموده است .

ما یقین داریم مقاومت دلیرانه دانشجویان این تصمیم جدید دانشگاه مشهد را که برخلاف تمام شرفین انسانی و فرهنگی
ملل متمدن است بار دیگر خنثی خواهد کرد نتیجه مقاومت همواره پیروزی است . پیروزی حق و عدالت بر ظلم و ستم و آزادی
و انسانیت بر بردگی و نامردمی .

در راه توسعه فشر سیاه

روشنفکران دولتی دسته گل تازه ای بآب داده اند پس از مدتی نشست و برخاست تصمیم گرفته اند برای حفظ نسل ماهی
حلال صید آزاد برای مدت سه سال در سرتاسر کناره دریای خزر و رودخانه های که باین دریا میریزد ممنوع کنند
و در صدد تحصیل مجوز قانونی هم برای اینکار هستند . اقدام مشمخ این روشنفکران قلابی مبتنی برین استدلال است
که حفظ ماهی که نسلهای آینده نیز در آن سهیم هستند لازم است .

از این نوکران جوان هیات جاکمه باید پرسید چرا این استدلال را در مورد نفت و مصرف در آمد آن بکار نمیبرند
و اصولا تکلیف ماهیگیرانی که زندگی خود را ازین راه تامین میکنند و تعداد آنها هم بسیار زیاد است چیست
اگر استفاده نکردن از گوشت ماهی را در سه سال آینده برای مصرف کنندگان ماهی بپذیریم پذیرفتن بیچارگی و فقر
ناشی ازین بیکاری برای ماهیگیران زحمتکش شمال غیر انسانی و غیر قابل تصور است نمیتوان اجازه داد که گروه
عظیمی از مردم میهن ما بدون آنکه اندیشه ای برای تامین زندگی آنها بشود از تهیه قوت لایموت خود بهر سیل
تنها ممر ممکن ممنوع گردند اینهم یکی دیگر از ابتکارات دار و دسته منصور است که فقر و بیکاری را در میان مردم
رواج میدهد .

پیام دانشجو

ارگان مازبان دانشجویان جنبه ملی ایران

"جنبه ملی مرکز احزاب و اجتماعات
ود استجاعتی است که برای خود تشکیلاتی
دارند و مرا می جز آزادی و استقلال
ایران ندارند."
از نامه جناب آقای دکتر مصدق

آبان ماه ۱۳۴۳

بها ۰۰ ریال

پیام دانشجو در سان تحسینی جدید ضمن اینکه خواستار موفقیت علمی برای همه خردمندان و برادران دانشجویان است امید دارد دانشجوین که در مراغه جای ارزنده های در عیون مبارزان ضد استعمار و ضد استبداد ملت ایران داشته اند همگام با سایر نیروهای ملت ایران به پیروزیهای بیشتر در راه رسیدن به آزادی و استقلال ایران نائل آیند.	در این شماره :
اساس دانشگاه در شرایطی بس دشوار و خفقان آورگسود شد و اثری از محیط علمی دانشگاه بچشم نمیخورد موانع تازه ای در راه فعالیت های تحسینی دانشجویان ایجاد کرده اند و پس از شکست انواع حیلها نظیر تحبیب و تهدید و ایجاد مجالس عیش و سرور اینک به آخرین وسیله یعنی اشغال نظامی دانشگاه و ازدیاد فشار بیرونی دانشجویان متوسل شده اند. این نه تنها نشانه ضعف دانشجوین نیست بلکه جلوه ای از قدرت اوست. دستگاه حاکمه که	۱ - احیای کاپیتولا سیون
ماسک هزار رنگ بچهره زده است در مورد دانشگاه ناچار شده چهره کریه خود را نمایان سازد و دانشجو را بزندان و سرایزخانه اعزام دارد. ما معتقدیم فشار و تهدید فقط میتواند مدت زمانی کوتاه مسکنی بر دردهای لاعلاج دستگاه حاکمه باشد. راه ما راه مصدق است و مصدق در طریق تاریخ گام مینهد راه تاریخ سد نشدنی است.	۲ - سخرها و طوفانها
	۳ - تبعید آیت الله العظمی آقای خمینی
	۴ - مبارزات حق طلبانه فرهنگیان
	۵ - اخبار
	۶ - جنبه ملی و روش مبارزه
	۷ - میلاد حضرت علی

احیای کاپیتولا سیون

"دیوان عدالت عظمی و محاکم
عدلیه مرجع رسمی تظلمات -
عمومی است."
از اصل ۷۱ متمم قانون اساسی

استبداد متکی با استعمار از مدت ها پیش ملت ایران را در فید و بند و قتل و زنجیر بسته است و هر روز حلقه های بخلنه های این زنجیر میافزاید. حیانت های سالهای اخیر یکی پس از دیگری از حلقه های ایسن زنجیر گران است و اقدام اخیر حکومت ضد ملی و احیای کاپیتولا سیون یکی دیگر از این حلقه های بزرگ و حیانتی عظیم بد منافع مردم و حیثیت و شرف ملت ایران میباشد.

دولت با زنده پرداخت ۲۰۰ میلیون دلار وام با بهره سنگین از طرف بانکهای آمریکائی و بتاراج دادن خزانه ی ملت ایران برای سالیان دراز در مقابل این وام لایحه های به مجلس برد و پارلمان فرمایشی

درد و افتخار بکسانیکه در زندان و در آزادی از مبارزه باز نمیایستند و از شرق و حیثیت ملت ایران دفاع میکنند

و پارلمان فرمایشی آن را تصویب کرد، که به موجب آن هیات های مستشاری نظامی آمریکا در ایران که در استخدام دولت ایران میباشند از مصونیت های سیاسی استفاده میکنند. ملت ایران با روشن بینی از همان لحظه اول متوجه شد که دولت های نواب صالح و ملوم و منصور هماهنگ با سایر دولت های پس از ۲۸ مرداد با کمک "پارلمانی" که ملت ایران توقعش جز پاک کردن و حلغنه بگوشی استعماراران ندارد به تائیدها و گروهبانیان و سایر افراد آمریکائی که در استخدام دولت ایران هستند مصونیت داده است و در این مورد حتی وضعی بدتر از رژیم کاپیتولاسیون سابق ایران ایجاد کرده است. در رژیم کاپیتولاسیون سابق لااقل مجرم در ایران برسیه قنصل کشور متبوع مجرم مقیم ایران محاکمه میشد لکن در این رژیم جدید ناشی از انقلاب - سفید مجرم بطورکلی از هرگونه محاکمه و مجازات معاف است.

تانون مزبور آنچنان با استقلال و حیثیت کشور منافات دارد که حتی صاحبان وجدانهای خود فروخته های که بنام "نمایندگان ملت" برکرسیهای پارلمان جلوس کرده اند با آن بمخالفت و چانه زدن برخاستند و بی شک تعداد آراء مخالفین (۶۱) و موافقتین (۷۴) هنگام رای گیری در مجلس شورای از کشمکشهای داخلی و - صحنه سازیهای سیاسی استعماری است و اعلا جنبه ای ملی ندارد. لکن جانب اینجاست که دولت "اصلاح طلب" حتی جرات ندارد گفتارهای همین دلقکهای سیاسی را که با صحنه سازی کثیف انتخابات دوره ۲۱ انتصاب شده اند منتشر نماید زیرا به بزرگی خیانت خود کاملاً واقف است.

مصونیت اعضای هیات های مستشاری آمریکا و خانواده آنان که در واقع چندین هزار نفر آمریکائی نظامی و سویل را از زن و مرد دربر میگیرند در واقع نقض صریح اصول متمم قانون اساسی و دهن کجی به کلیه مقدمات ملی و شرف ایرانی است و در واقع یکی از امتیازات بسیار زننده و خشن مستعمراتی را در ایران زنده میکند. اگر این مصونیت در حقیقت نوع خشن کاپیتولاسیون و امتیازات مستعمراتی نیست پس چیست؟ مگر نه اینست که کلیه کسانی که در ایران زندگی میکنند برطبق اصول مسلم آئین دادرسی چنانچه مرتکب جرمی شوند باید در همان محل محاکمه شوند و مگر نه اینست که اعضای هیات های مستشاری در استخدام دولت ایران هستند بچه دلیل کسانی که در استخدام دولت ایران میباشند با سفیر و وزیر مختار و مستشار سفارت که در استخدام دولت خارجی بود و نماینده کشور متبوع خود در ایران هستند مقایسه میشوند و مگر نه اینست که مصونیت سیاسی برطبق اصول حقوق بین الملل عمومی مختص بکارمندان سفارتخانه ها است.

هیات های مستشاری اگر مستخدم ایران هستند که نباید از کارمندان دیگر عزیزتر تلقی شوند و امتیازات بیشتری داشته باشند در غیر اینصورت باید گفت اعضای هیات های مستشاری در عین اینکه ظاهراً مستخدم ایران هستند دستورات خود را از سفارت آمریکا میگیرند و در واقع نماینده یک دولت خارجی میباشند.

از طرف دیگر اگر اعضای این هیات مرتکب جرمی علیه یکی از افراد در ایران شوند قابل تعقیب و مجازات نبوده و در نتیجه اصل هشتم متمم قانون اساسی که میگوید "اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی - تساوی الحقوق خواهند بود" دیگر معنی و مفهومی ندارد و در نتیجه کسیکه مورد تجاوز قرار گرفته است - بیجای برای تظلم و شکایت ندارد و قانون و محکمه ویرا بحال بودرها میکند و جرم این خارجی و ظالمیکه بیکی از اهل ایران اعم از خارجی یا ایرانی شده بی مجازات میماند و اصل ۷۱ متمم قانون اساسی هم نقض میشود. صرف نظر از این نکات مقررات این کاپیتولاسیون بقدری دقیق تنظیم شده است که همه ...

نوشه و کنار منافع استعمار و استبداد در آن رعایت شده است و در مجلس منصور در مقابل تغییر حتی يك زاوآن بشدت مقاومت کرد و اجازه اینکار را نداد .

هیات حاکمه نریادهای اعتراف ملت ایران را نسبت باین جنایت جدید بشیوه دیرینه خود با حبس و تبعید پاسخ میدهد بهمین جهت نیز حضرت آیت الله العظمی خمینی را که در طی سخنرانیهای پرنسوز و اعلامیه خود خیانت هیات حاکمه را فاش کرده بود از ایران تبعید کرد . ملت ایران زنده است و در راه لیبو اینگونه امتیازات فریادها داده و میدهد و نخواهد گذاشت شرف و حیثیتش دستخوش اغراض و مطامع نوکوران خارجه و بیگانگان گردد . سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران ملت ایران را برای مقابل با خیانت جدید تحیا حاکمه باتحاد و مبارزه فرامیخواند . وظیفه هر دانشجو و هر ایرانی وطنپرست است که ماهیت این لایحه را که چیزی جز کاپتولاسیون نیست برملا سازد . ملت ایران بخاطر تامین آزادی و استقلال ایران و خستادن دادن بنفوذ استعمارگران انگلیسی و آمریکائی و ظرد هیات حاکمه خائن متحد و یکپارچه مبارزه میکند و در این راه از هیچ مانعی نمیهراسد .

+++++

 * بیاد بود نوزدهم آبان ۱۳۴۳ *

سخره ها و طوفانها

امواج هر روز و شب سخره های ساحل را میسایند طوفانها گاه و بیگاه بر سخره ها خشم میگیرند و آنها را میگویند اما سخره ها

همچنان ایستاده اند و دل به امواج طوفان سپرده زیرا سخره اند و باید هجوم امواج را سد کنند تا خاک بماند و زندگی بماند تا دریا مهار زندگان شود . در جامعه نیز بدینسان مبارزه درگیر است . نیروهای سیاه حام ملت را در زیر ضربات میگویند . شرف و مقام و ثروت او را لگد کوب منافع خود میسازند . عزیزان ملت را ب خاک میکشند و در یوزگان را حکومت میسپارند تا انسان را زبون کنند . ملت فریاد سر میدهد از حیات خرد دفاع میکند و فرزندان خود را بکمک میطلبند و فرزندان بار مبارزه را بدوش میگیرند نبرد آغاز میشود ملت بی پای میخیزد و دشمن را به تنگنا میکشاند و تا آستانه پیروزی به پیش میرود و اگر پیروز نشود ؟ آنگاه عفو در هم میریزد ملت را بزنجیر میکشند و او را میگویند سخت آنسان که گوئی دیگر بی پای نخواهد خاست و در این زمان است که سخره ها امواج را و طوفان را به آغوش میکشند و از شرف و مقام انسان پاسداری میکنند و در بیغوله های پیدان در شکنجه گاهها و در پرتو شفق بی پای چو به اعدام حیات ملت را ادامه میدهند و آنرا جاودان میسازند . ملت ما نیز سخره ها داشته و دارد چون دکتر حسین فاطمی و دیگران و امروز ما به سخره ها نیازمندیم تا شعل مبارزه را فروزان نگهدارند و علیرغم طوفانها عفو مبارزه را با ایمان بد پیروزی استوار گردانند . در ندان و در آزادی از پای ننشینند و چون سخره ها در مقابل امواج پایداری کنند و طوفان را به پشت سر گذارند تا در پرتو آفتاب درخشند گوی چهره آنها چشم ملت را به راه بگشاید به راه پیروزی .

+++++

تبعید حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی

ستگاه استبداد نوکر استعمار یکبار دیگر دشمنی خود را با آزادی و آزاد یخواهی با میهن دوستی و منافع ملی ایران نشان داد . حضرت آیت الله العظمی خمینی که با همکاری سایر مراجع تقلید و با تائید و پشتیبانی طبه ملت مسلمان ایران با روسن بینی علیه استبداد وارد مبارزه شده است در دو سال اخیر مورد . . .

سرب و شتم و اهانت و حبس هیات حاکمه قرار گرفته است • روحانیت و رهبران روشن بین آن در سالهای اخیر
این نکته مهم انتقادات کرده اند که در پناه ظلم و فساد و استبداد هیچ چیز مفید و معنوی نمیتواند موجود
پیدا کند • توجه باینکه تا آزادی نباشد و تا منافع ملت رعایت نشود و تا حکومت مردم بر مردم سرکار نیاید
هیچ چیز با ارزش وجود نخواهد داشت نقطه عطفی است در رابطه مذهب و اجتماع •

رهبران روحانی در سالهای اخیر با مبارزات قهرمانانه خود این مطلب را عملاً اثبات کرده اند و این راه
تازه را با سرعت کوبیدند و عاف کردند • یکی از تجلیات این مبارزه قهرمانانه برخورد روشن و قاطع و سرح
واقع بینانه حضرت آیت الله خمینی و دیگر مراجع تقلید شیعیان با مساله ننگ آور و اسف بار کاپیتولا سیون
بود • حضرت آیت الله این بردگی و بندگی تازه را نتیجه نبودن آزادی و حکومت دیکراسی دانستند و اعلام
کردند که تا استعمار در این مملکت بطور مستقیم و غیرمستقیم با دادن قرضه و آوردن مستشار حفر مافی میکند
با این ننگها روبرو خواهیم بود •

بان صاحب و توجیه ملت خرافانه ایشان در مخالفت با کاپیتولا سیون مرتجعانی را که برای مملکت بدستور
یکران حکومت میکنند بوحشت انداخت و آنها و ادار بحماقت دیگری کرد مرد آزاد های را که قاطعانه و روشن
نانه کاپیتولا سیون را تخطئه کرده بود بدون محاکمه و برخلاف قانون بخارج از کشور تبعید کردند •
گویند که ایشان را بترکیه برده اند اگر چنین باشد اینهم اولین نمره پیمان سه لانه ایست که ایران با حکومت
د مملکت "مسلمان" بسته است و لابد قرار است از این پس رهبران مسلمانان این کشورها برای زجر و حبس و
کنجه بکشور هم پیمان تبعید شوند • هیات های حاکم فاسد بدین ترتیب دشمنی دیرین خود را با ملت
واهی و حفظ منافع ملی ابراز میکنند و نیت پلید خود را از پیمانهای احمقانه و تعهد آور آشکار میسازند •
ا به تبخید حضرت آیت الله خمینی که بدون هیچگونه مجوز قانونی و بجرم بد فاع از منافع ملی و اعتراف بر اصولی
نارجیان و حمله به وضع قوانین مخالف قانون اساسی و منافع ملی و احیای کاپیتولا سیون و قیومت بیگانگان
ورت گرفته است شدیداً اعتراض میکنیم و آنرا یکی دیگر از دشمنیهای دستگاه استبدادی مملکت میشناسیم
به مبارزه علیه اینگونه اعمال خلاف ادامه خواهیم داد •

+++++

مبارزات حق طلبانه فرهنگیان کشور چون خار بچشم دولت میخلد

جز خاطر مبارزات پرشور فرهنگیان کشور رازها ن زنده است • معلمین و دبیران کشور که نقش اساسی در
توسعه و نسل جوان دارند برخلاف اغراض خائنه دولتهای دست نشانده حاضر نیستند از انجام وظائف ملی خود
راه تربیت صحیح فرزندان این آب و خاک صرف نظر کنند • دولت منصور که با کینه و حسد به پیروزیهای
لمین در سال ۴۰ مینگرد چندی قبل در مجلس شورای برای این عین شریف و شجاع خط و نشانها کشید
مور که ماسک دولت "جوان و تحریک کرده" به چهره زده است بدنبال تزییقاتی که در راه تحصیل دانش
یان و محصلین ایجاد کرده است اینک به معلمین و دبیران اعلام جنگ میدهد • هر آدم ناواردی بسادگی
همد که چرا اینروزها دولت منصور فرهنگیان را تهدید میکند زیرا دولت میخواهد لایحه جدید استخدام
عمود اعتراض قاطبه فرهنگیان و سایر کارمندان کشور است از تصویب مجلسین بگذراند • ما با همه کارمندان
لت خاصه معلمین و دبیران در این تهاجم دستگاه استبدادی احساس همدردی میکنیم • دانشجویان و
نش آموزان پستیان مادران و پدران روحانی خود هستند • مادر آینه لایحه استخدام را بررسی خواهیم کرد •

اخیرا

« وسعت فشار و تضییقات و تروریسم نشانه ترس »
 « و وحشت يك حکومت است »
 « نهپرو »

بازداشت فسرور

داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران و وکیل پایه يك دادگستری برخلاف کلیه موازین قانونی در پایان شهریور ماه از طرف مقامات پلیس بازداشت شد • فروهر مبارزی است خستگی ناپذیر که طی یازده سال اخیر بارها مبارزه را از کزچه و خیابان به زندان منتقل کرده است •

فروهر در لحظات تاریخی نشان داده است که از پیروان ثابت قدم راه مصدق بوده و همیشه در راه — آزادی و استقلال ایران عمیانه مبارزه کرده است • ما باین توقیف غیر قانونی شدیدا معترض بوده و آزادی ایشان را خواستاریم •

توقیفها و محکومیتهای تازه — بدنبال محاکمه و محکومیت سران مبارز جمعیت نهضت آزادی ایران و حکم محکومیت دیگر از طرف دادگاههای فرمایشی نظامی صادر شده است بموجب این احکام در تن از ارزنده ترین و مبارزترین اعضای هیئت اجرائیه جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران آقایان منوچهر صفا و عباس عاقلیزاده بجرم دفاع از قانون اساسی و آزادی و استقلال کشور هر يك محکوم بد سه سال حبس شده اند •

تدارك يك محاکمه فرمایشی دیگر آقایان برلیان نراقی قنادیان معراجی مقدس زاده و مهدوی

دانشجویان دانشگاه تهران که بجرم آزادیخواهی در شب ۱۶ آذر سال گذشته بزندان افکنده شده بودند پس از یازده ماه بازداشت غیر قانونی چندی پیش بدستور رئیس دانشگاه از دانشگاه اخراج شدند و مقدمات محاکمه فرمایشی آنان نیز فراهم شده است • اگر رئیس دانشگاه و سایر تعزیه گردانان این نوع اقدامات تصور میکنند که با اخراجهای دسته جمعی و تشکیل محاکم فرمایشی و اعزام دانشجویان بسرازمخانهها میتوانند جرانان را از رسالت بزرگ ادامه راه مصدق بازدارند اشتباه میکنند • دستگاه استبداد باید بداند که پیکار دانشجویان در راه آزادی و استقلال ایران دارای آنچنان سابقه و ریشه است که جز با از میان رفتن استبداد و استعمار پایان نخواهد پذیرفت •

محاکم نظامی روی دادگاه بلخ را مسفیف کرده اند

در تعقیب محاکمه سران فداکار و اعضای نهضت آزادی ایران آقایان سرشیپ مسعودی — سرمنگ علمیه و سرهنگ رحیمی وکلای مدافع را بجرم مطالبی که در دادگاه فرمایشی نظامی بعنوان دفاع بیان کرده — بودند احضار و سپس توقیف کرده اند • کار مملکت بسرعت از وضع غیرعادی و مضحك بصورت مسخره بازی مداوم شهر بلخ درمیاید تا آنجا که تاریخ محاکم بصورت مذتوب وجود دارد حتی در بلخ هم وکیل مدافع را بجرم دفاعیات مورد تعقیب قرار نداده اند و این اولین بار است و مسلماً تا دستگاه استعمار بر این مملکت حاکم است آخرین بار نخواهد بود که وکلا را ترقیف و محاکمه خوشند کرد تا دیگر وکیلی جرات نکند بوظیفه قانونی خود عمل کرده و از مرکابین دفاع نماید •

جبهه ملی و روش مبارزه - هدف و تشکیلات

هریک از ملتهای جهان به تناسب درزانی که از تاریخ تشکیل اولین حکومتش گذشته باشد در زندگانی اجتماعی نشیب و فرازهای کم یا زیاد بخود دیده است • و ملت ما از میان این ملتها بدلیل سابقه کهن خود کهنه داستانهای فراوان و حقایق شیرین و تلخ بسیار در سینه سنگها و در دل تاریخ بیادگار دارد • ایران بدلیل موقعیت جغرافیائی و منابع طبیعی اش همواره مورد نظر و هجوم اقوام و ملل بیگانه بود است و هنوز نیز چنین است • حملات فراوان بایران شده است دارودسته چنگیز مغول و تیمور لنگ بایران آمدند کشتند سوختند و بردند و در برخی نواحی جنبندهای هم باقی نگذاشتند اما بیگانه بودند و در ضمن هیچ یک از وحشیگریهایشان تا بدان حد پیش نرفت که مبانی اخلاقی و روحی زمامداران را آنچنان متزلزل و تضعیف کند که دست بسته ناظر هرگونه جنایت بیگانگان شوند و دم بر نیاورند • قوم مغول و تیمور و دیگران ما را شکست دادند اما ملت ما را به پستی و مذلت نیالودند اما استعمارنو با دستیاری نوکران داخلی خود در دورههای اخیر تاریخ ایران بزرگترین جنایتها را نسبت به ملت ما روا داشته است • در هیچیک از ادوار تاریخ فساد و ظلم و فقر این چنین دامگیر مردم ما نبود است • دروغ و نیرنگ بدین نحو بوسیله حاکمان خود گامه بر جامعه ما حکومت نمیکرد است منابع و ذخائر مملکت ما به یغما نمیرفت است و در روزهای کشور به روی مصنوعات بی ارزش کشورهای استعماری این چنین باز نبود است و از رشد و نمو استعداد های جوانان مملکت اینگونه جلوگیری نمیشد است •

مغولها و تیموریان و دیگران پس از آنکه مدتی بازیچه دست مردان صاحب اندیشه ایرانی میشدند و تنها نامی از آنان و ود داشتند قدرت و اختیاری • اما اکنون حکومتهای ایزن از شر استعمار و جانشین آن استعمارنو در امان نیستند و بهمین دلیل است که استعمارنو از حملات چنگیزخان و تیمور لنگ خطرناکتر و خانمان برانداز تر است و بهمین مناسبت است که با استعمار و استبداد عامل و مجری اندیشه استعمار ی استعمارگران باید سرچنگ داشت و آزادی و استقلال ایران را خردمان بود • باید خواست که حدود و ثغور قدرت بهر یک از مسوولان اداره مملکت بر طبق قانون ناشی از اراده ملت ملتی که بطور آزاد حق بیان اراده اش را داشته باشد تعیین شود و بجای استبداد آزادی حاکم باشد و دست استعمارگران و عوامل و ایادی آنان که حیات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی ما را تهدید میکنند از دامن مقدرات ما قطع شود و سرنوشت ایران در داخل مرزهای ایران و در اطاقهای که بهند آزادی و فکر و روح ایرانی بر محیط آن حکمراست بوسیله ایرانیان تعیین شود که ملت خود را جزو ملتهای آزاد جهان می شناسند و در سحنه سیاست بین المللی دولتهای کوچک و بزرگ شمال و جنوب و شرق و غرب دنیا را با دولت خود متساوی - الحقوق میدانند • این مفهومی است که ما از استقلال ایران داریم و معتقدیم که این آزادی و استقلال ایران دستخوش اغراض و شهوات هیات حاکمه مستبد و فاسد است • و بنا بر این معتقدیم که همه حق و وظیفه دارند که در راه مبارزه با عوامل تهدید کننده آزادی و استقلال ایران گام بردارند و ایستادگی و کوشش کنند •

کنون باید دید وظیفه اساسی و نقش تاریخی جبهه ملی ایران در این میان چیست ؟ جبهه ملی ایران موظف است که مظهر و تجلی نگاه خراست عمومی باشد ملت ما را در داشتن آزادی و استقلال سیاسی و

اقتصادی رنج میبرد بنابراین هدف جبهه ملی ایران باید تامین آزادی و استقلال ایران باشد *
از نظر تشکیلاتی جبهه ملی باید همه هم وغم خود را مصروف این سازد که بطرف مردم بروید و همه
آنها را در راه بدست آوردن آزادی و استقلال ایران هم آهنگ و هم آواز سازد بنابراین همانطور
که پیشوای ملت دکتر مصدق گفته است :

«... تعریفی که میتوان از جبهه ملی نمود این است که جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجات
است که برای خرید تشکیلاتی دارند و مراصی جز آزادی و استقلال ایران ندارند * این مرام پییزی -
نیست که یک عده قلیل و هر قدر صاحب فکر بتوانند در تمام مملکت آنرا اجرا نمایند بلکه مجری این مرام -
باید ملت ایران باشد *»

ملاحظه میشود که این تشریف با طبیعت و واقعیت مبارزه ای چون مبارزه ما سازگار است مبارزه ای که
برای آزادی و استقلال ایران است نه برای عو شدن مهره ها و الفاظ و تبدیل برنامه " سازندگی "
به " نوسازی " و بازیهای دیگر از این قبیل * بدین ترتیب واضح است که علت عدم موفقیت های چند سال
اخیر جبهه در ترکیب و تشکیلات آنست * جبهه ملی بون آنکه بگوید و یا بخواهد خود را از مردم جدا
کرده بود سیاست بازانی که شجاعت و شهامت را در کارهای سیاسی کفر میدانند اعتراف با اشتباه را دور
از سیاست میشناسند * اما آنها که با ملت یکی هستند همه آنچه را که مربوط به ملت است با وی در میان
میگذارند و بهمین مناسبت است که باید گفت : تشکیلات و رهبری جبهه ملی در چند سال اخیر با مقررات
و قواعد من در آزادی خود را از صورت مرکز آمال و آرزوی فرورد افراد ملت بیرون آورده و میخواست بصورت
حزبی درآید که همه افراد مختلف المسلك را با مراهمان کوناگون در جمعهای چند نفری بنشانند و آنان را
تعلیم دهد * در اولین کنگره جبهه ملی ایران این مطلب بتفصیل بر اساس پیام آقای دکتر مصدق بکنگرس
از طرف نمایندگان دانشگاه و گروهی دیگر عنوان شد لیکن باین مطالب ترتیب اثری داده نشد *

تشکیلات بی تناسب جبهه از لحاظ داخلی موجب اختلاقات فراوان بود * هر کس که با دیگری در -
جزئیات عقاید همکمر نبود شك و تردید قرار میگرفت و از این راه گرفتاریهای فراوان پیم آمد و وقت
های برانبهائی تلف شد و افراد بیشماری دلسرد شدند و یا خارج از محیط مبارزه ماندند *
از جنبه خارجی نیز جبهه از همه مردم توقع داشت بیک اندازه فداکاری کنند و این فداکاری را هم در حد
اعلا از همه میخواست * در صورتیکه انتظار فداکاری از همه مردم بیک میزان داشتن اشتباه بزرگی است *
رهبری شرحریان سیاسی که چنین اشتباهی را کرده صدمات جبران ناپذیر و تاسف باری را موجب شده
است اشتباهات از این قبیل باعث از دست دادن فرصتهای تاریخی ملتها میشود و سالیان دراز آنان
را بعقب میاندازد *

بسرای آنکه جبهه موثر شود و بتواند در راه آرمان بزرگ ملت ما یعنی آزادی و استقلال ایران
عزیز گام بردارد باید درهای خود را بروی کلیه احزاب و اجتماعات و دستجات آزاد بخواهد باز گذارد و از
مردم در حدودی که واقعیت حکم میکند توقع و انتظار داشته باشد * درین مورد باید از همه مردم برای
شرکت در کارها دعوت شود و همه مردم باید از طریق اجتماعات و انجمنها با یکدیگر در ارتباط باشند *
نتیجه ارتباط همه با هم و بین مردم بودن اینست که آتش مبارزه هیچگاه خاموش نمیشود اعل ...